

تحول و بالندگی
حوزه‌های علمیه در چشم انداز
مقام معظم رهبری

دفتر پی‌گیری فرامین و مطالبات
مقام معظم رهبری از حوزه علمیه

مجموعه دیدگاه‌های رهبران و نخبگان
پیرامون تحول در حوزه (جلد اول)

فهرست

- پیش داشت ۱۴
- فصل اول: «باندگی در حوزه‌های علمیه»، سخنرانی مقام معظم
رهبری در دیدار با علما، فضلا و مدیران حوزه (آذرماه ۱۳۷۴)
- بررسی حال و آینده‌ی حوزه ۲۸
- نگاهی به تاریخ پرافتخار «حوزه‌ی علمیه‌ی تشیع» ۲۹
- «حفظ، ترمیم و باندگی»؛ سه سطح عمده از وظایف حوزه ۳۱
- موفقیت حوزه در سطح «حفظ» ۳۲
- «تأسیس مفاهیم نو»؛ شاخص اصلی سطح «ترمیم» ۳۲
- «گشودن آفاق نو در علوم»؛ رمز «باندگی» حوزه ۳۳
- «حوزه‌ی زنده»؛ حوزه‌ی بالنده ۳۴
- چالش‌ها و نارسایی‌ها ۳۵
- «حوزه»، موفق در «ترمیم» و نیازمند «باندگی» ۳۵
- «جلو بودن از زمان»؛ ویژگی حوزه‌ی دیروز ۳۷
- «عقب ماندن از زمان»؛ ویژگی حوزه‌ی امروز ۴۰

شناسنامه کتاب

تنظیم و نشر: دفتر پی‌گیری فرامین و مطالبات مقام معظم رهبری از حوزه علمیه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰

بها: ۲۵۰۰ تومان

- عدم استفاده بهینه از استعداد انسانی کنونی ۴۲
- «عدم گسترش متناسب کمی روحانیت» در داخل و خارج ۴۳
- «کمبود محتوایی» در علوم ۴۴
- کاستی در عرصه‌ی «نشر و تبلیغ» ۴۴
- عدم گسترش «فقه» به عرصه‌های نوظهور اجتماعی ۴۵
- ضرورت تحول در شیوه‌ی استنباط (فقاہت) ۴۸
- وجود کاستی در عرصه‌ی «کلام» ۵۱
- لزوم بازنگری در عرصه‌ی «تبلیغ» ۵۳
- مخالفت با دولتی شدن حوزه‌ها ۵۷
- راهبردها و راه کارها** ۵۹
- پذیرش کاستی‌ها در حوزه ۵۹
- تحریک اراده‌ها برای شناختن آسیب‌ها ۵۹
- بیدار کردن روح کار در جوانان ۶۰
- سازمان‌دهی و مدیریت در دو سطح «اداری و جهادی» ۶۰
- ایجاد فضای باز در عرصه‌ی علوم «عقلی و نقلی» ۶۱
- ایجاد تغییر اساسی در کتب درسی ۶۳
- تأسیس «مجمع فقهی» برای ساده سازی و میناشناسی فقهی ۶۴
- تقلیل «دوره‌ی مقدمات و سطح»، به پنج سال ۶۶
- کاربردی کردن «فقه و اصول» در دوره‌ی خارج ۶۶

- تأسیس رشته‌های مستقل علمی ۶۷
- آموزش اجباری زبان بیگانه ۶۷
- تفکیک «سطح علمی» طلاب، براساس «اهداف» مشخص ۶۷
- «علماء، فضلا و مدیران»، مخاطبان اصلی ۷۰
- ضرورت برگزاری همایش‌های کارشناسی - علمی ۷۰
- نمودار تحلیل مفهومی ۷۲
- سه سطح از وظایف اصلی حوزه‌ها ۷۲
- وضعیت کنونی حوزه ۷۳
- بخشی از گستره‌ی علوم مورد نیاز در سطح بالندگی ۷۳
- سطوح بالندگی در دانش‌ها ۷۴
- ارکان بالندگی در منابع ۷۴
- آرمان حوزه ۷۵
- مأموریت حوزه ۷۵
- چالش‌ها و آسیب‌ها ۷۵
- راهبردها و راه کارها و برنامه‌ها ۷۶
- مخاطبان درون حوزوی ۷۷
- مخاطبان برون حوزوی ۷۸

فصل دوم: «مدیریت تحول در نگاه مقام معظم رهبری» در دیدار

با جمعی از مدیران و فضیای حوزه علمیه (آذرماه ۱۳۸۶)

- ضرورت پی گیری و تحقق «دیدگاه‌های اصلاحی» در حوزه ۸۲
- «چیستی فردای حوزه»؛ در گرو «چگونگی عملکرد امروز» ۸۴
- نقش «آینده نگری»، در ایجاد «تحول» در وضع موجود ۸۵
- «دنیای آینده»، کاملا متفاوت با «دنیای امروز» در توسعه‌ی علمی ۸۶
- «تحول»، اجتناب ناپذیر و «مدیریت تحول»، عامل حیات و بالندگی ۸۸
- «تحول»؛ یعنی به روز شدن «ساختارها» و تکامل «برنامه‌ها» ۸۹
- «استقلال مدارک حوزوی»؛ نمونه‌ای از مدیریت تحول ۹۰
- تغییر «محتوای آموزشی» با رویکرد درک مطلب ۹۱
- لزوم حفظ «مایه‌ی علمی»، در هنگامه‌ی تحول آموزشی ۹۳
- تکمیل حلقه‌ی «مدیریت»، در کنار فرآیند «برنامه ریزی راهبردی» ۹۳
- «سیاست گذاری و ترسیم چشم انداز»؛ دو وظیفه‌ی مهم مدیریت عالی ۹۴
- تقویت «کارشناسی خودکفای حوزوی»؛ بخشی از وظایف مدیریت عالی ۹۶
- تأسیس «شورای برنامه ریزی» آگاه از علم روز، از وظایف «نهاد مدیریت حوزه» ۹۶
- «آمارگیری و نظام ارزش‌یابی»، از لوازم سازمان‌دهی ۹۷
- لزوم «آزاداندیشی علمی» و فرهنگ سازی نسبت به آن ۹۸
- ملاحظه‌ی منزلت اجتماعی فضلا و تشکیل «هیأت‌های علمی» در سطوح مختلف ۱۰۱
- لزوم انتقال تجارب «مدیران مدارس» به یکدیگر ۱۰۲
- «تعامل حوزه و نظام اسلامی»، در گرو مدیریت تحول ۱۰۳

- لزوم تأسیس «مؤسسه‌ی آموزشی تبلیغات بین الملل» ۱۰۳
- اهمیت منبر و تربیت مبلغ ۱۰۵
- نمودار تحلیل مفهومی ۱۰۶
- تعریف تحول ۱۰۶
- گستره‌ی تحول ۱۰۶
- دکترین تحول ۱۰۶
- راهبردها و راه‌کارهای مدیریت تحول ۱۰۷
- برنامه‌های مدیریت تحول ۱۰۸
- فصل سوم: دیدگاه‌های جمعی از فضیای حوزه (آذرماه ۱۳۸۶) پیرامون**
«تحول در بخش‌های مختلف حوزه‌های علمیه»
- نیازهای آینده، تخصص‌گرایی و اصلاح متون درسی ۱۱۲
- (حجت الاسلام والمسلمین حسینی خراسانی)
- فقه اسلامی؛ پاسخ‌گوی نیازهای آینده ۱۱۲
- تخصص‌گرایی و اصلاح متون درسی ۱۱۴
- اختصاص سهم بیش‌تر به قرآن ۱۱۴
- وحدت و تعامل حوزه و دانشگاه ۱۱۵
- (حجت الاسلام والمسلمین آذر بایجانی)
- عملیاتی شدن وحدت حوزه و دانشگاه ۱۱۵

- تفکیک قلمرو وحدت و تعامل ۱۱۶
- راه‌های اصلاح جایگاه علوم انسانی ۱۱۷
- راه کار ارتقای تعامل حوزه و نظام اسلامی ۱۱۸
(حجت الاسلام والمسلمین الهی خراسانی)
- به رسمیت شناختن هویت مستقل علمی حوزه ۱۱۹
- مرجعیت رسمی حوزه‌ها در عرصه معارف اسلامی ۱۲۱
- اتخاذ راهبردهای عملی برای تعامل ۱۲۲
- تمرکززدایی در ارتباط دستگاه‌های نظام با حوزه ۱۲۲
- تدوین نظام نامه جامع حوزه‌های علمیه ۱۲۳
- بایستگی‌های تبلیغ دین و منبر ۱۲۴
(حجت الاسلام والمسلمین رفیعی)
- ضرورت هم‌آهنگی بین دستگاه‌های تبلیغاتی ۱۲۵
- ترسیم سیاست تبلیغی واحد و منسجم در کشور ۱۲۵
- عمق بخشی به فرایند تبلیغ و فعالیت مبلغان ۱۲۶
- تعمیم عرصه‌های تبلیغ ۱۲۷
- شناسایی و تقویت ظرفیت‌های جدید تبلیغی ۱۲۸
- حوزه‌ی ادب و ادب حوزه ۱۲۸
(حجت الاسلام والمسلمین حسینی ژرفا)
- گزارشی از پیشینه‌ی ادبیات در حوزه ۱۲۹

- پیشنهادهایی برای اهتمام بیشتر به ادبیات در حوزه ۱۳۰
- اهتمام به پیش رفت حوزه در بخش بین‌المللی ۱۳۲
(حجت الاسلام والمسلمین سُهَیل أسعد)
- هم‌آهنگی در تعیین اهداف حوزوی ۱۳۳
- برنامه ریزی برای حضور خواهران طلبه خارجی ۱۳۳
- آموزش عربی و انگلیسی ۱۳۳
- لزوم پیش رفت حوزه در بخش بین‌المللی ۱۳۴
- موانع و راه‌های تبلیغ دین در خارج از کشور ۱۳۵
(حجت الاسلام والمسلمین شمالی)
- موانع تبلیغ دین در عرصه بین‌المللی ۱۳۶
- راه فعال‌تر شدن حوزه در بخش بین‌المللی ۱۳۶
- پیشنهاد تأسیس معاونت بین‌الملل حوزه ۱۳۸
- پیشنهاد تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی بین‌المللی ۱۳۸
- سامان‌دهی فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه ۱۳۹
(حجت الاسلام والمسلمین عابدی)
- نگرشی به وضعیت کنونی فلسفه و عرفان حوزه ۱۳۹
- تأسیس مدرسه علوم عقلی و گسترش درس‌های عرفان ۱۴۱
- کارآمدی نظام تدریس حوزه ۱۴۱
(حجت الاسلام والمسلمین فرحانی)

- ۱۴۲..... آسیب شناسی نظام حوزه از جهت تدریس
- ۱۴۳..... متن محوری به جای موضوع محوری
- ۱۴۴..... رفع کاستی‌های منطق حوزه
- ۱۴۴..... ضرورت کاهش دوره تحصیل
- ۱۴۵..... پژوهش و فقه پژوهی در حوزه
- (حجت الاسلام والمسلمین کاظمی)
- ۱۴۵..... آسیب‌ها و بایسته‌های فقه آموزی و فقه پژوهی
- ۱۴۶..... لزوم تحول در فضای پژوهشی حوزه
- ۱۴۶..... تبیین جایگاه فقه و اصول در نظام آموزشی
- ۱۴۷..... نحوه تعامل مؤسسات آموزشی با مدیریت حوزه
- ۱۴۸..... بایسته‌های سامان‌دهی حوزه‌های خواهران
- (سرکار خانم بهشتی)
- ۱۴۹..... شناسایی و طبقه‌بندی استعدادهای خواهران
- ۱۴۹..... ضرورت توجه به تحصیلات تخصصی خواهران
- ۱۵۰..... سامان‌دهی و هدف‌مند کردن فعالیت‌های پژوهشی خواهران
- ۱۵۱..... لزوم تعامل بین مراکز حوزوی فرهنگی و حوزه خواهران
- ۱۵۲..... الگوی تعامل حوزه و نظام اسلامی
- (حجت الاسلام والمسلمین میرمعزی)
- ۱۵۲..... محورهای تعامل حوزه و نظام اسلامی

- ۱۵۲..... تعامل حوزه و نظام بر اساس نظریه امام - ره
- ۱۵۳..... راه کارهای تحقق الگوی مطلوب تعامل حوزه و نظام
- ۱۵۶..... بهره‌گیری از فناوری‌های نوین
- (حجت الاسلام والمسلمین مظلومی)
- ۱۵۶..... استفاده از فناوری برای ابلاغ رسالت فراگیر اسلام
- ۱۵۷..... پیشنهادهایی در بهره‌گیری از فناوری اطلاعات
- ۱۶۰..... حوزه، طلاب جوان و مدارس علمیه
- (حجت الاسلام والمسلمین نضافت)
- ۱۶۱..... راه‌های تربیت طلاب هدف‌مند و کارآمد
- ۱۶۳..... تحولات لازم در عرصه برنامه ریزی
- ۱۶۴..... تحولات لازم در عرصه پذیرش طلاب
- ۱۶۷..... تهدیدها و راه کارهای نهضت نرم افزاری
- (حجت الاسلام والمسلمین واعظی)
- ۱۶۷..... تهدیدهای نهضت نرم افزاری
- ۱۷۰..... راه کارهای برای پیش برد نهضت نرم افزاری
- ۱۷۱..... ضرورت نظام آموزشی پژوهش‌گرا
- (حجت الاسلام والمسلمین زادحوش)
- ۱۷۲..... تأکید بر تدوین متون درسی
- ۱۷۲..... ضرورت انجام پژوهش در ضمن تحصیل

۱۷۳.....	توجه به مقوله هنر در حوزه
۱۷۴.....	همکاری حوزه و وزارت آموزش و پرورش
۱۷۵.....	حضور در صحنه بین المللی و مقابله با عقاید باطل
۱۷۶.....	ضرورت تدوین طرح جامع حوزه‌های علمیه
	(حجت الاسلام والمسلمین نظری)
۱۷۸.....	نمودار جامع تحلیل مفهومی
۱۹۲.....	نمایه اعلام

پیش داشت

حوزه‌های علمیه‌ی شیعی در طول تاریخ تکاملی و پرافتخار خود؛ به ویژه از اوایل قرن سوم (ه.ق) و دوران قمیین تاکنون، فراز و نشیب‌های فراوانی را در عراق و ایران و دیگر کشورها - که جزو پاره‌های تمدنی اسلام به شمار می‌روند - طی کرده است. این سرزندگی و بالندگی در کنار رکود و ایستایی در ادوار گوناگون تاریخی، نشانه‌ای گویا از حضور یک پدیده‌ی زنده در افق تمدنی بشر است که بسته به جوشش و کوشش خود از درون، و شرایط و بسترهای محیطی، از برون، همواره آبستن فراز و فرودهایی در این مسیر سخت اما پیمودنی بوده است.

پرچمداران رشد و پویایی در حوزه‌های علمیه، در طول تاریخ ۱۲۰۰ ساله‌ی خود، رسالت خویش را در زمان‌های طولانی‌ای که حاکمیت، به ظاهر از آن اهل بیت - علیهم السلام - و دوستداران ایشان نبوده به قدر توانایی، دانایی و دارایی خویش، به خوبی ادا کرده‌اند و امروز ارواح پاک آنان، ناظر رویکرد و عملکرد حوزویانی است که بناست این پرچم مقدس را به دست صاحب اصلی آن بسپارند؛ آن هم در هنگامه‌ای که

نزدیک به سه دهه، تنها کشور پیشقراول تشیع علوی(ع) و اسلام ناب محمدی(ص)، به تأسی از اندیشه‌های بلند معمار کبیر انقلاب اسلامی، چهره‌ی کاملاً متفاوتی را از حکومت داری بر پایه‌ی «دین» و مهندسی تمدن اسلامی، در دنیا ترسیم نموده است و پنجه در پنجه‌ی اربابان قدرت و ثروت در پهنه‌ی گیتی، انداخته و می‌خواهد ارمغان دیگری، متفاوت با زیست بوم تمدن مادی را به بشر تشنه‌ی معنویت و معرفت هدیه کند. و البته نقش حوزه‌های علمیه در این آشفته بازار جهان که مناشی قدرت، در دست ناهلان است همچنان پررنگ، و بی‌تردید مؤثرتر از هر زمان دیگری است.

و اینک:

ماییم و هزاران تکلیف نوشته و نانوشته‌ی فردی و اجتماعی؛

ماییم و صدها ادعای گوناگون در هدایت و سرپرستی فرزندان آدم(ع)

در جهان امروز؛

ماییم و ده‌ها الگوی رنگارنگ در مهندسی توسعه‌ی اجتماعی؛

ماییم و میراث بزرگی از نیاکان معنوی - علمی خود در حوزه‌ی

«دانش دین» که بناست سگان‌دار کشتی طوفان زده‌ی جامعه‌ی بشری در

این دریای پرتلاطم باشد.

زمانی که امام خمینی بزرگ (ره) در پایان دهه‌ی چهل در نجف

اشرف، علما و فضلالی حوزه‌ها را به غور در مبانی دین برای تبیین

مبانی حکومت اسلامی فرا می‌خواندند؛

زمانی که ایشان در قالب پیام‌های تلخ و شیرین خود (همچون منشور روحانیت) به درد دل با ارباب معرفت می‌پرداختند و ظرفیت‌های جدیدی را در حوزه‌های علمیه برای پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه طلب می‌کردند؛

زمانی که سلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری - مد ظله العالی - در پیام‌ها و سخنرانی‌های گوناگون خود خطاب به حوزه‌های علمیه، از تاریخ پر افتخار آنان در کنار آسیب‌ها و چالش‌های فراروی‌شان سخن می‌گفتند؛

زمانی که ایشان به مناسبت‌های گوناگون، ضرورت پیوند بین دولت و معنویت، دولت و عدالت، دولت و سیاست و ... را گوشزد کرده، تمامی بازیگران مدیریت اجتماعی را در بازطراحی «الگوی توسعه‌ی

ایرانی - اسلامی» با به استخدام گرفتن ظرفیت کنونی و آتی «حوزه» از یکسو و تعامل سازنده و هدفمند «حوزه» با «حاکمیت» از دیگر سو، مخاطب قرار می‌دادند؛

زمانی که ارباب افکار ناب و اندیشه‌های تابناک (همچون شهید صدر، شهید مطهری، شهید بهشتی و ...) از لزوم بازنگری جدی در عرصه‌ی «مفاهیم علمی» و «ساختار حوزه و روحانیت» با حفظ اصول

و ریشه‌ها، داد سخن می‌دادند؛

همگی ما را به یک پیام روشن و حیاتی رهنمون می‌شدند که:

«تحول، اجتناب ناپذیر است. تحول، طبیعت و سنت آفرینش است ... تحول رخ خواهد داد.»^۱

این پیام، آن قدر خطیر و جدی است که انسان یا سازمان تحول گریز را اگر به این واقعیت، تن ندهد، با یکی از دو پیامد زیر روبه‌رو خواهد کرد: «... یا خواهد مرد یا منزوی خواهد شد ... اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد؛ اگر نمیرد و اگر زنده بماند! البته مایه‌ی دین، مانع مردن می‌شود اما منزوی خواهد شد. روز به روز منزوی‌تر خواهد شد.»^۲

و البته با همین استدلال ساده می‌توان از نُکس بلند مدت حوزه‌ها در سده‌های اخیر، رمزگشایی کرد که:

«... امروز حوزه‌ی علمیه از زمان خودش، خیلی عقب است؛ حساب یک ذره و دو ذره نیست ... الآن وضعیت این گونه است. در حال حاضر، امواج فقه و فلسفه و کلام و حقوق، دنیا را فرا گرفته است. ما وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم با زمان خیلی فاصله داریم.»^۳

این در حالی است که «حوزه‌ی دیروز» به گونه‌ای دیگر بود:

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع فضلا، مدیران و صاحب نظران حوزه (هشتم آذرماه ۱۳۸۶).

۲. همان.

۳. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع علما، فضلا و مدیران حوزه، مدرسه‌ی فیضیه (آذرماه ۱۳۷۴).

«اما اشکالی که حوزه‌ی ما، دیروز آن را نداشت و امروز دارد؛ این است که حوزه‌ی دیروز، از دنیای زمان خود عقب‌تر نبود، بلکه جلوتر هم بود.»^۱

و با این تصویر روشن از «دیروز و امروز حوزه»، می‌توان چهره‌ی شفاف‌تری از «حوزه‌ی فردا» و ضرورت «بالندگی» در وضعیت موجود ترسیم نمود:

«بالندگی، به معنای پیشرفت و یک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌ای را کشف کردن است. بالندگی به این نیست که ما در یک بحث، دقت بیشتری به خرج دهیم ... کار، فقط این نیست؛ بلکه باز شدن آفاق نویی، هم در خود علم (یعنی فقاقت) و هم در محصول علم (یعنی مباحث فقهی) است. اصول و کلام و دیگر مباحث نیز همین طور است. همه‌ی این‌ها به بالندگی احتیاج دارد.»^۲

این نوع نگاه به «حوزه»، همراه با واقع‌بینی دردمندان، به دور از خوش بینی ساده انگارانه یا بدبینی خصمانه است. ظرفیت شناسی و امکان سنجی در کنار آسیب شناسی و نیازسنجی، از ابتدایی‌ترین مفاهیم موجود در ادبیات «آینده نگاری»^۳ است که داشته‌ها و نداشته‌های یک سازمان یا

۱. همان.

۲. همان.

۳. foresight.

یک نظام اجتماعی را در نگاهی خردمندانه، به گونه‌ای تلفیق می‌کند که بتواند آینده‌ی خود و زمینه‌ی «تحول و بالندگی» را از اکنون ایجاد کند:

«حوزه‌ی علمیه می‌خواهد عقب بماند؟! سی سال آینده را با همین قیاس کنید؛ البته با یک شتاب بیشتری. یعنی شتاب علم در این بیست سالی که گذشت، یقیناً به مراتب کمتر خواهد بود از شتاب علم و پیشرفت علم و فن آوری در بیست سالی که پیش روی ماست ... فکر آن روز را حوزه‌ی علمیه باید بکند. مسؤول، حوزه‌ی علمیه است. مسؤول دینداری مردم، روحانیت است ... این یک نکته؛ مسأله آینده نگری.»^۱

در هر حال این، رسالت امروز حوزه‌هاست و هیچ گریزی نیز از آن نیست. پشت کردن به مسؤولیت دینی، انقلابی و سازمانی خویش، نتیجه‌ای جز انفعال و انزوا را در پی نخواهد داشت. «مدیریت تحول» و پیوند بین «آینده نگری، تحول و بالندگی» (فارغ از شخصیت حقیقی یا حقوقی گوینده یا گویندگان آن) مفاهیمی دیرآشنا در ادبیات امروز «توسعه‌ی راهبردی» است که رفته رفته ضمن آشنایی با آن‌ها در فضای حوزه‌ی امروز، بایست با تکیه بر مفاهیم ناب توحیدی، آن‌ها را در جهت «تحول صحیح» به استخدام گرفت: «تحول، حتمی است. منتها تحول دو طرف دارد: تحول در جهت صحیح و درست؛ تحول در جهت باطل و غلط.»^۲

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع فضلا، مدیران و صاحب نظران حوزه (هشتم آذرماه ۱۳۸۶).

۲. همان.

و البته این مهم نیز جز از عهده‌ی صاحبان اصلی حوزه‌های علمیه بر نمی‌آید:

«البته اگر غیر روحانی به این قضیه (بالندگی در حوزه) فکر کند، راه به جایی نخواهد برد. همچنان که اگر کار کارستانی بخواهد انجام بگیرد، باید در خود این حوزه انجام بگیرد. کار بزرگ و اساسی و ریشه‌ای و موفق، کاری است که شما در این حوزه بکنید. حالا ممکن است هوادارانی هم، امثال من در بیرون داشته باشید که این‌ها هم باید از شما پشتیبانی کنند و کمک کارتان باشند. در عین حال، کار را خود حوزه باید انجام دهد.»^۱

مجموعه‌ی پیش رو با نام «تحول و بالندگی حوزه‌های علمیه در چشم‌انداز مقام معظم رهبری» به فضل الهی، طلیعه‌ی سلسله مجلداتی است که در آینده، توسط «دفتر پیگیری فرامین و مطالبات مقام معظم رهبری از حوزه علمیه»، تدوین و تقدیم خواهد شد. هدف از تنظیم این مجلد عبارت است از:

۱- مفهوم شناسی؛ یعنی شناخت مفهومی رهنمودها و دیدگاه‌های مقام

معظم رهبری و طرح پرسش‌هایی همچون: «مدیریت تحول به چه

معناست؟ الگو و سازوکارهای تحقق آن چیست؟ و

۲- پیشینه شناسی؛ یعنی شناخت پیشینه‌ی دیدگاه‌ها و خواست‌های

مقام معظم رهبری - مد ظله - و بررسی مجموعه توصیه‌های ایشان

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع علما، فضلا و مدیران حوزه (مدرسه‌ی

فیضیه - آذرماه ۱۳۷۴).

درباره‌ی رشد، بهسازی و تحول همه جانبه حوزه‌ها (از آغاز زعامت معظم له تاکنون).

۳- همانند سازی؛ یعنی رصد و شناسایی دیدگاه‌ها، توصیه‌ها و آرمان‌های حضرت امام خمینی - قدس سره - و مراجع و بزرگان هم‌افق و هم‌اندیش معظم له مانند حضرات آیات بروجردی، شهید صدر، شهید بهشتی، شهید مطهری و ...

۴- ارائه‌ی مدل مفهومی الگوی تحول و ترسیم چشم انداز بالندگی در حوزه‌ی تراز تشیع و مطلوب امام زمان (عج) از مجموعه‌ی پیش گفته.

اما آنچه در جلد اول از سلسله مجلدات «آشنایی با اندیشه رهبران و نخبگان» پیرامون تحول در حوزه‌های علمیه تقدیم می‌گردد، پیوند منطقی بین دو مقوله‌ی ارزشمند «مدیریت تحول در حوزه» و «ضرورت بالندگی در آن» است که در مقاطع مختلف - به ویژه دو سخنرانی مقام معظم رهبری در آذرماه ۱۳۷۴ و آذرماه ۱۳۸۶ - ترسیم شده است. افزون بر آن، برای استفاده‌ی بهتر عزیزان خواننده، از دیدگاه‌های ارزشمند معظم له - علاوه بر عنوان گذاری کامل سخنرانی‌ها، سه «نمودار تحلیل مفهومی»، با تکیه بر بیانات ایشان - البته بر اساس استنباط و درک تنظیم کنندگان - استخراج و تقدیم شده است؛ بدان‌سان که پس از متن هر سخنرانی، نمودار مربوط (شامل مهم‌ترین سرفصل‌های مورد نظر معظم له) ارائه گردیده است تا زمینه‌ی لازم برای درک جامع‌تر از متون مزبور

و دیگر مواضع ایشان در مناسبت‌های مختلف فراهم گردد. جهت سودمندی بیش‌تر، در بخش پایانی، سومین نمودار، تحت عنوان «نمودار جامع تحلیل مفهومی» به این مهم اختصاص یافته است که پیشاپیش به خاطر نقص در استنباط خویش، از این مواضع و نیز نامأنوس بودن برخی اصطلاحات - به ویژه برای مخاطبان حوزوی - عذرخواهی می‌گردد. اصولاً این کتاب (و مجموعه‌های آتی) با دو هدف عمده، تنظیم و تدوین شده یا خواهند شد:

۱- «فرهنگ سازی و ایجاد جریان فکری» در حوزه، حول دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، امام راحل (ره) و بزرگان تحول‌خواه حوزه برای تمامی محققان، مدرسان، مبلغان و محصلان گرانقدر حوزه‌ها؛

۲- «طراحی و برنامه ریزی راهبردی»، حول این دیدگاه‌ها برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران معزز حوزه‌های علمیه و بسترسازی لازم برای آینده پژوهی در حوزه، به عنوان حلقه‌ی مفقوده در فرآیند ساختارسازی.

از این رو چه بسا برخی واژگان و نوعی از دسته بندی‌های مفهومی، با سلیقه و فضای موجود در حوزه‌ها، هم‌جنس نباشد. امید است این نگاه، خود نوعی تحول در شیوه‌های مفهوم پردازی و جریان سازی فکری، محسوب و پذیرفته شود.

اما گزارشی اجمالی از سه فصل کتاب پیش رو، ضمایم و مزیت‌های آن به اختصار، تقدیم می‌شود:

فصل اول، با عنوان «بالتدگی در حوزه‌های علمیه؛ سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با علما، فضلا و مدیران حوزه در آذرماه ۱۳۷۴» است که بر اساس نسخه‌ی منتشره و عنوان گذاری شده «دفتر جنبش نرم افزاری»^۱ آماده سازی شده و با نسخه‌ی اداری کل روابط عمومی و امور بین الملل دفتر تبلیغات اسلامی با عنوان «منشور ولایت» تطبیق گردیده است. گفتنی است مباحث طرح شده در سخنرانی آذرماه ۱۳۷۴ در واقع پایه‌ی مباحث و دیدگاه‌های عنوان شده در سخنرانی آذرماه ۱۳۸۶ است. از این رو ضرورت قرار گرفتن آن در آغاز کتاب، آشکار بود.

فصل دوم، با عنوان «مدیریت تحول در نگاه مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مدیران و فضلا‌ی حوزه علمیه در آذرماه ۱۳۸۶» است که بر اساس نسخه‌ی موجود در وبگاه (سایت) مقام معظم رهبری انتخاب شده و پس از عنوان گذاری و ویرایش صوری، تقدیم گردیده و برای استفاده بیش‌تر در پایان هر فصل، نمایه‌ی تحلیل مفهومی هر دو سخنرانی ارائه شده است.

فصل سوم، با عنوان «دیدگاه‌های جمعی از فضلا‌ی حوزه پیرامون تحول در بخش‌های مختلف حوزه‌های علمیه در آذرماه ۱۳۸۶» است که ۱۷ تن از فضلا و نخبگان حوزه و بدنه‌ی کارشناسی آن در محضر رهبری ارائه کرده‌اند که پس از عنوان گذاری و ویرایش تقدیم شده است.

۱. از واحدهای پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در پایان نیز «مدل جامع تحلیل مفهومی» با جمع‌بندی نکات محوری از سخنرانی‌های آذرماه ۱۳۷۴ و ۱۳۸۶ معظم له، ترسیم شده است که تصویری نزدیک به واقع از مقاصد و رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره‌ی تحول و بالتدگی در حوزه‌های علمیه می‌باشد، و بالأخره این کتاب، با ارائه «نمایه کامل اعلام» تکمیل می‌گردد.

با سپاس بی‌کران از ساحت قدس ربوبی، که «زیّ اجتماعی» را در عصر انقلاب اسلامی و «زیّ علمی - معنوی» را در حوزه‌های مقدس علمیه به ما ارزانی داشت و توفیق تدوین این مجموعه را رفیق راهمان قرار داد و با سپاس از همه‌ی کسانی که ما را در تهیه‌ی این کتاب یاری نموده‌اند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین

دفتر پی‌گیری

فرامین و مطالبات مقام معظم رهبری

از حوزه علمیه

فصل اول

بالندگی در حوزه‌های علمیه

سخنرانی مقام معظم رهبری - مدظله العالی -

در دیدار با علما، فضلا و مدیران حوزه

(آذر ماه ۱۳۷۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و السلام على سيد الانبياء و المرسلين، سيدنا و نبينا
ابى القاسم محمد و آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين، سيما بقية الله فى الارضين
جلسه‌ى بسيار بزرگ و مهم و به ياد ماندنى‌اى است. ارکان و اعيان
بزرگترين حوزه‌ى علميه شيعه، مجتمع شده‌اند و فضلا و نخبگان و
برجستگان شاغل در اين حوزه‌ى مبارکه، تشریف آورده‌اند تا من که
افتخار دارم طلبه‌ى اين حوزه و جزو آحاد شما برادران و عزيزان
طلاب اين مدرسه عظيم الشأن هستم، عرايض خود را که عمدتاً هم در
اطراف همين حوزه‌ى مبارکه است، مطرح کنم.

بررسی حال و آینده‌ى حوزه

در انتخاب مطلب دچار تردید نشدم. حرف برای گفتن هست، ولى
آنچه که من ترجیح دادم مطرح شود و از اين فرصت مغتنم استفاده
بکنم؛ سخنى است که به اعتقاد من، اهمّ و اقدم و اولی از هر سخنى در
چنين محفلى می‌باشد و آن سخن، درباره‌ى حوزه‌ى علميه و جامعه
روحانیت و پایگاه رفیع علمى و دینى و تبلیغى و هدایتى‌اى است که به

دست بندگان بزرگ و صالحی در این نقطه بنا شده است. لذا بحث من درباره‌ی «حال و آینده‌ی» حوزه است.

نگاهی به تاریخ پرافتخار «حوزه‌ی علمیه‌ی تشیع»

حوزه‌ی علمیه‌ی قم که امروز نام آن را با افتخار و تعظیم و تجلیل می‌بریم، در واقع مصطفی و مستحصل حوزه‌های شیعه در طول تاریخ حوزه‌هاست؛ یعنی از اواخر قرن دوم و حداقل اوایل قرن سوم هجری که مراکزی به عنوان حوزه‌ی علمیه درست شده است، حوزه‌ی قم در دوران ائمه ثلاثه اخیر - حضرت جواد و هادی و حضرت عسکری (علیهم السلام) - که دوران قمیین است، یک حوزه‌ی علمیه به معنای حقیقی کلمه است که در آن، درس و بحث و جمع و تدوین و اشاعه و نشر و استادی و شاگردی به چشم می‌خورد. با این حال، از اجتماعات صحابه و محدثان و حَمَلَه‌ی علم در اطراف ائمه (علیهم السلام) در شهرهایی مثل مدینه و کوفه و ... می‌گذریم و نمی‌خواهیم اصطلاح حوزه علمیه را به این مراکز اطلاق کنیم.

بنابراین، شاید قدیمی‌ترین حوزه‌های علمیه ما، همین قم قمیین است که در آن، آثار بزرگانی مثل اشعریین و آل بابویه و دیگران، تا امروز باقی است. البته بعد از آن، حوزه‌ی علمیه با این عظمت باقی نمانده و به اکناف دیگری از عالم؛ مثل شرق دنیای اسلام و ماوراءالنهر و شرق خراسان منتقل شده است و رجالی مثل «شیخ عیاشی»، «شیخ

کشی»، «سمرقندیین» و «نصاحیین» و دیگر اسم‌هایی که ما آن‌ها را در زمره‌ی محدثان و روات و مؤلفان می‌شناسیم، در آن‌جاها به سر برده‌اند. همچنین حوزه‌ی بغداد که حوزه «شیخ مفید» و بعد از او «سیدمرتضی» و «شیخ طوسی» - علیهم الرحمة و الرضوان - است و نیز حوزه نجف که با هجرت «شیخ طوسی» به این شهر در حدود سال ۴۵۰ یا ۴۴۸ یا ۴۴۹ و تشکیل مرکزی به نام حوزه علمیه فقاهاست و حدیث و دیگر علوم اسلامی، مقطع مهمی به وجود می‌آید.

بعداً حوزه‌ی علمیه‌ی شیعه در شامات و طرابلس و حلب و سپس در حله تشکیل می‌شود که بزرگان فقهای حلی ما، اسمشان در تاریخ و آثارشان در کتابخانه‌ی عظیم فقاهاست شیعه، محفوظ و موجود است و این روند ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که سلطنت صفویه در ایران تشکیل می‌شود و مقطعی عظیم به وجود می‌آید.

علی‌رغم کسانی که سعی کردند صفویه را ضد شیعه و اسلام و مفاهیم و ارزش‌های دینی معرفی کنند، سلاطین صفویه با همه‌ی بدی‌هایی که در جانب حکومت و شخصیت‌های خودشان داشتند، حرکت‌های بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی‌ای انجام دادند که یکی از آن‌ها گسترش حوزه‌های علمی شیعه است که آن وقت، حوزه علمیه اصفهان و خراسان و قم و نجف و بقیه مناطق، به برکت آن‌ها آباد شد و اگر کسی وارد مطالعه شود، شگفتی‌های عظیمی را خواهد دید. اگر شما تا قبل از دوران صفویه، فقهای شیعه را نگاه کنید، تعداد ایرانی‌ها

انگشت شمار است اما بعد از صفویه هر کدام از بزرگان علما را که نگاه کنید، شاید ۹۰ درصد آنان، فقهای ایرانی هستند.

بعد از این دوره، اوج حوزه نجف و کربلا و حضور تلامذهی مرحوم «وحید بهبهانی» و سپس «شیخ» و «صاحب جواهر» و تلامذهی این بزرگواران تا دوره‌ی اخیر است. بعد مرکزیت عظمای حوزه‌ی فقاقت به وسیله‌ی مرحوم «آیت الله حائری» و بعد مرحوم «آیت الله بروجردی» باز به قم منتقل می‌شود و تا امروز ادامه دارد. این حوزه، محصول این سیر تاریخی و نتیجه و مستحصل و زبده‌گزين همه‌ی این حرکت عظیم علمی است که با مهاجرت و تحقیق و علم، همراه بوده است و امروز در اختیار شماست.

حوزه‌های علمیه، موضوع یک بحث تاریخی و علمی بسیار مهمی است که به جاست کسانی از فضایی حوزه و بزرگانی از اهل نظر، به این مسأله به شکل متقن و محققانه پردازند و می‌بینم بحمدالله به این مسائل پرداخته می‌شود.

«حفظ، ترمیم و بالندگی»؛ سه سطح عمده از وظایف حوزه

ما امروز در قبال چنین حوزه‌ای که میراث دوازده قرن است، وظیفه داریم. من به سه وظیفه در کنار هم اشاره می‌کنم که این‌ها از بدیهیات است و استدلال و بحث نمی‌خواهد:

اول: حفظ،

دوم: ترمیم،

سوم: بالندگی و رشد دادن و تنمیه و پیش بردن حوزه‌ی علمیه.

موفقیت حوزه در سطح «حفظ»

«حفظ» حوزه بحمدالله حاصل است و نسبت به گذشته، کمأ و کیفأ افزایش پیدا کرده است. فی الجمله، در این، جای تردید نیست لیکن «ترمیم» قدری دقیق‌تر و سخت‌تر است و از آن سخت‌تر، «بالندگی» و رشد دادن و پیش بردن است. کفایت نمی‌کند که شما فقط میراث گذشتگان را نگه دارید و به آیندگان تحویل دهید؛ چون نفس توقف در چنین قضیه‌ای عقب گرد است.

«تأسیس مفاهیم نو»؛ شاخص اصلی سطح «ترمیم»

«ترمیم»، یعنی چه؟ یعنی پس از تلمه‌ی حاصل از فقدان‌ها، حوزه، عناصری را تربیت کند تا موجودی فعلی، جایگزین آن‌ها باشد و نیز پس از اندراس مفاهیم منسوخ، مفاهیمی بیافریند که جایگزین مفاهیم مندرس و کهنه شده باشد. مفاهیم، کهنه می‌شوند و نشاط و شادابی را به تدریج و با مرور زمان، از دست می‌دهند. بعد از آن که فکری، به خاطر ورود انظار و دقت‌های گوناگون بر آن، به مرور زمان دچار خدشه شد و از آن استحکام اولیه افتاد، باید جای آن مفاهیم نویی گذاشته شود.

این کفایت نمی‌کند که ما، فرضاً در علم اصول، کتاب «فصول» یا «قوانین» را نگاه کنیم و بسیاری از مباحث آن‌ها را منسوخ به حساب بیاوریم، همچنان که این گونه هم هست. حالا کدام فاضل و ملاً و اصولی بخائنه‌ای است که در طول تأملات اصولی خود، نسبت به کتاب «فصول» یا به بسیاری از ابواب «قوانین»، احساس احتیاج کند؟ آن‌ها کهنه‌اند و بسیاری از آن حرف‌ها از رونق و بها افتاده و بهتر از آن‌ها وارد بازار شده است.

پس مفاهیم، منسوخ می‌شوند. در همه‌ی علوم، چنین چیزهایی هست، برای پر کردن خلأ حرف‌ها و مباحث و مسائل منسوخ، باید مباحث جدیدی مطرح شود و فضای ذهنی در هر علمی، از لحاظ حجم مفاهیم ذهنی لازم به کمال برسد. این، «ترمیم» است که تلاش و فعالیت زیادی لازم دارد.

«گشودن آفاق نو در علوم»: رمز «بالندگی» حوزه

از آن مهم‌تر، مسأله «بالندگی» است. بالندگی به معنای پیشرفت و یک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌ای را کشف کردن است. بالندگی به این نیست که ما در یک بحث، دقت بیشتری به خرج دهیم. فرض کنید مسأله‌ای را که ملای قرن ششم به گونه‌ای استدلال می‌کرد، ما حالا دقت بیشتری به خرج بدهیم و بعضی از استدلال‌های او را تحکیم و بعضی را رد کنیم و مسأله را استوارتر، از آب درآوریم. کار، فقط این

نیست بلکه باز شدن آفاق نویی، هم در خود علم، (یعنی فقاقت) و هم در محصول علم، (یعنی مباحث فقهی) است. اصول و کلام و دیگر مباحث نیز همین طور است، همه این‌ها به بالندگی احتیاج دارد.

«حوزه‌ی زنده»: حوزه‌ی بالنده

حوزه‌های علمیه، وقتی می‌توانند خود را ترمیم نمایند و رشد و بالندگی پیدا کنند که زنده باشند. حوزه‌ی مرده، قادر بر چنین کاری نیست. واقعیت‌های بشری، مثل خود انسانند و حیات و مرگ و ضعف و قوت و بیماری و صحت دارند.

حوزه علمیه قم هم همین طور است. حوزه‌ی بیمار و سالم و ضعیف و قوی و زنده و مرده، وجود دارد.

حوزه باید، زنده، سالم و قوی باشد تا بتواند رشد کند و آفاق جدیدی را باز نماید و منطقه جدیدی را در اختیار مستفیدان از فواید خود قرار بدهد.

وقتی سابقه‌ی حوزه علمیه قم را توضیح می‌دهیم، نخواستیم فقط بگوییم از لحاظ زمانی و تاریخی، آن‌ها سلف این حوزه هستند، بلکه از لحاظ محتوایی هم همین طور است. تحقیقات «شیخ طوسی» و بعد ابداعات «ابن ادریس» و «محقق حلّی» و آن فعالیت فقهی وسیع «علامه» و دیگر کارهایی که دیگران کردند، امروز همه‌ی این‌ها در این حوزه متبلور است. هر کسی در طول این دوازده قرن، در فقه و اصول،

فعالیتی کرده و هنری را بروز داده است، امروز در درس و بحث و تألیف و کتاب این حوزه‌ی علمیه متبلور است.

چالش‌ها و نارسایی‌ها

«حوزه»، موفق در «ترمیم» و نیازمند «بالندگی»

حوزه‌ای که این، سابقه و ریشه و شجره و نسب علمی آن است، الآن در چه وضعی است؟ این، آن چیزی است که ما باید دائماً به آن بپردازیم. واقعاً اگر کسی به سرنوشت اسلام و مسلمین علاقه‌مند است باید به این قضیه بپردازد. این از آن قضایایی نیست که بشود آن را به دست اهمال بسپاریم و بگوییم حالا چه کار داریم! نه، این از آن مسائلی نیست که بشود گفت چه کار داریم! هم شما آقایانی که خودتان از بزرگان و اعظم و فضلا و طلاب این‌جا هستید و هم هر طلبه‌ای که در هر گوشه‌ای از این دنیای بزرگ، خودش را وامدار این‌جا می‌داند و دوش خود را زیر بار منت این حوزه‌ی بزرگ می‌بیند و هم هر مسلمانی که از برکات این حوزه استفاده کرده است یا می‌خواهد بکند، باید به این موضوع فکر کند.

البته اگر غیر روحانی به این قضیه فکر کند، راه به جایی نخواهد برد؛ همچنان که اگر کار کارستانی بخواهد انجام گیرد، باید در خود این حوزه انجام بگیرد. کار بزرگ و اساسی و ریشه‌ای و موفق، کاری است که شما در این حوزه بکنید. حالا ممکن است هوادارانی هم،

امثال من در بیرون داشته باشید که این‌ها هم باید از شما پشتیبانی کنند و کمک کارتان باشند. در عین حال، کار را خود حوزه باید انجام بدهد لذا ما از اول بحث تا این‌جا و از این‌جا تا آخر، همواره بر روی «ترمیم» حوزه و ساختن آن توسط خودش، تکیه می‌کنیم. کس دیگری از بیرون نمی‌تواند این کار را بکند.

امروز، حوزه چگونه است؟ فردا چگونه خواهد بود و یا چگونه باید باشد؟ امروز، حوزه نسبت به گذشته خیلی پیشرفت کرده است و هیچ کس نمی‌تواند این حقیقت را منکر شود؛ یعنی اگر ما قدر مطلق را حساب کنیم، قابل مقایسه با گذشته نیست. همان طور که حضرت آیت الله مشکینی فرمودند: این حوزه کم‌کم و کیفیاً پیش رفته است. آن روز، چهار صد نفر طلبه داشت ولی امروز هزاران طلبه و فاضل مشغول تحصیل هستند. فضلاء امروز از طلاب آن روز کم شوق‌تر نیستند. کاری که فضلا و طلاب امروز می‌کنند، بعضی اوقات، ده‌ها برابر کاری که آن روز طلاب و فضلا می‌کردند، اهمیت علمی و بعضاً عملی دارد.

کسی نمی‌تواند بگوید که حوزه دچار عقبگرد است. نه، از این جهتی که بررسی می‌کنیم، حوزه پیشرفت کرده است. حرف‌های گذشتگان هم دست علمای امروز است. امروز این کتاب «مکاسبی» که شما می‌خوانید درس خارج «شیخ» است، عالی‌ترین تحقیقات «شیخ» همین‌هاست. «کفایه‌ای» که شما می‌خوانید اوج افکار اصولی «محقق خراسانی» است. اگر امروز طلبه «کفایه» خوان ما که «کفایه» را

می‌خواند، آن را بفهمد، مثل اکابر شاگرد «آخوند» که آن روز حرف‌ها را بلد شدند، فهمیده است؛ منتها باید بداند که امروز پله آخر نیست ولی آن روز، پله‌ی آخر بود. بنابراین حوزه در فقه و اصول و در کارهای کمّی حوزه‌ای و در تبلیغات و گسترش خود و توسعه در اطراف عالم و مسئولیت‌هایی که برعهده گرفته است، با گذشته تفاوت زیادی دارد و پیشرفت زیادی کرده است.

اما از لحاظ یک دیدگاه دیگر، حوزه دو اشکال اساسی دارد که یکی از آن‌ها حتماً در گذشته نبوده و متعلق به امروز است و دیگری هم به احتمال زیاد، این گونه است.

«جلو بودن از زمان»: ویژگی حوزه‌ی دیروز

اما اشکالی که حوزه‌ی ما، دیروز آن را نداشت و امروز دارد؛ این است که حوزه‌ی دیروز از دنیای زمان خود عقب‌تر نبود، بلکه جلوتر هم بود. شما نگاه کنید در آن روز، علمای ما چه قدر محصول علمی و فقهی و کلامی برای مردم زمان خودشان داشتند. همان عده‌ی کمی که در گذشته بودند، کارهای بزرگی انجام دادند. اگر در نیشابور یا بلخ یا هرات یا توس - که اقصی نقاط دنیای اسلام نسبت به بغداد آن روز بود - چند نفر شیعه زندگی می‌کردند و سؤال فقهی یا کلامی داشتند، «شیخ مفید» آنان را از بغداد هدایت و راهنمایی می‌کرد؛ یعنی «شیخ مفید» از زمان خودش عقب نبود.

یا در زمان «شیخ طوسی» اگر دشمن مکتب اهل بیت (ع) می‌گفت: «لا مصنّف لکم؛ شما کتاب و تصنیف ندارید» «شیخ طوسی» خودش به تنهایی وارد میدان می‌شد و بزرگ‌ترین کتاب رجالی را تلخیص می‌کرد و اختصاصاً یک کتاب و فهرست رجالی دیگر می‌نوشت؛ یعنی بدون معطلی، «رجالی کشی» را تلخیص کرد و کتاب رجال و فهرست خود را هم نگاشت.

هنوز اشکال کسی که می‌گفت «فقه ندارید» از خانه‌اش بیرون نرفته بود که ناگهان یک کتاب عظیم پرفرع پر تحقیق - به حسب تحقیق آن روز - «مبسوط» عرضه می‌گردید. اگر «محمد بن زکریای رازی» چهار کلمه الحادی بر زبانش جاری می‌شد، فوراً «سید مرتضای رازی» در ردّ او کتاب می‌نوشت و نمی‌گذاشت حرف او بی‌جواب بماند. اگر فلان نویسنده معاند اهل بیت، کتابی می‌نوشت و حقایق و اعمال شیعه را مسخره می‌کرد، بلافاصله «عبدالجلیل رازی قزوینی» حقش را کف دستش می‌گذاشت و کتاب «النقض» را می‌نوشت. بنابراین، هر کسی که در زمینه‌های فقهی و کلامی، به خصوص به شیعه چیزی می‌گفت، شیعه با قدرت و قوت به زبان علمی به او جواب می‌داد و سخن تلخ رقیب و حریف و معاند، راه به جایی نمی‌برد.

تا اواخر هم وضعیت این گونه بوده است. در هند یک نفر پیدا شد و کتاب «تحفه‌ی اثنی عشریه» را که برضد و ذم شیعه و به ظاهر در مدح اهل بیت (ع) بود، نوشت. «سید حامد حسین»، کتاب «عبقات» با

آن عظمت را در جوابش نوشت و آن طور که به نظرم می‌رسد، شاید حدود ده ردّ بر کتاب «تحفه‌ی اثنی عشریه» نوشته شده است. من فهرستی را نگاه می‌کردم که متعلق به کتب علمای هندی شیعه بود که البته بزرگان و اعلام درجه یک هم در میان آنان بودند. به نظرم ده ردّ و شاید هم بیش‌تر علیه این کتاب نوشتند.

بنابراین، حوزه‌های علمیه از زمان خودشان عقب نبودند. یک نفر پیدا می‌شد حرفی را در یک کتاب خطی می‌زد و یک نسخه می‌نوشت و دیگری پخش می‌کرد و دیگری می‌خواند و چهار نفر در طول زمان از آن مطلع می‌شدند، عالم شیعه هم برمی‌داشت همین کار را عیناً جواب می‌داد و گاهی تندتر و سریع‌تر و بهتر از او اقدام می‌کرد و عقب نمی‌ماند.

تا زمان «شهید اول» کتب فقهی ما مثل کتب «علامه» و «فخرالمحققین» غالباً متضمن آرای فقهای اهل سنت هم بوده است ولی بعد از آن زمان، کتب شیعه غالباً، دیگر آرای اهل سنت را ذکر نمی‌کنند. وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که در آن کتاب‌ها، رأی فقهای اهل سنت، با ادله متعدد جواب گفته شده است. فقط کتاب «خلاف» را نگاه نکنید که «شیخ طوسی» در آنجا فقط به اجماع تمسک کرده است. غالباً استدلال‌های محکم کتب «علامه» و دیگران و نیز کتاب خود «شیخ»، مبسوط است.

«عقب ماندن از زمان»: ویژگی حوزه‌ی امروز

اما امروز، این گونه نیست. امروز، حوزه‌ی علمیه از زمان خودش خیلی عقب است. حساب یک ذره و دو ذره نیست. مثل این است که دو نفر سوار بر اسب، در وادی‌ای همراه یکدیگر بروند و یکی اسبش از دیگری تندتر باشد و آن که اسبش کندتر است، بعداً به اتومبیل دست پیدا کند. طبیعی است آن که اسبش تندتر است، به گرد او هم نمی‌رسد. الآن وضعیت این گونه است. در حال حاضر، امواج فقه و فلسفه و کلام و حقوق، دنیا را فرا گرفته است. ما وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم با زمان خیلی فاصله داریم.

حتی در «اخلاق» هم این گونه است. یکی از اعلام حوزه - ادام الله بقائه - که الآن در این‌جا تشریف دارند، چند سال قبل از این، سفری به انگلستان کرده بودند و در آن‌جا کتاب‌خانه‌ای را دیده بودند. به من فرمودند: «یک طبقه از این کتابخانه، کتاب‌های اخلاقی بود که فرنگی‌ها در چند سال اخیر نوشته‌اند!» در این چند سال، حوزه‌ی علمیه قم، چند کتاب اخلاق بیرون داده است؟ یک هزارم آن، یک ده هزارم آن و به گمانم هنوز هم کمتر از این مقدار باشد. این تازه اخلاق است و می‌دانید غرب با اخلاق سرآشتی ندارد. البته کتب اخلاقی آن‌ها بیش‌تر، فلسفه‌ی اخلاق و رد اخلاق و بیان اخلاق غیر معنوی و اخلاق مادی است. ما بعد از «معراج السعادة» و «جامع السعادة»، در حوزه‌هایمان

چه کتابی نوشته‌ایم؟ البته بعدها در چند سال اخیر، چند کتاب اخلاق نوشته شده است؛ چیزی که بشود به عنوان یک کتاب علمی ارائه کرد. عین همین قضیه در «حقوق» هم مشاهده می‌شود. شما ببینید چه قدر در باب حقوق مدنی، حقوق جزا و انواع و اقسام مباحث حقوقی، تحقیقات گوناگون شده است. این کار، هم در غرب و هم در دنیای اسلام غیر شیعه صورت گرفته است. ما در این زمینه‌ها انصافاً باید بگوییم خیلی عقیم. حال، این رشته تخصصی ماست و بیش‌تر تخصص حوزه‌ها تقریباً فقه است.

ببینید دیگر آن‌چه قدر در زمینه فلسفه و کلام و کلام جدید و فلسفه دین و مباحث دین‌شناسی و سایر زمینه‌ها، مطلب نوشته‌اند و چه قدر کار کرده‌اند؟ ممکن است همه‌ی این‌ها هم غلط باشد اما بالأخره یک متاع فکری و موج فکری است که بخشی از فضای ذهن جامعه را اشغال خواهد کرد. شما در حال حاضر کجایید؟ چه طور می‌خواهید با این‌ها مقابله کنید؟ کجاست آن «عبدالجلیل رازی قزوینی» که «النقض» مناسب این زمان را هم بنویسد؟ و نه یک کتاب، بلکه ده هزار کتاب در این زمینه‌ها نوشته شود.

امروز دنیا، دنیای امواج است. با امواج و کامپیوتر، همه‌ی مفاهیم از این طرف به آن طرف دنیا منتقل می‌شود. الآن دورترین کتابخانه‌های دنیا می‌توانند در طرف مدت پنج دقیقه، مطالب کتابی را که در کتابخانه کنگره آمریکا است، روی صفحه‌ی کاغذ خود چاپ کنند. این گونه،

مطالب منتقل می‌شود. ما از این دنیا عقیم، چرا این را منکر شویم. این یک عیب قطعی است که حوزه‌ی امروز ما، آن را دارد.

عدم استفاده بهینه از استعداد انسانی کنونی

عیب دوم که احتمال می‌دهیم این عیب هم مخصوص ما باشد و در گذشته نبوده است، این است که از موجودی انسانی کنونی حوزه، استفاده بهینه نمی‌شود. همین حالا در همین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هزاران استعداد برجسته و طلاب فاضل و جوان‌های خوب وجود دارد که اگر اندکی به آنان توجه شود و در جای خود قرار بگیرند و کار بایسته‌ای از آنان خواسته شود، از تضييع وقت آنان در امور زاید جلوگیری شود، هر کدامشان خواهند توانست بخشی از این خلأ را پر کنند.

البته این عیب، زمان ما هم بود. آن زمانی که ما ساکن حوزه بودیم، همین عیب وجود داشت اما احتمال می‌دهم که در گذشته‌ها این گونه نبوده است؛ مثلاً «علامه حلی» مدرسه سیار درست کرده بود و با «الجایتوی خدابنده» به مناطق مختلف می‌رفت و مدرسه و طلبه‌ها را با خودش می‌برد. بعضی از قضایای تاریخی، واقعاً انسان را به شک می‌اندازد که حوزه‌ها شاید در آن وقت، واقعاً از موجودی انسانی خود، استفاده درست می‌کردند.

«عدم گسترش متناسب کمی روحانیت» در داخل و خارج

حوزه، نارسایی‌های آشکاری دارد که حاکی از عیوب موجود در آن است. اول این نارسایی‌ها را مشاهده کنیم و ببینیم که آیا آن‌ها را قبول داریم یا نه؟ یکی از این نارسایی‌ها، «عدم گسترش متناسب و کمی روحانیت» است. درست است که الآن روحانیت نسبت به آن وقت‌ها، ده برابر یا به اعتباری صد برابر شده است اما در عین حال، هنوز ما گسترش کمی لازم را نداریم؛ یعنی مسجد و دانشگاه و روستا و کارخانه و سربازخانه‌ای که روحانی ندارد و کشوری که مسلمانانش از وجود روحانی بی‌بهره‌اند، زیاد داریم. بنابراین همین حجم عظیمی هم که امروز مشاهده می‌کنید، از لحاظ کمی گسترش لازم را ندارد. این، نارسایی آشکاری است که کسی هم نمی‌تواند منکر آن بشود.

در گذشته، در بعضی از شهرهای بزرگ، ده نفر مجتهد وجود داشت که هر کدام از آنان برای اداره دویست شاگرد خوب کافی بودند اما امروز یک نفر مثل چنین افراد هم در آن شهرها نیست. در بعضی از جاها، روحانیونی هستند که توانایی علمی و فکری لازم را ندارند و یا خیلی تن به کار نمی‌دهند. البته بعضی‌ها هم هستند که خیلی خوبند اما جاهایی هم این اشکال وجود دارد.

«کمبود محتوایی» در علوم

یکی دیگر از نارسایی‌های حوزه، نارسایی آشکار «عدم گسترش محتوایی حوزه» است. ما مسائل حل نشده فقهی و کلامی زیاد داریم. مجموعه‌ی لازم معارف برای عالم دین را هم خیلی کم داریم. در جاهای مختلف، روحانیونی داریم که آن‌چه را باید بدانند تا یک عالم متناسب با امروز باشند، نمی‌دانند. این را هم تحت عنوان عدم گسترش کیفی - یعنی کمبود محتوایی حوزه - قرار می‌دهیم.

کاستی در عرصه‌ی «نشر و تبلیغ»

«عدم گسترش در نشر و تبلیغ»، یکی دیگر از نارسایی‌های حوزه است. امواج فرهنگی و از جمله کتاب و روزنامه و مجله، به قدر کافی از حوزه منتشر نمی‌شود. مبلغ به قدر کافی از حوزه گسیل نمی‌گردد. الآن در آفاق دنیا (آفریقا و اروپا و آسیا) مرتب از ما روحانی می‌خواهند. من در سال ۱۳۷۰ که همین جلسه را با شما داشتم، مطرح کردم که بعضی از آقایان اعلام که برای کاری به خارج از کشور تشریف می‌برند، وقتی برمی‌گردند می‌گویند: «دانشجویان فلان جا را دیدیم که چه قدر به روحانی احتیاج داشتند، چرا کسی را به آن‌جا نمی‌فرستید؟» می‌گوییم: پس خوب شد که شما برای معالجه به آن‌جا تشریف بردید و این حقیقت را به چشم خودتان دیدید.

امروز، از همه جای دنیا درخواست فراوان است. این نارسایی‌ها وجود دارد و نمی‌شود آن‌ها را منکر شد. این موارد، حاکی از وجود عیوبی در درون کالبد عظیم این حوزه‌ی با عظمت است. به هر حال، این عیوب در کنار این محسنات و این موجودی علمی و این اعیان از فضلا و محققان و تلاش‌های خوبی که انجام می‌گیرد، وجود دارد.

البته در همین حوزه، افراد متعددی هستند که به این کارها می‌رسند و واقعاً می‌نشینند کتاب می‌نویسند، اگر دستشان رسید مسافرت می‌کنند، گرسنگی و خستگی می‌کشند، اگر جبهه‌ی جنگ باز می‌شود، به جبهه جنگ می‌روند. اگر جبهه‌ی تبلیغ باز می‌شود به جبهه‌ی تبلیغ می‌روند، اگر از آن‌ها برای سفر به خارج دعوت می‌شود، قبول می‌کنند، اگر به روستا دعوت می‌شود، می‌پذیرند. از این قبیل افراد هم داریم، این‌ها حرکات فردی است و کافی نیست. این‌ها نارسایی‌هایی است که وجود دارد. این نارسایی‌ها حاکی از وجود علت‌هایی در داخل است که بایستی بگردیم، آن‌ها را پیدا کنیم.

عدم گسترش «فقه» به عرصه‌های نوظهور اجتماعی

علت اوّل این است که «فقه» که کار اصلی ماست، به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف این‌ها را معلوم کند ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد، لیکن روال کار طوری

بوده که فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است، مثل قضیه‌ی پول. اصلاً پول چیست؟ درهم و دینار که این همه در ابواب مختلف فقهی، مثل زکات و دیات و مضاربه، اسم آن‌ها آمده چیست؟ باید به موضوع درهم و دینار پرداخت و باید تکلیف آن روشن شود. خیلی راحت است که ما عملیات بانکی، غیر از مسأله پول و ودیعه گذاری‌ها را تحت عنوان قرض و آن هم قرض ربوی بگذاریم و دورش را خط بکشیم. آیا جای این نیست که قدری بیش‌تر در عمقش فرو برویم و ببینیم که آیا واقعاً قرض است یا خیر؟ ما در بانک پول می‌گذاریم و به بانک قرض می‌دهیم، بانک از ما قرض می‌گیرد. چه کسی این را قبول دارد؟ شما در بانک ودیعه می‌گذارید، قرض که به او نمی‌دهید.

از این قبیل مسائل زیاد است. بحث ارزش پول در هنگام تورم‌های سرسام‌آور و سنگین - نه آن تورمی که به طور قهری در حرکت عمومی هر جامعه وجود دارد و موجب رشد است - چه می‌شود؟ بدون تورم، جامعه به رکود خواهد انجامید. آن موارد را نمی‌گوییم؛ منظور، این تورم‌های بیست و سی و پنجاه درصدی و تورم‌های سه رقمی است که از این هفته تا آن هفته، از ارزش پول کم می‌شود.

در این چالش‌ها، قضیه پول چه می‌شود؟ بدهکاری‌های پولی و قرض‌هایی که از هم می‌گیریم، چه می‌شود؟ اگر شش ماه پیش صد تومان از شما قرض گرفتیم و حالا می‌خواهیم بدهیم، آیا آن صد تومان با صد تومان حالا فرق دارد؟ بالأخره تکلیف این مسأله، در فقه باید روشن شود؛

باید برای این کارها، مبنا درست کرد. البته انسان می‌تواند کار خودش را به اطلاعات و عموماً، آسان کند، اما مسائل، این گونه حل نمی‌شود.

بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا برای دستگاه با عظمت قضاوت ما، حل فقهی نشده و تکلیفش معلوم نگردیده است. البته کسی در گذشته تقصیر نداشته است؛ چون، قضا و دیات و حدود، مطرح نبوده ولی ما امروز تقصیر داریم. مرحوم «محقق اردبیلی» وقتی وارد بحث جهاد می‌شود، می‌گوید این بحث مورد احتیاج ما نیست. آن بزرگوار بیش‌تر از ما واقف است و خودش می‌داند که چگونه باید جهاد کند اما در عین حال این مسأله مورد نیاز و ابتلیشان نبوده ولی لطف می‌کنند و مسأله جهاد را در چند ورق بیان می‌کنند. امروز، «جهاد» مورد ابتلای ماست. خود همین مسأله جهاد، در فقه ما روشن نیست. بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، مسائل حکومتی و بسیاری از مباحث مربوط به زندگی مردم، همین مسأله پیوندها و تشریح‌ها، مباحثی هستند که فقه باید وارد این میدان‌ها بشود. نمی‌شود با نظر سریعی به آن‌ها نگاه کرد و خیال کنیم که حل خواهند شد. نه، این‌ها هم مثل بقیه ابواب فقهی هستند.

شما ببینید در باب عبادات و طهارت و صلوات، فقهای ما چه دقت‌هایی کرده‌اند. این ذهن جوّال آنهاست. این عیب هم نیست. می‌پرسند که چرا آن‌ها، این همه دقت کردند؟ پاسخ این است که ذهن جوّال است که کار می‌کند. منتها ممکن است اولویت و تقدم امروز، با

گذشته متفاوت باشد. امروز چیزهای دیگری تقدم دارد و باید ذهن‌ها را جولان داد و کار کرد و آن موارد را به بحث‌های عمومی گذاشت.

ضرورت تحول در شیوه‌ی استنباط (فقاہت)

عدم تحول؛ یعنی عدم پرداختن فقه به خود مسأله فقاہت. فقاہت یک شیوه و روش برای استنباط آن چیزی است که ما اسمش را «فقه» می‌گذاریم؛ همان چیزی است که تا این درس را نخوانید، یاد نمی‌گیرید که چگونه باید از کتاب و سنت استنباط کرد. «فقاہت» یعنی «شیوه‌ی استنباط». خود این هم، به پیشرفت احتیاج دارد. این که چیز کاملی نیست، بلکه متکامل است. نمی‌شود ادعا کرد که ما امروز دیگر به اوج قله فقاہت رسیده‌ایم و این شیوه، دیگر بهتر از این نخواهد شد، نه، از کجا معلوم است؟ «شیخ طوسی» ملای به آن عظمت، فقاہت داشت. فتاوی‌ای ایشان را در یک مسأله فقهی ببینید. امروز کدام مجتهد حاضر است آن گونه بحث کند؟ آن فتاوا، ساده و سطحی است. مجتهد امروز هرگز راضی نمی‌شود آن طور کار کند و استنباط نماید.

فقاہت در دوره‌های متعددی تکامل پیدا کرده است. انسان همین طور که به تاریخ فقاہت ننگه می‌کند، مقاطعی را می‌یابد. البته نظرات، مختلف است. من تصورم این است که زمان «شیخ» یک مقطع است و زمان «علامه» مقطع دیگری است. به او «علامه» می‌گوییم و «محقق» نمی‌گوییم در حالی که قاعدتاً این‌ها یکی هستند. برای این که بحث

استدلالی در بساط «علامه» زیادتر است و انسان بیش‌تر می‌تواند بفهمد که با مسأله چگونه برخورد می‌کرده است ولی در مورد «محقق» به این روشنی نمی‌شود فهمید.

بعد، یک دوره تقریباً ۲۵۰ ساله می‌گذرد. زمان «محقق کرکی» باز یک مقطع دیگر است و به طور واضح انسان می‌فهمد که کیفیت استنباط «محقق کرکی» با کیفیت استنباط «علامه» فرق دارد. همان فقاقت است ولی کامل شده است.

بعد به مقطع بعدی می‌رسد که مقطع تلامذه «وحید بهبهانی» است که آن، دوره‌ی شکوفایی فقاقت اصولی است. «صاحب ریاض» و «صاحب قوانین» و «شیخ جعفر کاشف الغطا» و «سیدبحرالعلوم» و ... در این مقطع هستند. بعد به زمان «شیخ انصاری» و «صاحب جواهر» می‌رسد که البته این مقطع و تحول در شیوه‌ی فقاقت، در کار «شیخ» نسبت به کار «صاحب جواهر» بیش‌تر آشکار است. هر چند کار «صاحب جواهر» هم کار نو و جدید است اما بعد از «شیخ انصاری» - به گمان قاصر این حقیر - اگر بخواهیم از مقطعی اسم بیاوریم و بگوییم که تحولی در فقاقت انجام شده است؛ آن مقطع، مقطع مرحوم «آیت الله بروجردی» است که یک مقطع و باب جدیدی است که آن بزرگوار در کار فقاقت باز کرد.

چه دلیلی دارد که فضلا و بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بسا خیلی از مسائل، مسائل دیگر را در

برگیرد و خیلی از نتایج عوض گردد و خیلی از روش‌ها دگرگون شود. روش‌ها که عوض شد، جواب‌های مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه، طور دیگری می‌شود. این از جمله کارهایی است که باید بشود.

محقق امروز، نباید به همان منطقه‌ای که مثلاً «شیخ انصاری» - علیه الرحمه - کار کرده است، اکتفاء کند و در همان منطقه عمیق، به طرف عمق بیش‌تر برود، این کافی نیست. محقق، باید آفاق جدیدی کشف کند. این کار، در گذشته هم شده است؛ مثلاً، «شیخ انصاری» حکومت را در نسبت بین دو دلیل، کشف و ابداع کرده است. بعد دیگران آمدند و تعمیق کردند و آن را گستراندند و مورد مذاقه قرار دادند.

گشودن آفاق و گستره‌های جدید در امر فقاقت لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر نیستند، منتها باید این اراده در حوزه به حرکت در آید. باید این گستاخی و شجاعت پیدا شود و حوزه آن را بپذیرد. البته این طور نباشد که هر کس هر صدایی را بلند کرد، حوزه آن را قبول کند. در عین حال، نباید حرف جدید در حوزه در چارچوب‌های مورد قبول، مستنکر باشد.

وجود کاستی در عرصه‌ی «کلام»

عیب دوم، «عدم گسترش کافی و لازم علم کلام» می‌باشد که این، حقیقتاً فاجعه است. از این بالاتر و تلخ‌تر، فراموش شدن کلام است. حوزه‌ی اسلام و حوزه‌ی علمیه اهل بیت، در درجه اول، حوزه کلام و بعد حوزه‌ی فقه بود و بزرگان فقهای ما، جزء متکلمان بودند. شما نگاه کنید، در حوزه‌های ما، کلام منسوخ است در حالی که امروز بیش‌ترین تهاجم از سمت مباحث کلامی است.

همان طور که مطرح کردم، ما در گذشته عقب نبودیم و هر کس چیزی می‌گفت، فوراً جوابش حاضر بود ولی امروز آن قدر مباحث کلامی در دنیا مطرح می‌شود که حوزه‌ی علمیه از آن‌ها مطلع نیست.

می‌دانید امروز در دنیا مسأله دین شناسی و فلسفه‌ی دین چه قدر مورد بحث است و چه کسانی دارند می‌نویسند و می‌گویند و تحقیق می‌کنند و ما خبر نداریم؟ این عیب بزرگی است. البته کسانی از آحاد منتسب به حوزه، کارهای با ارزشی کردند و می‌کنند اما این کار، کار حوزه در شکل نظام یافته‌ی آن نیست. کارهای افراد، غیر از کار نظام است. نظام حوزه بایستی جواب دهد حالا اگر یک نفری پیدا شد و وارد منطقه‌ای گردید و کاری کرد و محصولی هم داد، نمی‌شود آن را به حساب حوزه گذشت. انصافاً حوزه در این زمینه کاری نمی‌کند.

اگر از کار کلامی صحبت می‌کنیم، فوراً ذهن به نوشتن چهار کتاب کلامی نرود. کار حوزه، انتشار کتاب‌های بیش‌تر نیست، بلکه تولید

«فکر تکاملی» است. چنانچه تولید افزایش یافت، نوبت به نشر هم می‌رسد. نشر، مسأله دوم است. این طور نباشد که خیال کنیم؛ مثلاً ده کتاب درباره مسأله‌ای نوشتیم، قضیه تمام شد. نه، حوزه باید در زمینه‌های کلامی، فکرهای نو تولید کند.

عزیزان من! امروز شبهه‌های نو و خطرناکی وجود دارد. آن شبهه‌های قدیمی تمام شد. امروز شبهه «ابن کمونه» را کسی مطرح نمی‌کند؛ امروز شبهات عظیمی در تمام زمینه‌های کلامی وجود دارد. از اصل توحید و لزوم دین بگیرد تا به وجود صانع و نبوت عامه و نبوت خاصه و بعد مسأله ولایت و مسائل گوناگونی که در زمینه‌های دینی و اسلامی وجود دارد، برسید. همه این‌ها، مورد بحث است و امروز نسبت به همه این‌ها شبهه وجود دارد. چه کسی باید به این شبهات پاسخ بدهد؟ مگر علما، مرزداران عقیده نیستند؟ آیا مرزهای عقیده مدافع ندارد و رهاست؟ چه کسی در مقابل ایتم آل محمد(ص) که بی‌دفاع در معرض این امواج قرار گرفته‌اند جواب خدا را خواهد داد؟

نتیجه این می‌شود که وقتی کسی در جامعه‌ی ما گستاخی کرد و یک شبهه را به صدای بلند گفت، به جای این که ناگهان از ده نفر صدایی بلند شود و بدون عصبانیت و خشم، جواب شبهه را بدهند، عصبانی می‌شویم و دعوا و جنجال می‌کنیم در حالی که اگر دست ما پر بود، چرا دعوا کنیم؟ یک نفر مقاله‌ای می‌نویسد و حرف بی‌منطق و بی‌استدلال را بیان می‌کند و یا با استدلال غلط و مغالطه جلو می‌آید -

مثل قضیه معروف کشیدن عکس مار به جای نوشتن آن - آن گاه بلافاصله ده، بیست مقاله و یا صد مقاله از حوزه علمیه قم بیرون می‌آید و در هر روزنامه و مجله‌ای جوابش داده می‌شود و تمام می‌شود و می‌رود! برای کسی که عصبانی بشود، جایی باقی نمی‌ماند. چرا عصبانی بشویم؟ حیف نیست که حوزه اسلام و این دین منطقی و مستدل را متهم کنند که استدلالی نیست و شما اهل دعوا هستید؟! یک دروغ هم رویش بگذارند و بگویند شما اهل تکفیرید. ما چه کسی را تکفیر کردیم؟ چه قدر کافر هستند که ما تکفیرش هم نکردیم؟ امروز حوزه کسی را تکفیر نمی‌کند.

پس عیب اول مربوط به فقه بود و عیب دوم که به نظر من بیش از عیب اول است و واقعاً درد بزرگی است، مربوط به کلام است که باید زودتر به دادش برسیم. شما هم باید این چنین کنید.

لزوم بازنگری در عرصه‌ی «تبلیغ»

سومین عیبی که وجود دارد «نارسایی در امر تبلیغ» است. حوزه، یک عیب اساسی در امر تبلیغ دارد و آن این است که تبلیغ از حوزه جدا شده است. البته عده‌ای از حوزه علمیه در فصل تابستان یا در ایام محرم و یا ماه رمضان، براساس بعضی از انگیزه‌ها و نیازها، مجبور می‌شوند به تبلیغ بروند ولی در عین حال حوزه، تبلیغ و درس مربوط به آن را ندارد. تبلیغ هم یک کار و فن است و می‌تواند یک علم باشد

و هست و باید تدریس بشود. یکی خوب و یکی بد در می‌آید، یکی حرفی که می‌خواهد بزند، دیگری عکس آن را می‌زند. خیلی اتفاق می‌افتد که بر اثر بلد نبودن شیوه‌های درست تبلیغ، فردی چیزی بگوید و آن چیزی که از جوف او استنتاج می‌شود، عکس چیزی باشد که نیت اوست و خودش هم ملتفت نیست! یا مثلاً می‌رود تبلیغ می‌کند ولی روان‌شناسی تبلیغی ندارد و با مردم حرفی را می‌زند که حرف آن‌ها نیست! حرفی را که باید در دانشگاه زد در روستا می‌زند و حرفی که باید در روستا زده شود، در کارخانه می‌زند! بنابراین، تعلیم و روش‌یابی علمی و فراهم کردن مقدمات علمی برای تبلیغ، مثل روان‌شناسی اجتماعی، در حوزه نیست.

فراهم کردن موارد تبلیغ، مثل دسته بندی و مشخص کردن مباحثی که لازم است برای انواع مستمعان انجام گیرد، وجود ندارد؛ مثلاً اگر خواستید به فلان کشور بروید، این مطالب لازم است ولی در فلان کشور دیگر، این مطلب مفید نیست و به درد نمی‌خورد؛ در داخل کشور و در روستا یک طور است و در شهر بزرگ، طور دیگر و در تهران و دانشگاه و محیط طلبگی یک طور است و در روضه‌ی زنانه، طور دیگر. این دسته بندی در حوزه انجام نگرفته است. انواع تبلیغ صوتی و تصویری، باید از این‌جا صادر شود.

من از آدم‌هایی نیستم که هر چیزی که مطرح می‌شود، آن را با بیگانه‌ها مقایسه کنم و به خودی‌ها سرکوفت بزنم، این را بدانید. من

معتزاً به حقایقی هستم که در جامعه خود ما وجود دارد. من هیچ قائل نیستم که دیگران پیش رفته‌اند اما چیزهایی است که انسان می‌بیند در دنیا چگونه عمل می‌کند.

کلیسا از لحاظ علم دین صفر است. البته در بین کشیش‌ها کسانی هستند که پروفیسورند و در رشته‌های گوناگون مثلاً بیولوژی و گیاه‌شناسی درس خوانده‌اند. این علوم، علمی نیست که به روحانیت کاری داشته باشد ولی به هر حال عده‌ای از روحانیون مسیحی، دنبال آن رفته‌اند. در بین مکتشفان معروف، تعدادی کشیش هستند و مثلاً ریاضی و تاریخ خوانده‌اند اما کلیسا دارای علم دین به صورت مدون و عمیق و استدلالی نیست ولی در عین حال، از لحاظ تبلیغی جلو هستند.

آن‌ها بسیاری از فیلم‌ها را ساخته‌اند که ظاهرش هم نشان نمی‌دهد اما تبلیغ مسیحیت است. حتی دوستان خود ما در تلویزیون، ایام ژانویه و کریسمس که می‌شود، به مناسبت این که عده‌ای از هم میهنان ما مسیحی هستند، از روی ملاحظت و یا مثلاً مجامله با آن‌ها، چند فیلم مسیحی و کلیسایی را پخش می‌کنند. من نگاه کردم، دیدم اغلب این‌ها تبلیغ کلیساست. آن که این فیلم را گذاشته، نفهمیده است اما کسی که این فیلم را می‌بیند، متأثر می‌شود. کشیشی را در یک چهره نورانی نشان می‌دهد که فلان کار را می‌کند. البته همه نوع کشیش داریم و من از آن‌ها بی‌اطلاع نیستم، هم کشیش خوب و هم کشیش بد داریم، اما غرضم «تبلیغات» است که ما آن را نداریم.

این کارها، کارهایی نیست که یک شبه انجام بگیرد. امروز اگر شما در این زمینه‌ها شروع به کار کردید و تولید امواج صوتی و تصویری، - به خصوص تصویری - داشتید، شاید ده سال دیگر، این توانایی برای حوزه به وجود بیاید ولی ما فعلاً این را نداریم. از هنر استفاده نمی‌کنیم کتاب و مقاله و مجله هم نداریم. آن موارد، چیزهای مدرن و جدید و دور از دسترس بود اما کتاب و مقاله که دور از دسترس نیست. این‌ها را هم نداریم. حوزه به عنوان حوزه در زمینه‌ی تبلیغ دین، کتاب و مطبوعات و مجله هم ندارد. نارسایی در امر تبلیغ وجود دارد ولی اهتمام به امر تبلیغ به عنوان امری که مربوط به نظام است، در حوزه نیست.

نکات گفتنی درباره حوزه بسیار است ولی به فصل آخر - که علاج این نارسایی‌هاست - می‌پردازم. عزیزان من! امروز این مشکلات، قابل علاج است. ممکن است دیروز قابل علاج نبوده و - نستجیر بالله - فردا هم ممکن است قابل علاج نباشد: «قم فاغتنم الفرصة بین العدمین». چهار سال پیش که این‌جا آمدم، صحبت کردم و گفتم که ما در دوران جوانی که تازه این افکار را یاد گرفته بودیم و با افکار نو مربوط به حوزه‌ها آشنا شده بودیم، موقعیت مناسبی برای اجرای طرح‌های نو نداشتیم. آن وقت‌ها هم این افکار بود، این حرف‌های جدیدی نیست. یکی از دردهای مهم همین است که سال‌هاست انگیزه‌ها وجود دارد ولی به تناسب آن انگیزه‌ها، کار کمی شده است.

اولین نفر، مرحوم «آیت الله بروجردی» - رضوان الله علیه - بودند که در آن روزها، «امام» (رض) و مرحوم «آیت الله محقق داماد» و «مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی حائری» - فضلالی جوان و پرنشاط آن روز حوزه - با همین انگیزه‌ها دور آقای بروجردی را گرفتند ولی بعد به دلایلی نتوانستند و رها کردند و کنار آمدند. در آن وقت‌ها، این حرف‌ها بوده است و مرحوم «آیت الله امینی» (رض) برای خود من نقل می‌کردند که در زمان «آقا سیدابوالحسن» در نجف هم همین افکار بوده است و مرحوم «آیت الله خویی» و بعضی آقایان دیگر، جزء همان جوان‌های پر شور آن روز بودند که این حرف‌ها را می‌زدند.

حرفی که می‌توانیم بزنیم این است که آن روز، این‌ها نمی‌توانستند کاری کنند، چون حکومت ظالمی سرکار بود و پول و امکانات در اختیار ما نبود و اجازه‌ی کار نمی‌دادند و هر روحانی که می‌خواست در این زمینه‌ها اقدام کند، به دهانش می‌زدند. بزرگان حوزه هم می‌ترسیدند که اصل حوزه از بین برود. اگر عده‌ای می‌گفتند بیاید اصلاح کنید، می‌گفتند: اصل حوزه در خطر است و ظالمان که سرکارند، حوزه را می‌بلعند ولی امروز، این حرف‌ها نیست.

مخالفت با دولتی شدن حوزه‌ها

البته این نکته را نیز بگویم که امروز هم تا ما یک کلمه حرف می‌زنیم، بدخواهان می‌گویند این‌ها می‌خواهند حوزه را دولتی کنند!

خیر، من قویاً این ادعا را تکذیب می‌کنم. البته دولت، دولت اسلامی است، رئیس دولت هم یک فرد فاضل و طلبه‌ی خود این حوزه است. رئیس جمهور ما، خودی این حوزه است و بیگانه نیست اما من اعتقاد ندارم که حوزه باید وابسته به یک تشکیلات دیگری شود. این اعتقاد، متعلق به حالا نیست. از سابق - قبل از انقلاب و بیش تر پس از انقلاب - که این قضیه مطرح می‌شد که آیا اگر دولت اسلامی باشد، باز هم حوزه باید تشکیلات جدایی داشته باشد یا خیر؟ من جزء کسانی بودم که مستدلاً و با تکیه بر ادله‌ی قوی، معتقد بودم که حوزه باید مستقل باشد الآن هم عقیده‌ام همین است، از کسی هم نمی‌خواهم تقیه بکنم، ملاحظه کسی را هم نمی‌کنم.

به دهن کسی که در مقابل هر حرف اصلاحی، وسوسه‌ای ایجاد می‌کنند، بزنید. دشمن به طور قطعی و روشن، همه چیز را به نفع خود حل و فصل می‌کند و شاید هر فریاد اصلاحی و هر سخن دردآلودی که از دل دردمندی بلند می‌شود، فوراً چیزی به آن بچسبانند اما این مسأله علاج دارد. امروز می‌شود این علاج را انجام داد. امروز حکومتی الهی و اسلامی و متکی و معتقد به حوزه و قدردان و پشتیبان آن داریم. من آماده هستم تا از هر حرکت خوبی در این زمینه پشتیبانی کنم. بنابراین امروز، روز علاج است. باید علاج کنیم، اگر نکردیم، خدای متعال مؤاخذه خواهد کرد. این، عقیده‌ی من است. آنچه را که به نظر می‌رسد علاج این موارد است فهرست‌وار مطرح می‌کنم:

راهبردها و راه کارها**پذیرش کاستی‌ها در حوزه**

اولاً: قبول درد است. کسانی نیابند بگویند این حرف‌ها چیست و مطرح کنند که «شیخ انصاری» و «میرزای نائینی» و «آخوند» و «امام» و دیگر بزرگان، در همین حوزه‌ها پرورش پیدا کرده‌اند و شما حرف تازه‌ای می‌زنید! اگر درد را قبول نکردیم، درمان درست نخواهد شد. این کار به دست شما، به خصوص فضلالی جوان است.

بگویید، تکرار کنید، بنویسید، استدلال نمایید، با کسانی که این موارد را قبول ندارند، مباحثه کنید، مجادله حق بکنید و ثابت نمایید که این بیمار، واقعاً بیمار است و این موجود زنده درد دارد. اگر درد را نفهمیدند، این بیمار، درمان نخواهد شد.

تحریک اراده‌ها برای شناختن آسیب‌ها

ثانیاً: همت گماشتن به علاج است. نگویند: بله، درد هست ولی حالا چه کار کنیم؟ حدود سی سال پیش، یکی از بزرگان حوزه - که رضوان خدا بر او باد - و من با دل و جان به او ارادت داشتم، درباره مسأله‌ای می‌فرمود: «بله، یک گناه یا جرم بزرگی - تعبیر درست یادم نیست - انجام شده است لیکن حالا دیگر چه کار می‌توانیم بکنیم؟»

این، یعنی نگاه کردن، مشکل را دیدن اما همت به علاج آن نگماشتن. راهش همین است که کسانی، به خصوص جوان‌ها که

احساس درد می‌کنند، آن درد را گسترش بدهند، منتشر کنند، به دیگران منتقل نمایند، با کار آمدان و متنفذان حوزه آن را در میان بگذارند و وادار کنند، کار انجام بگیرد.

بیدار کردن روح کار در جوانان

ثالثاً: بیدار شدن روح کار در جوان حوزه است. وقتی می‌گوییم جوان، منظور این نیست که هر جوان خام از راه رسیده‌ای علاج کننده درد است. منظور من، فضلالی جوان هستند که الآن بحمدالله در حوزه طبقه بزرگی را تشکیل می‌دهند و سنشان در حدود چهل و حول و حوش آن است و «کفایه» و «مکاسب» و درس خارج، تدریس می‌کنند و سال‌هاست که پای درس فقه و اصول نشسته‌اند و بعضی مباحث دیگر هم دارند. روح کار، بایستی در این‌ها زنده شود. کسانی که مخاطبان ما هستند، باید روح کار را در آن‌ها زنده کنند، اگر نکردند، خود این‌ها بایستی حرکت و تلاش کنند و همت بگمارند.

سازمان‌دهی و مدیریت در دو سطح «اداری و جهادی»

رابعاً: مرکزی به طور مشخص، متصدی و سر رشته دار انجام این کارها بشود. چهار سال قبل، بحث ما بر سر تأسیس این مرکز بود که بحمدالله امروز حاصل شده است. امروز حوزه یک «شورای عالی» و یک «مدیر» دارد که من در همین جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از زحمات

«جناب آقای مؤمن» - ادام الله بقائه الشریف - به خاطر زحمات چند ساله‌شان در سمت مدیریت حوزه تشکر می‌کنم و هم به جناب آقای «استادی» - دامت برکاته - که عزیز ما هستند و این بار مهم را به دوش گرفتند و من واقعاً از صمیم دل به ایشان اخلاص دارم، خوشامد عرض می‌کنم. حوزه باید مرکز و سر رشته دار این حرکت‌ها باشد.

مدیریت، دو گونه کار می‌تواند بکند: یک گونه کارهای قانونی و آیین‌نامه‌ای است که مثلاً امتحانات و گزینش و شهریه این طور باشد؛ یکی هم کارهای بزرگ و عظیمی است که شاید تحت یک آیین‌نامه و نظام‌نامه‌ای هم نیاید بلکه حرکتی جهادی و بسیجی و به کارگیری افراد گوناگون و راه انداختن امور است. به هر حال، باید مرکزی بر این امر مباشرت مستقیم و مشخص داشته باشد و به نظر من، امروز این مرکز، «مدیریت حوزه» است.

ایجاد فضای باز در عرصه‌ی علوم «عقلی و نقلی»

خامساً: ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار است. باید این کار در حوزه انجام شود و از چیزهایی است که حوزه را زنده خواهد کرد و آن نتایج، مترتب خواهد شد. باید برای فقه و کلام و علوم عقلی، مجمع‌هایی تشکیل شود و مثلاً برای فقه، «مجمع بررسی مباحث تازه فقهی» مرکب از هفت، هشت، ده نفر طلبه‌ی فاضل ایجاد شود. این‌ها مرکزی داشته باشند و جلساتی تشکیل بدهند و سخنرانی‌های فقهی

بگذارند تا هر کس، هر خطابه و مطلب و فکر جدید در فلان مسأله فقهی دارد - از طهارت تا دیات، کوچک و بزرگ - به آن‌جا بیاورد و آن‌ها نگاه کنند، اگر دیدند ارکانش درست است - نه این که خود حرف درست باشد - و متکی به بحث و استدلال طلبگی است و عالمانه طرح شده است، آن را در فهرست بنویسند و در نوبت بگذارند تا این که آن فرد، روزی بیاید و در حضور جماعتی - که اعلان می‌شود خواهند آمد - سخنرانی کند و آن مسأله را آزادانه تشریح کند و یک عده هم آن‌جا اشکال کنند.

ممکن است کسانی که در آن جلسه هستند، از خود آن شخص فاضل‌تر باشند، هیچ اشکالی ندارد. یک مسأله که بحث می‌شود، این فکر پراکنده می‌گردد. این طور نباشد که تا کسی یک فکر و فتوای جدید فقهی ولو غلط داد، برخورد اول ما نفی باشد و بگوییم، ببینید، فلان کس چه فتوای چرندی در فلان مسأله داده است! بالأخره یک نظر فقهی باید طرح شود و مورد بحث قرار گیرد و برای ابداع افکار جدید فقهی، میدان باز شود. البته این کار باید با ضابطه و قانون باشد، نه این که هر کسی بیاید برای خودش حرفی بزند.

مجمعی شبیه همین مجمع برای کلام باشد. افکار و حرف‌های کلامی مطرح شوند و طلبه‌ها یکدیگر را برای طرح آن، خبر کنند. باید حرف‌ها در فضای حوزه قابل بیان شود و کسانی که حرف تازه‌ای دارند، بیایند بگویند. «رُبَّ حَامِلٍ فُقِهٍ الیٰ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ»؛ ای بسا

کسانی که یک مطلب فقهی را ابراز می‌کنند، کسی می‌شنود و از او منتقل می‌گردد و بعد به یک مطلب خوب می‌رسد.

ممکن است آن مطلبی که القا شده، اصلش غلط و حرف بی‌ربطی باشد اما کسی که آن‌جا نشسته، به یک مطلب جدیدی برسد و میدان و عرضه برای طرح افکار جدید باز بشود. در زمینه علوم عقلی هم همین طور است.

ایجاد تغییر اساسی در کتب درسی

سادساً: تغییر جدی کتب درسی است. مسأله کتاب‌های درسی را باید جدی گرفت؛ باید کتاب‌های درسی تغییر کند. بنای تغییر هم باید بر صرفه جویی در وقت طلبه باشد. طلبه ما «مغنی» را می‌خواند، در حالی که همین مطلب که در «مغنی» است، مقدار لازم آن در کتاب کوچک‌تر دیگری وجود دارد که به زبان خیلی خوبی نوشته شده و یک نفر نویسنده معاصر، آن را نوشته است. چه لزومی دارد که ما حرف «ابن هشام» را بخوانیم؟ این کار، چه خصوصیتی دارد؟ «مغنی»، درس خارج نحو است. می‌بینید که استدلال می‌کند: آیا «واو» برای فلان معنا می‌آید یا خیر؟ فلان کس گفته است می‌آید، دلیلش این است فلان کس هم پاسخ او را داده است. این، درس خارج است. مگر ما می‌خواهیم خارج نحو بخوانیم؟ اما می‌خواهیم بدانیم «واو» در چه معنایی استعمال می‌شود و این نکته را در آن کتاب ساده‌تر نوشته‌اند.

چرا ما بی‌خود، در «مغنی» یا «مطول» این همه وقت تلف کنیم؟ آن‌چه را که باید در «مطول» یاد گرفت، در کتابی که حدود یک دهم مطول است، بخوانید. چه لزومی دارد که ما کتاب «معالم» را بخوانیم که براساس اولین کتاب اصولی متعلق به چندین قرن پیش است در حالی که کتاب «معالم» هر چند که مطلبش یک مطلب اصولی است و بالأخره برای متعلم جدید است، اما عبارات آن عبارات مشکلی است. چرا ما طلبه را به عبارت معطل کنیم؟

امروز در دنیا دارند تمرین می‌کنند که مشکل‌ترین مطالب را به آسان‌ترین زبان‌ها بیان و فرموله کنند. رمز می‌گذارند تا با گفتن یک کلمه، مخاطب ده کلمه را بفهمد. اما ما بیاییم عبارت مشکلی را برای بیان مطلبی انتخاب کنیم! همین مطلبی که مرحوم «صاحب معالم» به عبارت مشکل بیان کرده است، این مطالب را فرد دیگری در کتاب اصولی دیگر که از «معالم» کوچک‌تر و جدیدتر هم هست، چهار صد سال بعد از «معالم» نوشته و همه مطالب لازم «معالم» را به زبان ساده بیان کرده است. این که بهتر از آن است. چه استدلالی پشت سر این عقیده وجود دارد که ما کتاب‌ها را عوض نکنیم؟

تأسیس «مجمع فقهی» برای ساده سازی و مبناشناسی فقهی

باید لجنه‌ای از فضلالی بزرگ حوزه‌ی علمیه بنشینند و یک دوره فقه، از طهارت تا دیات، به زبان ساده بنویسند که کار «شرح لمعه» را

بکند و کیفیت استدلال را نشان بدهد. «شرح لمعه» کتاب نسبتاً مشکلی است، ما چرا برای عبارات‌های سخت، طلبه را معطل کنیم؟ کتاب‌های درسی دیگر هم همین گونه‌اند. این کتاب‌ها از آسمان نازل نشده است. یک روز هم کتاب‌های درسی دیگری بود. مگر «ریاض» کتاب بدی است؟ می‌گویند کتاب «مکاسب» شیخ، کتاب خیلی خوبی است. البته که کتاب خوبی است ولی مگر «ریاض» کتاب بدی است؟ یک روز در حوزه‌ی علمیه، «ریاض» می‌خواندند که البته زمان ما نبود، بلکه زمان پدران ما بود. از جمله کتاب‌های معمولی که طلبه‌ها در حوزه می‌خواندند، دو جلد کتاب «ریاض» بود. آیا حالا هم ما «ریاض» بخوانیم؟ آن‌ها «قوانین» و «فصول» می‌خواندند اما حالا نمی‌خوانند و منسوخ شده است، این کار چه مانعی دارد؟

باید لجنه و هیأتی بنشینند و مباحثی که شما در «مکاسب» می‌خواهید یاد بگیرید، در کتابی که خیلی هم به مشکلی «مکاسب» نباشد و آن مطلب و استدلال‌ها را هم داشته باشد، بنویسند و آن کتاب در حوزه‌ها خوانده شود. ما می‌خواهیم کاری صورت گیرد که طلبه وقتی به پای درس خارج - که اول شروع کار جدی است و الاً بقیه، مقدمات درس خارج است - می‌رسد و اگر استاد در درس خارج کلمه‌ای گفت و اشاره‌ای کرد او گیج و گم نباشد، مسأله‌ی اصولی را بداند، کتاب اصول خوانده باشد، فقه بلد باشد، ذهنش با استدلال‌ها آشنا باشد و مبنای «شیخ» و «آخوند» را بداند.

تقلیل «دوره‌ی مقدمات و سطح»، به پنج سال

این، هدف آن طلبه‌ای است که سطوح مقدماتی و عالی‌ه را می‌خواند. اگر بتواند همه‌ی این‌ها را در ظرف چهار سال بخواند، مگر عیب دارد؟ طلبه را از دیپلم بپذیریم، پنج سال درس مقدمات و ادبیات و سطوح را بخواند و بعد وارد درس خارج بشود و کار اصلی را شروع کند. ما اگر زمان را کوتاه کنیم، بعد در این مدت چیزهای دیگری هم یاد خواهد گرفت.

الآن اگر بگوییم طلبه زبان خارجی لازم دارد و امروز در دنیایی که این همه به هم وصل است، اگر کسی بخواهد به طور کامل مفید باشد، باید زبان خارجی بداند، می‌گویند، طلبه وقت ندارد و راست هم می‌گویند واقعاً با این وضعیت، طلبه وقت ندارد. ولی اگر در وقت صرفه جویی کنیم، طلبه می‌تواند به تعلیم زبان خارجی هم بپردازد.

کاربردی کردن «فقه و اصول» در دوره‌ی خارج

بنابراین، باید در کتب درسی، تغییر جدی صورت گیرد. چون تحول از پایه باید شروع بشود، در خود کتب درسی باید کار شود و در درس خارج فقه هم مباحث کاربردی و مورد استفاده باید مطرح گردد. بعضی از مباحث، مخصوصاً در اصول و در فقه وجود دارد که واقعاً مورد احتیاج نیست، ولی در اصول و فقه این مباحث را می‌خوانند. در حالی که یک فقیه، در تمام طول بیست سال هم که استنباط کند، ممکن است

یک بار حاجتش به چنین بحثی یا به مبنای «معانی حروف» یا در «حقیقت و مجاز» و یا مبنای دیگر بیفتد. چه لزومی دارد ما این همه در مباحث غیر لازم اصول، معطل بشویم؟ در این زمینه مرحوم «شهید صدر» - رضوان الله علیه - کار خوبی کرده‌اند. آن کاری که ایشان در باب اصول کردند و آن پیشنهادی که در زمینه‌ی درس و تعلیم اصول دادند، پیشنهاد خوبی است.

تأسیس رشته‌های مستقل علمی

سابقاً: ایجاد رشته‌های مستقل، مثل فقه و کلام است. فقه، یک رشته اصلی در حوزه علمیه است، کلام هم باید یک رشته اصلی باشد. نگوئید که حالا چند ساعت هم درس کلام می‌گذاریم. نه، طلبه باید تا جایی بخواند، بعد طرف فقه یا کلام برود. به عنوان یک رشته اصلی در حوزه، باید مجتهد در کلام داشته باشیم.

آموزش اجباری زبان بیگانه

ثامناً: وارد کردن زبان بیگانه در درس‌های اجباری حوزه است، که آن را مطرح کردم.

تفکیک «سطح علمی» طلاب، بر اساس «اهداف» مشخص

تاسعاً: تقسیم تدریجی طلاب برحسب اهداف است. آماری که من دریافت کردم، حدود ۲۳۰۰۰ یا ۲۴۰۰۰ طلبه را در حوزه نشان می‌دهد.

اگر این آمار را ملاک محاسبه قرار دهیم، این تعداد حدود هفت هشت هزار نفر جزء فضیای بزرگ و علما هستند که در این تقسیم بندی نمی‌گنجند. این افراد کسانی هستند که مراحل را گذرانده‌اند و به مدارج عالی علمی رسیده‌اند. بخشی دیگر کسانی هستند که در جوانی اهل درس خواندن نبودند و حالا هم دیگر وقتش را ندارند.

فرض کنید اگر پانزده هزار طلبه در قم وجود داشته باشد، بر اساس ضابطه‌ی قبلی، حدود هزار نفر از آن‌ها را گزینش کنیم تا فقیه و مجتهد بزرگ تربیت شوند. البته این کار باید در زمان و وقت خودش انجام گیرد؛ مثلاً یک دوره بیست ساله را در نظر بگیریم که طبیعتاً هر سال، جمع جدیدی اضافه خواهند شد و جمع دیگری هم خارج خواهند گردید. ولی میانگین، تقریباً همین بیست سال است. این افراد باید افراد مستعدی باشند که استعداد و شوق فقاقت داشته باشند و اهل انصراف از فقاقت نباشند. باید این‌ها را گزینش کرد و روی آن‌ها کار ویژه فقاقتی انجام داد. از بین این‌ها مدرسان و مؤلفان بزرگ فقه و مراجع تقلید در خواهد آمد. هزار نفر فقیه کم نیست که این حوزه بتواند در ظرف مدت بیست سال بیرون بدهد؛ این، خیلی زیاد است.

اگر شما بیست سال یا چهل سال پیش تاکنون را نگاه کنید، متوجه می‌شوید هزار فقیه زبده برجسته‌ی بزرگی که بتوانند دنیای اسلام را از لحاظ فقاقت علمی بپوشانند و هزار نفر متکلم مجتهد در کلام، نیازهای جهان اسلام را تأمین کنند، کم نیستند. کسانی که شوق و

علاقه دارند، این‌ها را پیدا کنند؛ باید به این‌ها درس مخصوص داده شود. اگر لازم است، دوره‌های خارج بروند و یا در دانشگاه‌ها بورسیه شوند و بورس بگیرند.

از این تعداد که بگذریم، در مرحله بعد، پنج هزار نفر عالم شهری در حدود متوسط تربیت کنیم. در میان این افراد، مجتهد و قریب الاجتهاد و مجتهد متجزی هست و آنچه که لازم دارند، تأمین می‌شود. البته این هم یک دوره مشخصی خواهد داشت. ممکن است مثلاً، یک دوره بیست ساله لازم داشته باشند. اگر آن دو دسته اول حدود بیست سال طول می‌کشد. این دسته دوم کمتر خواهد بود. همه این‌ها قابل برنامه ریزی است.

پنج هزار نفر هم به عنوان مبلغ و منبری و نویسنده و گوینده عالم و فاضل انتخاب شوند و سه هزار نفر هم به منظور تبلیغ در خارج از کشور و در سطح دنیا گزینش شوند. مجموع این‌ها پانزده هزار نفر می‌شود، البته فردا این کار نخواهد شد.

اگر ما امروز شروع کنیم، ممکن است پنج سال دیگر بتوانیم چنین تقسیم بندی‌ای را بکنیم لکن حوزه باید به این‌جا برسد و بالأخره هر روز که چنین کاری به تأخیر بیفتد، دیر است. می‌دانم که کار پیچیده و دشواری است اما اگر حوزه تصمیم بگیرد - و نه یکی دو نفر - این کار خواهد شد.

«علماء، فضلاء و مدیران»، مخاطبان اصلی

مخاطب عرایض من، سه دسته هستند:

یک دسته بزرگان حوزه هستند که بحمدالله جمع کثیری از حضرات این‌جا تشریف دارند. از قدیم نسبت به اکثر این آقایان ارادت داریم و بعضی از آن‌ها، هنگامی که من طلبه‌ی جوانی بودم در همین حوزه جزء بزرگان و فضلاء بودند و همیشه آن‌ها را به بزرگی و عظمت و تقوا و علم شناخته‌ایم. این‌ها چون در حوزه، متنفذند، مخاطب اول هستند. مخاطب دوم، فضلاء جوان حوزه هستند. شما مستقلاً مخاطبید، شما هم باید در این زمینه کمر همت ببندید.

مخاطب سوم، دستگاه مدیریت و شخص مدیر عزیز و محترم حوزه و «شورای عالی حوزه» علمیه هستند که این‌ها بیش‌ترین بار مسئولیت را به عهده خواهند داشت و برای این‌که این کار راه بیفتد، باید اجتماعات علمی تشکیل بشود.

ضرورت برگزاری همایش‌های کارشناسی - علمی

من در آن سفر قبلی هم عرض کردم که برای هر مسأله‌ای که می‌خواهید حل کنید، یک سمینار به معنای واقعی کلمه درست کنید. نه سمیناری که دو سه نفر بیایند سخنرانی کنند و بروند، این‌که سمینار نیست! جلسه‌ی سخنرانی است. سمینار؛ یعنی یک موضوع محتاج به تأمل عقلی، انتخاب بشود و افراد صاحب نظری بروند فکر و مطالعه و آمارگیری و ... بکنند و بیایند این‌جا بحث کنند و نظراتشان را بگویند.

بعد آن جمع که اداره کننده‌ی سمینارند، این نظرات را جمع بندی کنند تا یک دستاورد معتنا بهی به دست آید.

البته آن دفعه یک سمینار تشکیل شد که نتایجش هم بحمدالله خوب بود اما با گذشت مدت زمانی، تعقیب نشد. شما باید افراد مناسب برای این کار را انتخاب کنید، روش‌ها را بسنجید و برگزینید و علاج مشکل را بیابید. صد نفر یا پنجاه نفر صاحب نظر را انتخاب کنید، از کسانی که مدیریت این کار را به عهده می‌گیرند، دعوت کنید تا دو سه روز، دور هم بنشینند و تفکر و بحث و استدلال کنند. حوزه‌ی علمیه، حوزه‌ی استدلال است. بحث طلبگی کنید تا از نتایجش استفاده شود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد(ص) ما را در راه رضای خودت موفق بدار.

خدایا! ما را بیامرز. نیت‌های ما را خالص کن. ما را از این مجلس، نصیب وافری نزد خودت قرار بده.

پروردگارا! حوزه‌ی علمیه را پایدار بدار و آن را همواره مبارک و مورد عنایت حضرت بقیه الله - اروحنافداه - قرار بده.

پروردگارا! ما را از این شهر پرخیر و برکت، نصیب وافری عنایت فرما.
اللهم اقم لنا فی شهرنا هذا خیر ما قسمت و اتم لنا من قضاک خیر ما حتمت و اتم لنا بالسعادة فیمن ختمت و احینا ما احیتنا موفوراً و امتنا مسروراً و مغفوراً.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نمودار تحلیل مفهومی^۱

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری - مدظله - در سال ۱۳۷۴

- ۱- **حفظ:** نگاهداری از میراث گذشتگان در حداقل ۱۲ قرن حیات حوزه‌های علمیه و تحویل آن به آیندگان.
- ۲- **ترمیم:** عمق بخشی و جایگزین کردن افکار و مفاهیم نو به جای مفاهیم مندرس و منسوخ، از طریق تربیت اندیشمندان جدید.
- ۳- **بالندگی:** گشودن آفاق نو در کلیه‌ی علوم دینی (علاوه بر عمق بخشیدن به آن‌ها) با هدف زنده نگاهداشتن «حوزه» به عنوان پدیده‌ای با تمام ویژگی‌های یک موجود زنده.

سه سطح از
وظایف اصلی
حوزه‌ها

۱. این نمودار تحلیلی، برگرفته از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در سخنرانی آذر ۱۳۷۴ است. هر چند سعی شده است در این نمودار، عین تعبیر، واژه‌ها و مفاهیمی که معظم له به کار برده‌اند دسته بندی موضوعی گردد اما در برخی موارد و به ضرورت، برداشت، استنباط و جمع بندی نمایه سازان برای استفاده بهتر از این سخنان، دخالت داده شده است.

وضعیت

کنونی حوزه

- ۱- **حفظ:** نسبت به میراث گذشته، این سطح، حاصل بوده و حوزه در این سطح، موفقیت داشته است.
- ۲- **ترمیم:** حوزه دچار عقبگرد نشده و پیشرفت کمی و کیفی زیادی در عرصه‌های ملی و فراملی داشته است.
- ۳- **بالندگی:** حوزه‌ی امروز (برخلاف حوزه‌ی دیروز) و علی‌رغم پیشرفت‌های محسوس، از زمان خود جلوتر نیست و فاصله‌ی بسیاری با مطالبات و نیازهای امروز دارد.

بخشی از

گستره‌ی علوم

مورد نیاز در

سطح بالندگی

- ۱- فقه (فردی و اجتماعی)
- ۲- فقهات (اصول فقه - شیوه‌ی استنباط)
- ۳- اخلاق
- ۴- فلسفه (محض و مضاف)
- ۵- کلام (قدیم و جدید)
- ۶- حقوق (مدنی، جزایی و ...)
- ۷- روان شناسی (فردی و اجتماعی)
- ۸- روش شناسی
- ۹- (علم) تبلیغ
- ۱۰- (علم) مدیریت

سطوح بالندگی

در دانش‌ها

- ۱- **مبانی علمی:** مانند فلسفه
- ۲- **روش‌های علمی:** مانند روش‌های تبلیغی، آموزشی و ...
- ۳- **دانش‌های تخصصی:** مانند اخلاق، فقه، اصول، کلام (و کلیه‌ی علوم عقلی و نقلی)

عرصه‌های

بالندگی در

ساختارها

- ۱- پژوهش (در عرصه‌ی بنیادی و کاربردی)
- ۲- آموزش (در عرصه‌ی عمومی و تخصصی)
- ۳- تبلیغ (در عرصه‌ی ملی و فراملی)
- ۴- مدیریت (در عرصه‌ی کلان و خرد)
- ۵- برنامه‌ریزی (در عرصه‌ی راهبردی و عملیاتی)
- ۶- منابع (در عرصه‌ی انسانی و سخت افزاری)
- ۷- اطلاع‌رسانی (در عرصه‌ی فرهنگ سازی و انگیزه بخشی)
- ۸- نشر (در عرصه‌ی مکتوب و رایانه‌ای)

ارکان بالندگی

در منابع

- ۱- **نیروی انسانی:** توسعه کمی و کیفی «نیروی انسانی» در ابعاد «روحی، فکری و رفتاری» و توزیع مناسب و سازماندهی آنها در عرصه‌های اجتماعی.
- ۲- **نرم افزار:** گسترش کمی و کیفی «محتوایی»، از طریق تولید یا باز تولید دانش‌های مورد نیاز در سطوح «بنیادی و غیربنیادی».
- ۳- **سخت افزار:** رشد کمی و کیفی «منابع مالی و سرمایه‌ای و امکانات» اما مستقل از دولت‌ها

آرمان حوزه

پیش بودن همواره «حوزه» از زمانه‌ی خویش، از طریق ایجاد «بالندگی» در «دانش‌ها، ساختارها و برون‌دادها» و بستر سازی برای «توسعه‌ی اجتماعی عدالت محور»

مأموریت حوزه

گذر از دو مرحله‌ی «حفظ» و «ترمیم» وضعیت موجود، و ورود در مرحله «بالندگی» و تحول اساسی در تمامی زیر ساخت‌ها و رو ساخت‌ها

چالش‌ها و آسیب‌ها

۱- عقب ماندن «حوزه» از زمان خویش و مقتضیات اجتماعی به صورت واماندن در دو مرحله «حفظ و ترمیم» و وانهادن امر «بالندگی»
 ۲- فقدان بستر پرورشی موزون «نیروی انسانی» در تمامی ابعاد، غفلت از استعدادهای شکوفا و توزیع نامناسب آنان در داخل و خارج
 ۳- کمبود «محتوای علوم» در عرصه‌های «بنیادی و کاربردی»، به ویژه عدم گسترش «فقه» (و سایر علوم) به عرصه‌های «نوظهور اجتماعی»
 ۴- کاستی در عرصه «آموزش» و انتقال دانش‌های «تخصصی و عمومی»، به دلیل ناکارآمدی «روش‌ها» و نامناسب بودن بسترهای موجود
 ۵- فقدان زمینه‌ی لازم در دو عرصه «تبلیغ» (داخلی و خارجی) و «نشر»، به عنوان بخش‌های ترویج مفاهیم تخصصی و معارف عمومی به مخاطبان

راهبردها و راه کارها و برنامه‌ها

۶- ناکار آمدی بسترها، روش‌ها و برنامه‌ها در عرصه «مدیریت، برنامه‌ریزی و سازماندهی» و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها
 ۷- کاستی در حوزه‌ی «سخت افزاری و منابع مالی و سرمایه‌ای»، در کنار هرز روی بسیاری از امکانات موجود

۱- «پذیرش کاستی‌ها و آسیب‌های حوزه» به عنوان اولین گام در فرآیند بالندگی، در کنار تحریک اراده‌ها برای تسریع در این امر.
 ۲- «فرهنگ سازی» و «انگیزه بخشی» به نیروی انسانی (به‌ویژه فضایی جوان) برای بیدار کردن روح تلاش فردی و جمعی.
 ۳- تقویت «سازماندهی و مدیریت» در دو سطح «اداری» (با فرآیند معمولی برای امور جاری) و «جهادی» (با فرآیند انقلابی برای ایجاد تحولات اساسی).
 ۴- بازنگری در عرصه تولید مفاهیم نو در سطوح «بنیادی و کاربردی» در بخش پژوهش، متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی.
 ۵- ایجاد فضای باز و تخصصی در عرصه‌ی علوم عقلی و نقلی و تقویت روح آزاداندیشی و نهادینه کردن آن از طریق تأسیس مجامع علمی - تخصصی و ...
 ۶- تغییر شیوه‌ها، ابزارها و محتواهای آموزشی (به‌ویژه کتب درسی) و روی آوردن به ساده سازی روشی در عین عمق بخشی نظری.

۷- بازتعریف سیاست‌های پیشین در ساماندهی «مقاطع مقدماتی و سطح» و تقلیل آنها به ۵ سال برای ورود در دوره «خارج».

۸- «کاربردی کردن» تمامی علوم دینی به ویژه فقه و اصول در دوره خارج و تأسیس «رشته‌های مستقل علمی» در دانش‌های اصلی مانند کلام.

۹- «تفکیک سطح علمی» حوزویان براساس «اهداف» تعریف شده و «نیازهای» جامعه هدف در تمامی شئون و عرصه‌ها.

۱۰- اجتناب از دولتی کردن حوزه‌ها، و تلاش در جهت حفظ و تقویت استقلال آنها.

۱۱- آموزش «زبان‌های بیگانه» به عنوان «دروس اجباری» حوزه.

۱۲- برگزاری همایش‌ها و کارگروه‌های علمی - کارشناسی برای بررسی تخصصی «موضوعات» و شناسایی «آسیب‌ها، راه کارها و برنامه‌های تحول حوزه».

مخاطبان

درون حوزوی

۱- **علمای بزرگ** و متنفذان حوزه به عنوان اولین رده از مخاطبان.

۲- **فضای جوان** به عنوان مخاطبان مستقل و ذی نقش.

۳- **مدیران ارشد** به عنوان عوامل مهم در سرپرستی، هدایت و نظارت.

- ۱- حاکمیت (نظام اسلامی)
- ۲- جوانان
- ۳- زنان
- ۴- نظامیان
- ۵- اهل سنت
- ۶- اهل کتاب
- ۷- جوامع دانشگاهی
- ۸- جوامع شهری
- ۹- جوامع روستایی
- ۱۰- جوامع خارجی
- ۱۱- جوامع کارگری

مخاطبان

برون حوزوی

فصل دوم

مدیریت تحول

در نگاه

مقام معظم رهبری

در دیدار با جمعی از مدیران و فضایی حوزه علمیه
(آذر ماه ۱۳۸۶)

ضرورت پی گیری و تحقق «دیدگاه‌های اصلاحی» در حوزه

این جلسه برای من بسیار جلسه‌ی شیرین و دل‌نشینی بود. درباره‌ی توفیقات حوزه‌ی علمیه - چه حوزه‌ی مبارک قم، چه حوزه‌ی‌های بزرگ دیگر مثل مشهد، اصفهان - حرف‌های زیادی زده شده و در ذهن‌ها هم هست و نویدهایی در این زمینه داده شده و می‌شود لیکن به نظر من، آن‌چه که امشب در این جلسه مشاهده کردم، از همه‌ی آن‌چه که در این زمینه شنیدم، برای من شیرین‌تر و مطلوب‌تر و باورکردنی‌تر بود. این نسلی که امروز در حوزه‌ها در حال بالندگی هستند - که نمونه‌اش را این آقایانی که آمدند صحبت کردند و خانمی که صحبت کردند، تشکیل می‌دهند - بدون تردید خواهد توانست کارهای بزرگی را که ما از حوزه‌ی دانش دین انتظار داریم، انجام بدهد؛ به شرطی که این حرکت نُکس پیدا نکند، روزه روز کامل‌تر شود و پیش برود.

از پیشنهادهایی که بنده در طول این سال‌ها درباره‌ی حوزه‌ی علمیه کردم، چه در مجامع عام که با طلاب و فضلا و مدرسین جلسه داشتیم و صدها، گاهی هزارها نفر در آن شرکت داشتند؛ چه در جلسات

کوچک و خصوصی‌تر که با بعضی از مسئولین حوزه یا بزرگان حوزه یا مراجع یا فضلا داشتیم و پیشنهادهایی دائم مطرح شده و گفته شده، خیلی‌هایش تا حالا تحقق پیدا نکرده، یا به صورت نیمه کاره و نیمه راهه تحقق پیدا کرده است لیکن از حرکت پرجوش و خودجوش دینی و علمی که ناشی از انقلاب اسلامی است و از برکات انقلاب اسلامی است و فضیلت و ثواب آن برمی‌گردد به روح مطهر امام بزرگوارمان، ما مشاهده می‌کنیم می‌بینیم که این همه دستاورد را داشته‌ایم. خیلی از آن نظرات اصلاحی هنوز تحقق پیدا نکرده، اما تولید، کیفیت، نیروی انسانی زبده در این سطحی است که امروز ما داریم مشاهده می‌کنیم. یک نمونه‌اش را من امشب در گفته‌های آقایان دیدم که برای من واقعاً لذت بخش بود. نمونه‌های دیگرش را هم من در بعضی از جمع‌های فضلا که با من ملاقات کردند، مشاهده کردم. جمعی از فضلالی کاوش گر در علوم عقلی - فلسفه و کلام و عرفان و منطق و این‌ها - یکی دو سال پیش از این ملاقات کردند، آن‌جا هم من همین را دیدم؛ فضلالی که با دانشگاه‌ها ارتباط دارند، جمعی با من ملاقات کردند، آن‌جا هم من همین انطباع و انعکاس را در ذهن خودم داشتم. این، خیلی نکته‌ی مهمی است. یعنی ظرفیت و استعداد رشد نیروهای انسانی در حوزه‌ی علمیه این است. این آب و هوا و شرایط طبیعی یک چنین اقتضایی دارد. ما به آن نرسیدیم و این جور است،

اگر برسیم، یقیناً چندین برابر، شاید ده برابر، فواید و برکاتش بیش‌تر خواهد شد. این حالا نکته‌ی اول که من عرض می‌کنم.

من البته مطالبی را یادداشت کرده بودم که این‌جا با شما در میان بگذارم لیکن لزومی ندارد، وقت هم که البته نیست لیکن اگر وقت هم بود، خیلی دیگر لزومی نداشت، چون بسیاری از این مطالبی که در ذهن من بود، از زبان شماها گفته شد. این خیلی برای من جالب و زیباست که می‌بینم این مطالب در ذهن برادرها هست. من فقط دو سه مطلب کوتاه را که وقت هم خیلی نگذرد، عرض می‌کنم:

«چیستی فردای حوزه»؛ در گرو «چگونگی عملکرد امروز»

یکی این که حوزه به مثابه‌ی یک کل که دارای ابعاد و اجزایی است، یک موجود زنده است. یعنی رشد دارد، نُکس دارد، تحرک و نشاط دارد، جمود و رکود دارد، حیات دارد، ممانت دارد؛ یک موجود زنده است. دلیلش هم تاریخ حوزه‌های علمیه است. یک حوزه‌ی علمیه‌ای - مثلاً فرض کنید - مثل حوزه‌ی علمیه‌ی حله در قرن هفتم - حالا هفتم، اواخر ششم تا هفتم، تا اوایل هشتم هجری - یک حوزه‌ی پررونقی است. وقتی خواجه نصیر طوسی رفت حله، در آن جمعی از بزرگان علما که مجتمع بودند - آن‌طور که من در ذهنم هست - ظاهراً حدود بیست نفر، بیست و پنج نفر عالم بزرگ بودند که یکی از آن‌ها محقق حلی بود، یکی پدر علامه بود، یکی ابن سعید

صاحب جامع الشرایع بود، یحیی ابن سعید حلّی و از این قبیل. این حوزه‌ی حلّه است. حوزه‌ی حلّه امروز وجود ندارد. حوزه‌ی نجف یک روزی بود که بعد از آن رونق اولیه، رکود پیدا کرد. آدم معروفی، شخص برجسته‌ای در حوزه‌ی نجف نبود، بعد شاگردان وحید بهبهانی مثل بحرالعلوم و کاشف الغطاء و امثال این‌ها آمدند آن حوزه را آن چنان به رونق آوردند که به نظر من دو‌یست سال است که ضرب دست آن‌ها دارد حوزه‌ی نجف را پیش می‌برد. هنر فقهی و عمق کار آن‌ها، حوزه را بانشاط کرد و زنده کرد و همین طور زنده ماند بحمدالله تا دوران اخیر.

حوزه‌ی قم نبود؛ یک حوزه کم رنگ بی‌رونقی بود بعد از آن رونق اولیه‌ی عهد اسبق. حاج شیخ عبدالکریم حائری - رضوان الله تعالی علیه - آمد، حوزه جان گرفت، این جوری است حوزه‌ی علمیه. امروز را نگاه نکنید، فردایی وجود دارد، این فردا چگونه است؟ این را شما باید معین کنید، امروز باید معین کند.

نقش «آینده نگری»، در ایجاد «تحول» در وضع موجود

اگر امروز ارکان حوزه یعنی مدیران، صاحب نظران، اساتید، برجستگان همت بکنند، درست فکر کنند و برنامه ریزی کنند، حوزه بیست سال دیگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه‌ی نفوس، از حالا به مراتب بهتر خواهد بود. اگر حالا ما پیش بینی نکنیم، نه؛ هیچ معلوم

نیست حوزه‌ی قمی در آینده با همین عرض و طول فعلی هم وجود داشته باشد. بزرگانی، محققینی، علمای خوبی، فقهایی، فلاسفه‌ای از حوزه گرفته می‌شوند، می‌روند - نقصها من اطرافها - جای این‌ها باید شخصیت‌هایی رشد کنند، ببالند، جای این‌ها را پر کنند و بیش از آن چه که آن‌ها انجام دادند، انجام بدهند. اگر این کار شد، این «آینده نگری» انجام گرفت، فردا خوب خواهد بود. اگر این آینده نگری امروز در حوزه‌ی قم انجام نگیرد و به وضع موجود راضی باشیم؛ به همین که حالا حوزه را یک جوری اداره کنیم، به این اگر قناعت کنیم، فردا یا حوزه‌ای نداریم یا حوزه‌ای رو به انحطاط خواهیم داشت.

ما امروز داریم فکر روزی را می‌کنیم که کشور ما نفت نداشته باشد؛ انرژی، انرژی بدون نفت، کشوری که نفت ندارد، شاید در منابع دنیا هم نفت باقی نماند. دنیا دارد فکر انرژی آن روز را می‌کند. ما هم با این دردسرهایی که ملاحظه می‌کنید، ایستاده‌ایم برای این که آن آینده را، امروز تأمین کنیم. اگر نکنیم، آن روزی که نفت تمام می‌شود، ما نیستیم، اما اثر سوء این عمل ما آن روز خواهد بود. ما مسئول خواهیم بود.

«دنیای آینده»، کاملاً متفاوت با «دنیای امروز» در توسعه‌ی علمی

باید این فکر را در حوزه نهادینه کنید. هم مدیران حوزه، هم شورای عالی حوزه، هم بزرگان حوزه، هم حضرات مراجع باید این را

بدانند و به این توجه کنند که ما امروز باید به فکر حوزه‌ی قم یا اصفهان یا مشهد یا بقیه‌ی شهرها در بیست سال آینده باشیم، در سی سال آینده باشیم. سی سال آینده یعنی چه؟ یعنی دنیایی که احتمالاً هیچ شباهتی با امروز ندارد؛ از لحاظ امکان اثرگذاری، امکان تسخیر دل‌ها، امکان تسخیر سرزمین‌ها. بیست سال قبل این فناوری اطلاعات که این آقای عزیز به این خوبی آمدند این‌جا شرح دادند، وجود نداشت، چیزکی بود، امروز ببینید چه خبر است!

آن روز ما وقتی که فکر امروز را بکنیم، امروز در خلأ باقی نمی‌مانیم. امروز در هر خانه‌ای، در هر مدرسه‌ای، در هر گوشه‌ای، به قول یکی از آقایان شاید در هر روستایی اگر برویم، از فناوری اطلاعات یک چیزی آن‌جا مشاهده می‌کنیم. حوزه‌ی علمیه می‌خواهد عقب بماند؟ سی سال آینده را به همین قیاس کنید، البته با یک شتاب پیش‌تری. یعنی شتاب علم در این بیست سالی که گذشت، یقیناً به مراتب کمتر خواهد بود از شتاب علم و پیش‌رفت علم و فناوری در بیست سالی که پیش روی ماست، در سی سالی که پیش روی ماست.

آن روز ای بسا صاحبان افکار گوناگون، مکاتب گوناگون، نحله‌های منحرف، صاحبان اغراض فاسده بتوانند خیلی آسان کلاس‌های درس دانشگاه‌های شما را، مدرسه‌های شما را، فرزندان شما را در خانه‌هایتان در مشت بگیرند، در تصرف بگیرند، شما هم هیچ کار نتوانید بکنید. فکر آن روز را حوزه‌ی علمیه باید بکند. مسئول، حوزه علمیه است.

مسئول دینداری مردم، روحانیت است. روحانیت هم مولود و ساخته‌ی دست حوزه‌ی علمیه است. با این نگاه مسئولیت را بسنجید؛ این جوری توزین بکنیم مسئولیت را تا بفهمیم بر دوش ما، بار سنگینی که هست، چیست. این یک نکته؛ مسأله‌ی آینده نگری.

«تحول»، اجتناب ناپذیر و «مدیریت تحول»، عامل حیات و بالندگی

یک مسأله این است که تحول را مدیریت کنید. ببینید آقایان و خواهران عزیز! تحول اجتناب ناپذیر است. تحول، طبیعت و سنت آفرینش الهی است، این را بارها من مطرح کرده‌ام، گفته‌ام. تحول رخ خواهد داد. خوب، حالا یک واحدی را، یک موجودی را فرض کنیم که تن به تحول ندهد، از یکی از دو حال خارج نیست: یا خواهد مُرد یا منزوی خواهد شد یا در غوغای اوضاع تحول یافته مجال زندگی پیدا نمی‌کند، زیر دست و پا له می‌شود، از بین می‌رود یا اگر زنده بماند، منزوی خواهد شد. مثل همان انسان جنگلی که در روزنامه‌ی امروز یا دیروز - این یکی دو روزها - خواندیم؛ یک آدمی است چهل سال پیش، رفته در جنگل مازندران و یک ارتباط خیلی ضعیفی دارد با محیط بیرون خودش، منزوی می‌شود. می‌شود رفت، می‌شود از تحول دوری گزید اما با انزوا. اگر حوزه بخواند از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد، اگر نمیرد، اگر زنده بماند! البته مایه‌ی دین مانع مردن می‌شود اما منزوی خواهد شد، روزبه روز منزوی‌تر خواهد شد.

تحول حتمی است، منتها تحول دو طرف دارد: تحول در جهت صحیح و درست، تحول در جهت باطل و غلط. ما باید مدیریت کنیم که این تحول در جهت درست انجام بگیرد. این وظیفه‌ی مؤثرین در حوزه است. مدیران حوزه، فضایی حوزه، صاحب نظران حوزه باید همتشان این باشد. از تحول نباید گریخت.

«تحول»: یعنی به روز شدن «ساختارها» و تکامل «برنامه‌ها»

حالا آقایان بیان کردید در «شیوه‌ی آموزش»، در «شیوه‌ی پژوهش»، در «شیوه‌ی پذیرش»، در «کتاب درسی»؛ همه‌ی این‌ها تحول می‌خواهد. نگویند ده سال پیش، پانزده سال پیش لازم بود، این برنامه را نوشتیم. خیلی خوب، آن برنامه مال ده سال پیش بود، ببینید شکل تکمیل یافته‌ی این برنامه چیست؟ تحول یعنی این؛ یعنی به روز بودن، به هنگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن. البته حوزه‌های علمیه در برهه‌ی زمان معاصر به طور طبیعی کمی از زمان عقب ماندند. تقصیری هم البته متوجه کسی از این جهت نیست، چون پیدایش انقلاب و سرعت تحولاتی که ناشی از پیدایش این برق عظیم در جامعه بود، همه چیز را عقب نگه داشت. روشن فکری جامعه‌ی ما هم عقب است. دانشگاه‌های ما هم از آن‌چه که باید باشند، عقبند. حوزه علمیه هم عقب است؛ یعنی متناسب با تحول جامعه‌ی ما، این تحول عظیمی که پیدا شد در همه‌ی اطراف خودش و در سطوح گوناگون و تا اعماق زیادی تأثیر گذاشت،

از این تحول عقیم. حوزه یک مقداری عقب است لیکن می‌تواند با سرعت لازم و با جدیت این را جبران کند. تحول را باید پذیرفت و آن را باید مدیریت کرد. خیلی باید مراقب بود.

«استقلال مدارک حوزوی»: نمونه‌ای از مدیریت تحول

ببینید این‌جا صحبت مدرک شد. بنده جزء کسانی هستم که از اوایل بر روی «مدرک مستقل حوزه‌ای» تکیه کردم، الان هم اصرار دارم. مدرک خود حوزه با اعتبار خودش، نه به اعتبار وزارت علوم؛ چون اعتبار حوزه عمیق‌تر، ثابت‌تر و مهم‌تر از اعتبار هر وزارتی است. با اعتبار خودش، حوزه مدرک بدهد. حالا اسم مدرک را هر چه می‌خواهند بگذارند. بعضی از دوستان اعتراض کردند که چرا می‌گیرید از اسم دکترا و کارشناسی ارشد و اسمش را گذاشته‌اید سطح سه و سطح چهار، این‌ها را من بحثی ندارم. این‌ها را بنشینند بحث کنند، هر جور تصمیم گرفتند، همان درست است لیکن اصل مدرک را بنده قبول دارم، اما مدرک زدگی آفت مدرک است. طلبه برای مدرک درس بخواند، این عیب بزرگی است. این، همان خط میانه‌ی تحول است. این، مدیریت تحول در زمینه‌ی مدرک. مدرک بدهید، اما از مدرک‌گرایی و مدرک زدگی که ما همیشه آن را عیب تعلیمات جدید می‌دانستیم، پرهیز کنید. این یک نمونه است.

تغییر «محتوای آموزشی» با رویکرد درک مطلب

مسئله‌ی کتاب‌های درسی را که آقایان مطرح کردند، کاملاً درست است. بنده در قم - در یکی از سفرها، حالا درست یادم نیست که کی بود. یکی از آقایان گفتند ده سال است، من نمی‌دانم. من خیال می‌کردم سه چهار سال است - در جلسه‌ی فضلا بحث کتاب درسی و تغییرات کتاب درسی را مطرح کردیم، بلافاصله بازخوردش به من رسید، مخالفت‌ها! که البته این مخالفت‌ها از طرف من نادانسته هم نبود، می‌دانستم عده‌ای مخالفت می‌کنند با این قضیه. تغییر کتاب درسی لازم است، حتماً هم باید تغییر پیدا کند، در این هیچ شکی نیست. استدلالی که یکی از برادران ما این‌جا ذکر کردند، من یادداشت کردم، استدلال بسیار متینی است که اگر قرار بود ما کتاب درسی را عوض نکنیم، باید همان «معالم» را می‌خواندیم، دیگر «قوانین» چرا نوشته شد؟ «رسائل» چرا نوشته شد؟ «فصول» چرا نوشته شد؟ «کفایه» چرا نوشته شد؟ خوب، این درست است، الآن هم همین است. الآن هم بایستی حتماً کتاب درسی تغییر کند، بایستی کاری کرد که هم طلبه، فهمیدن مطلب باشد، نه فهمیدن عبارت. هیچ هنری نیست در این که ما عبارت را جوری مغلق بگیریم، یا اگر تعمداً هم مغلق نگیریم، بی‌مبالاتی کنیم که عبارت بشود مغلق، تا طلبه مبالغی وقتش صرف این کار بشود. این چه هنری است؟! این چه لطفی دارد؟! چه خیری در این نهفته است؟! نخیر، عبارت را آن‌چنان واضح بیان کنیم که آن کسی که استعداد

فهمیدن مطلب را دارد، راحت از عبارت، مطلب را بفهمد. استاد هم برای تفهیم عبارت دچار مشکل نشود و فقط مطلب را بیان کند. کفایه را تبدیل کنیم به کفایه‌ی جدید، چه اشکال دارد؟ مکاسب را که در آن شیوه‌ی شیخ در بیان مطلب، دائم آمد و رفت اجتهادی است؛ چون درس خارج شیخ انصاری است - مکاسب را دست کم نباید گرفت. حالا کی مثل شیخ انصاری است؟ این همه مکاسب نوشته‌اند. این درس خارج که حالا به صورت تدوین شده در آمده، خصوصیتش برای آن کسی که در درس خارج شیخ نشسته، خوب است، مطلب را دائم به این طرف بکشاند و به آن طرف بکشاند، دائم ابداع احتمال کند اما برای کسی که می‌خواهد فقه استدلالی را از روی متن یاد بگیرد، نه؛ خوب نیست؛ طلبه دچار مشکل است، مکاسب را تسهیل کنند. همان مطالب شیخ را بیاورند در یک کتاب دیگری، منتها سراسر است و روشن. تحقیق شیخ را در هر مسئله‌ای قشنگ بیان کنند، اما متعبد و مقید باشند به همان که شیخ بیان کرده، آن را بیان کنند در این کتاب جدید. این می‌شود مکاسب جدید، که لازم است. این عقیده‌ی من است. حالا ممکن است مسئولین حوزه و مدیران حوزه و بعضی از برجستگان حوزه نپسندند و این کار نشود اما یک روزی بدون تردید خواهد شد. خوب، این، این طرف قضیه.

لزوم حفظ «مایه‌ی علمی»، در هنگامه‌ی تحول آموزشی

آن طرف قضیه، گفتیم باید تحول مدیریت شود. باید توجه شود که مایه‌ی علمی رقیق نشود، سطح مطلب شیخ پایین نیاید، سطح مطلب آخوند در اصول پایین نیاید. طلبه در خلأ دانایی نسبت به این مبانی که امروز در فقه و اصول ما عناصر مهم و اثرگذاری هست، قرار نگیرد، طلبه در خلأ قرار نگیرد. عبارات، عبارات صحیح و خوب و عربی باشد. بنده بعضی از نوشتجات حوزه را که ملاحظه می‌کنم، از این جهت ما یک خرده‌ای کمبود داریم، نقص داریم. یک نوشته‌ی متین قرص و محکمی که در همه‌ی مجامع علمی اسلامی وقتی که رفت - چون به زبان عربی است، زبان علمی ما زبان عربی است و همه می‌توانند استفاده کنند - به عنوان یک اثر برجسته و ممتاز شناخته شود، ایراد لفظی و متنی و قلمی نداشته باشد. بنابراین تحول، ناگزیر است. حالا این یکی دو مورد از موارد تحول بود، موارد زیادی هست، بسیاری از آن‌ها را هم شما دوستان در بیاناتان گفتید که مورد تأیید من هم هست. باید این تحول، مدیریت بشود. این هم یک نکته است.

تکمیل حلقه‌ی «مدیریت»، در کنار فرآیند «برنامه ریزی راهبردی»

حالا در زمینه‌ی تشکیلات هم، نظراتی هست. دوستان البته پیشنهادهایی کردید؛ اساس نامه نوشته شود، نظام نامه نوشته شود؛ چشم انداز نوشته شود، در بیانات آقایان بود. همه‌اش هم خوب است، همه‌اش هم درست

است، منتها هیچ کدام از این‌ها بدون یک مدیریت کارآمد امکان پذیر نیست. کلید همه‌ی اقدام‌های مثبت سازمان یافته‌ی قابل انتظار نتیجه که آدم بتواند نتیجه را از آن‌ها انتظار ببرد، مدیریت است. ما باید مدیریت را در حوزه تکمیل کنیم.

خوب، خوش بختانه در این سال‌های اخیر بحث «شورای عالی مدیریت» و بحث «نهاد مدیریت» در حوزه مورد قبول قرار گرفت و اقدام شد و فواید و برکاتش را هم دارید می‌بینید. من امشب اطلاع پیدا کردم از بیانات آقایان، دوازده تا «انجمن تخصصی» در حوزه هست؛ انجمن علمی تخصصی. خیلی جالب است. بنده نمی‌دانستم این راه، انجمن علمی اقتصاد، انجمن علمی روان‌شناسی، انجمن علمی رجال، انجمن علمی تاریخ. البته بعضی‌هایش را می‌دانستیم. این، کار مدیریت است. اگر مدیریت نبود، چنین چیزی پیش نمی‌آمد لیکن به آن‌چه که تاکنون در زمینه‌ی «تشکیلات دهی و سازمان‌دهی» در حوزه انجام گرفته، مطلقاً نباید اکتفا کرد.

«سیاست گذاری و ترسیم چشم انداز»؛ دو وظیفه‌ی مهم مدیریت عالی

ما نواقصی داریم. اولاً شورای عالی - که نمی‌دانم آقایان «شورای عالی» تشریف دارند این‌جا یا نه؟ - باید به مسأله‌ی «سیاست گذاری» خیلی اهمیت بدهد. مهم‌ترین کار در مراحل اول و مراحل اصولی، سیاست گذاری است در حوزه‌های علمیه. این سیاست گذاری ابعاد

گوناگونی دارد. ما مگر نمی‌گوییم می‌خواهیم علم تولید بشود و پیش رفت کند، خوب کدام علم؟ معنای پیش رفت علم فقه چیست؟ معنای پیش رفت علم اصول مثلاً چیست؟ پیش رفت کند یعنی چه؟ سمت و سوی این پیش رفت به سوی چیست؟ این‌ها همه سؤال‌هایی است که پاسخ لازم دارد. سیاست‌هایی که در مرکز شورای عالی نهاده می‌شود، به این سؤال‌ها پاسخ می‌گوید؛ سیاست گذاری.

چشم انداز روشنی برای آینده‌ی حوزه‌ی علمیه باید ترسیم شود. همان طور که در مسائل کشور چشم انداز بیست ساله تدوین شد، بیا باید یک چشم انداز بیست ساله، ده ساله برای حوزه تشکیل بدهید. این کار شورای عالی حوزه‌ی علمیه است.

خوب، کی می‌تواند «شورای عالی» این کار را انجام بدهد؟ وقتی که افراد محترم «شورای عالی» برای این کار فرصت کافی بگذارند؛ متفرغ باشند؛ یعنی عضویت در «شورای عالی حوزه»، یک شأنی در کنار شؤن اصلی، به عنوان شأن فرعی نباشد. خوب شما ببینید یک دانشگاه مدیریتش، یا فرض کنید که دستگاه سیاست گذارش، چه جوری عمل می‌کنند؟ حوزه‌ی علمیه‌ی به این عظمت - حالا چه حوزه‌ی قم، چه حوزه‌ی مشهد، چه حوزه‌ی اصفهان - نمی‌تواند به صورت حاشیه‌ای اداره بشود. باید وقت بگذارند، این یک.

تقویت «کارشناسی خودکفای حوزوی»؛ بخشی از وظایف مدیریت عالی
دوم این که باید یک «بدنه‌ی کارشناسی» بسیار قوی داشته باشند. خوش بختانه در حوزه ما این بدنه‌ی کارشناسی را - همین شماها؛ آقایانی که امشب صحبت کردند و بسیاری دیگر از شماها که صحبت نکردید و شاید افراد زیادی در حوزه‌ی علمیه از این فضیلتی جوان و خوش فکر - داریم، این‌ها یقیناً یک بدنه‌ی کارشناسی خودکفا را تشکیل می‌دهند. ما از جهت مسائل حوزه‌ای، هیچ احتیاجی به کس دیگری نداریم و می‌توان از این فضلا استفاده کرد. البته این بدنه‌ی کارشناسی باید کار کنند، تلاش کنند. این‌ها یکی از کارهایی است که شورای عالی می‌تواند انجام بدهد.

تأسیس «شورای برنامه ریزی» آگاه از علم روز، از وظایف «نهاد مدیریت حوزه»
در زمینه‌ی تشکیلات حوزه و سازمان‌دهی حوزه و در کنار شورای عالی، مسأله‌ی «نهاد مدیریت حوزه» است، که بسیار مهم است. حتماً باید یک «شورای برنامه ریزی» برای حوزه وجود داشته باشد. همین‌که در بیانات آقایان هم بود که برنامه‌ها گاهی ناهمخوانند یا آن خواهران در زمینه‌ی برنامه‌های مربوط به خواهران گفتند که در سطوح مختلف، برنامه‌ها غیرمنعطف است. این کاملاً اشکالات واردی است. کی می‌تواند این اشکالات را برطرف کند؟ یک هیأت برنامه ریز واقف و آگاه از پیشرفت‌های برنامه ریزی مدرن.

امروز برنامه ریزی، یک کار علمی است؛ مثل بقیه‌ی کارهای علمی. یک هنر ذاتی و قریحه‌ای نیست فقط؛ اگر چه حالا آن هم بی‌تأثیر نیست، اما امروز یک کار علمی است. از کسانی که تخصص این کار را دارند، استفاده بشود، در همان بدنه‌ی کارشناسی حضور پیدا کنند، برنامه ریزی کنند.

«آمارگیری و نظام ارزش‌یابی»، از لوازم سازمان‌دهی

یکی از کارهایی که در سازمان‌دهی حوزه لازم است، آمارگیری است، که من اشاره‌ای کردم وسط صحبت دوستان. ما از «حوزه»، آمار درستی نداریم. به طریق اولی، آن‌وقت، از مجموعه‌ی روحانیت در کشور آمار درستی نداریم. تعداد روحانیون در کشور، حدود تحصیلی این‌ها، میزان فضل این‌ها، توانایی‌های تبلیغی این‌ها، تأثیرگذاری این‌ها در محیطشان، این‌ها چیزهایی است که اصلاً در آمارهای ما، در اطلاعات ما منعکس نیست. ما آمارگیری نداریم. آمارگیری هم یک دانش است. یکی از کارهایی که باید حتماً انجام بگیرد، سریع هم باید شروع بشود و چند سال هم طول خواهد کشید، اما برکاتش خیلی زیاد خواهد بود، همین مسأله‌ی آمارگیری است. از طلاب حوزه، از سطوحشان، از مقدار و اندازه‌ی درکشان از درسی که خوانده‌اند، پیش‌رفت تحصیلی شان، از این‌ها آمارگیری داشته باشیم، بدانیم زیردست مجموعه‌ی مدیریت حوزه چیست، با چی می‌خواهد کار کند. این کمبود را هم ما داریم که البته

آن‌وقت دنبال آمارگیری، نظام ارزش‌یابی پیش می‌آید؛ این هم یکی از چیزهایی است که در مسأله‌ی سازمان‌دهی عرض می‌کنیم.

لزوم «آزاداندیشی علمی» و فرهنگ سازی نسبت به آن

یکی از موضوعاتی که حتماً لازم است من عرض بکنم، مسأله‌ی آزاداندیشی است که در بعضی از صحبت‌های آقایان بود. چرا این کرسی‌های آزاداندیشی در قم تشکیل نمی‌شود؟ چه اشکالی دارد؟ حوزه‌های علمیه ما، همیشه مرکز و مهد آزاداندیشی علمی بوده و هنوز که هنوز است، ما افتخار می‌کنیم و نظیرش را نداریم در حوزه‌های درسی غیر حوزه‌ی علمیه، که شاگرد پای درس به استاد اشکال کند، پرخاش کند و استاد از او استشمام دشمنی و غرض و مرض نکند. طلبه آزادانه اشکال می‌کند، هیچ ملاحظه‌ی استاد را هم نمی‌کند. استاد هم مطلقاً از این رنج نمی‌برد و ناراحت نمی‌شود. این خیلی چیز مهمی است. خوب، این مال حوزه‌ی ماست. در حوزه‌های علمیه ما، بزرگانی وجود داشته‌اند که هم در فقه، سلیقه‌ها و مناهج گوناگونی را می‌پیمودند، هم در برخی از مسائل اصولی‌تر؛ فیلسوف بود، عارف بود، فقیه بود، این‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند، با هم کار می‌کردند، سابقه‌ی حوزه‌های ما این جوری است. یکی، یک مبنای علمی داشت، دیگری آن را قبول نداشت. اگر شرح حال بزرگان و علما را نگاه کنید، از این قبیل مشاهده می‌کنید.

مرحوم صاحب حدائق با مرحوم وحید بهبهانی، نقطه‌ی مقابل، هر دو در کربلا زندگی می‌کردند، معاصر، مباحثه هم می‌کردند با هم. یک شب در حرم مطهر سیدالشهدا (س) این‌ها سر یک مسأله‌ای شروع کردند بحث کردن، تا اذان صبح این دو نفر روحانی ایستاده - حالا وحید بهبهانی آن‌وقت نسبتاً جوان بوده، اما صاحب حدائق پیرمردی هم بوده - بحث کردند! مباحثه هم می‌کردند با هم، منازعه هم می‌کردند، اما هر دو هم بودند، هر دو هم درس می‌گفتند. من شنیدم که شاگردان وحید، که وحید تعصب شدیدی علیه اخباری‌ها داشت، مثل صاحب ریاض و بعضی دیگر از شاگردان وحید، می‌رفتند درس صاحب حدائق هم شرکت می‌کردند! این جوری بوده، ما تحمل را در حوزه باید بالا ببریم. خوب، یکی مشرب فلسفی دارد، یکی مشرب عرفانی دارد، یکی مشرب فقاهتی دارد، ممکن است هم دیگر را هم قبول نداشته باشند. من چند ماه پیش از این، در مشهد گفتم که مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی - رضوان الله تعالی علیه - مشرب ضدیت با فلسفه‌ی حکمت متعالیه (مشرب ملاصدرا) داشت، ایشان شدید، در این جهت خیلی غلیظ بود. امام - رضوان الله تعالی علیه - چکیده و زبده‌ی مکتب ملاصدراست؛ نه فقط در زمینه‌ی فلسفی اش، در زمینه‌ی عرفانی هم همین جور است. خوب، مرحوم آقا شیخ مجتبی نه فقط امام را قبول داشت، از امام ترویج می‌کرد تا وقتی زنده بود. ترویج هم از امام کرد؛ ایشان بلند شد از مشهد آمد قم، دیدن امام. مرحوم آقا

میرزا جواد آقای تهرانی در مشهد جزء برگزیدگان و زبندگان همان مکتب بود اما ایشان جبهه رفت. با تفسیر حمد امام که در تلویزیون پخش می‌شد، مخالف بودند، به خود من گفتند، هم ایشان، هم مرحوم آقای مروارید اما حمایت می‌کردند. از لحاظ مشرب و ممشا مخالف، اما از لحاظ تعامل سیاسی، اجتماعی، رفاقتی، با هم مأنوس؛ هم دیگر را تحمل می‌کردند. در قم باید این جوری باشد.

یک نفری نظر فقهی می‌دهد، نظر شاذی است. خیلی خوب، قبول ندارید، کرسی نظریه پردازی تشکیل بشود و مباحثه بشود؛ پنج نفر، ده نفر فاضل بیانند این نظر فقهی را رد کنند با استدلال، اشکال ندارد. نظر فلسفی‌ای داده می‌شود همین جور، نظر معارفی و کلامی‌ای داده می‌شود همین جور. مسأله‌ی تکفیر و رمی و این حرف‌ها را بایستی از حوزه ورا نداشت، آن هم در داخل حوزه نسبت به علمای برجسته و بزرگ، یک گوشه‌ای از حرفشان با نظر بنده‌ی حقیر مخالف است، بنده دهن باز کنم رمی کنم! نمی‌شود این جوری. این را باید از خود داخل طلبه‌ها شروع کنید. این یک چیزی است که جز از طریق خود طلبه‌ها و تشکیل کرسی‌های مباحثه و مناظره و همان نهضت آزادفکری و آزاداندیشی که عرض کردیم، ممکن نیست. این را عرف کنید در حوزه‌ی علمیه؛ در مجلات، در نوشته‌ها گفته شود. یک حرف فقهی یک نفر می‌زند، یک نفر رساله‌ای بنویسد در رد او، کسی او را قبول

ندارد، رساله‌ای در ردّ او بنویسید. بنویسند، اشکال ندارد، با هم بحث علمی بکنند. بحث علمی به نظر من خوب است.

ملاحظه‌ی منزلت اجتماعی فضلا و تشکیل «هیأت‌های علمی» در سطوح مختلف

یکی هم مسأله‌ی منزلت اجتماعی فضلا و اساتید است که این هم جزو مشکلات ماست. حالا یک پیشنهادی بعضی از دوستان کردند که حالا من مطرح می‌کنم و آن این که هیأت علمی در قم تشکیل شود؛ یعنی هیأت‌های علمی برای سطوح مختلف، برای رشته‌های مختلف رسمیت پیدا کنند که یک نفری به یک حدی که رسید، از یک آزمونی که عبور کرد، جزء هیأت علمی قم بشود، این یک عنوانی باشد. البته شبیه این را بنده چند سال قبل از این به آقایان محترم جامعه‌ی مدرسین عرض کردم که یک مقداری دامنه را وسیع بگیرند، که به آن شکلی که مورد نظر بود، ظاهراً عملی نبود و تحقق پیدا نکرد اما حالا به این شکل مطرح است.

به هر حال کار در حوزه زیاد شده. آنچه که باید بشود یا تا حالا نشده و می‌بایست می‌شده، یا اگر هم مال گذشته نیست، از حالا به بعد باید بشود، صد برابر آن کارهایی است که ما تا حالا در حوزه کردیم و این صد برابر را می‌شود انجام داد؛ به شرطی که شماها حضور داشته باشید، دامن همت به کمر بزنید، شما وارد میدان باشید، هر کدامی در

هر بخشی که نظر دارید و تخصص دارید، در آن بخش کار کنید و ان شاء الله مجموعه‌ی مدیریت از نیروی شما استفاده کند.

من حالا این پیشنهادها را، بعضی‌هایش را که یادداشت کردم لیکن مجموعه‌ی این‌ها هم ثبت شد، ضبط شد. به نظرم می‌رسد که خیلی خوب است، شاید هم لازم باشد که مجموعه‌ی این حرف‌هایی را که این‌جا زده شد، تدوین کنند و به صورت یک کتاب در بیاورند، منتشر کنند. این به نظرم کار خیلی مناسبی است. حالا آدم دلش می‌خواهد که این‌ها در تلویزیون پخش شود اما چون با ضرورت‌ها و امکانات و این‌ها خیلی بنده آشنا نیستم، نمی‌دانم که چه قدر آن کار عملی است، آن را نمی‌گویم، آن هم اگر بشود، خوب است لیکن حداقلش این است که مجموعه‌ی دوستان ما - چه در دفتر این‌جا، چه دوستانی که با دفتر مرتبطند در قم - بنشینند همین حرف‌ها را استخراج کنند، ویراستاری کنند و همین‌ها را پخش کنند. خود این‌ها خیلی فواید و برکاتی خواهد داشت، این خوب است.

لزوم انتقال تجارب «مدیران مدارس» به یکدیگر

از جمله‌ی پیشنهادهایی که شد و من خوشم می‌آید و می‌پسندم، این است که مدیران مدارس از سرتاسر کشور - مدارس حوزه‌های علمیه - سمیناری تشکیل بدهند، دور هم جمع بشوند، تجربیات را منتقل کنند، این‌ها خیلی خوب است.

«تعامل حوزه و نظام اسلامی» در گرو مدیریت تحول

از جمله کارهایی که به نظر من خیلی خوب است، مقداری توقعات از دولت اسلامی و نظام اسلامی مطرح شد با شکل‌های مختلف، خوب بعضی از این‌ها البته الآن هیچ عملی نیست، تا وقتی که حوزه، آن مرکزیت منسجم را پیدا نکند؛ یعنی حوزه سازمان‌دهی‌اش جوری باشد که آن مرکزیت مدیر و متفکر و مسلط بر امور و مورد اعتماد همه، ان شاء الله تکمیل بشود و شکل بگیرد، بعد می‌شود با او انسان تعامل کند، چون خیلی از این پیشنهادهایی که شد، احتیاج دارد به ظرفیت‌ها و امکانات حوزه. فرض کنید ببیند از فضایی حوزه استفاده کنند، از افکار حوزه استفاده کنند، خوب، با کی، کجا، چه جوری؟ و باید کار بشود، در حوزه باید کار بشود ان شاء الله، که البته نتایج آن به آن‌جاها خواهد رسید و نظام اسلامی موظف است که از حوزه استفاده کند و این تعامل را داشته باشد لیکن بخشی از تعامل‌هایی که ذکر شد، الآن هم عملی است و ممکن است.

لزوم تأسیس «مؤسسه‌ی آموزشی تبلیغات بین الملل»

یکی از پیشنهادهایی که آقایان کردید و من می‌پسندم، تشکیل یک مؤسسه‌ی آموزشی است برای تبلیغات بین المللی. البته این را بنده اگر بخواهم درست به یاد بیاورم، شاید حدود چهارده پانزده سال قبل مطرح کردم. در آن وقت یکی از آقایان بزرگان حوزه که امروز بحمدالله

حیات بابرکشان ادامه دارد، یک بیماری‌ای پیدا کردند، رفتند خارج از کشور - یکی از کشورهای اروپایی - برای معالجه. در آن‌جا جوان‌ها و دانشجویها و ایرانی‌ها به ایشان مراجعه کردند که آقا مثلاً بیایید این‌جا در فلان جلسه صحبت کنید، بیایید فلان‌جا سخن رانی کنید. یک ماه یا بیش‌تر این آقای بزرگوار و محترم را نگه داشتند و ایشان نیازها را دید. بعد که ایشان آمدند این‌جا، از من وقت ملاقات خواستند و آمدند ملاقات کردند با من و اوقات تلخی با من، که آقا چرا شما به این نیازها جواب نمی‌دهید؟ چرا پاسخ نمی‌دهید؟ این همه نیاز هست. من گفتم حالا ما یک کارهایی البته کرده‌ایم اما دست ما هم خالی است، حالا الآن این گوی و این میدان. شما بروید در قم یک مدرسه برای تربیت مبلغین دینی برای دنیای خارج از ایران برنامه ریزی کنید و «علی نفقه عیاله» - همین جور گفتم - خرجش با من، هزینه‌هایش را من، همه را متحمل می‌شوم. مدرسه‌اش را شما بسازید. من که نمی‌توانم بیایم قم، مدرسه درست کنم! ایشان رفتند و یک مدتی هم تلاش کردند و به نظرم یک اطلاعیه‌ای هم در قم داده شد که کسی که می‌خواهد شرکت کند، بیاید این‌جا و بعد هم فراموش شد! تا حالا هم فراموش شده است. این کار را نکنید. این کار بسیار کار خوبی است؛ کار لازمی است.

اهمیت منبر و تربیت مبلغ

در زمینه‌ی منبر هم که آقایان گفتند، این از آن حرف‌های همیشگی بنده است. جزء ترجیح بندهای همیشگی حرف ما، همین مسأله‌ی تجلیل و تعظیم منبر است و اهمیت منبر و تربیت مبلغ. خیلی خوب، این گوی و این میدان. بروید مشغول بشوید، برنامه ریزی کنید، کار را شروع کنید، برنامه‌ی محکم و متقنی برایش درست کنید، شروع کنید. البته مشکلات خیلی زیاد دارد، حالا وارد کار که شدید، با مشکلات یواش یواش آقایان آشنا می‌شوند ولیکن من معتقدم از همه‌ی این مشکلات، شما می‌توانید با نیروی جوانی و با نیروی عزم و اراده و با ایمانی که دارید، عبور کنید.

پروردگارا! این جلسه‌ی ما را دارای خیر و برکت برای اسلام و مسلمین و روحانیت قرار بده. آنچه که گفتیم، آنچه شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده.

پروردگارا! ما را بر آنچه که از ما سؤال خواهی کرد - «و استعملنی بما تسألنی غداً عنه» - در قیامت، موفق و قادر بگردان.

پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان که همه‌ی این توفیقات و امکاناتی که وجود دارد، مرهون خون مطهر آنها و مجاهدت‌های دلیرانه‌ی آنها و فداکاری‌های آنهاست و روح مطهر امام بزرگوار را با اولیای خودت محشور کن و از ما راضی کن.

والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته

نمودار تحلیل مفهومی^۱

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری - مدظله - در سال ۱۳۸۶

تعریف تحول

به روز شدن «ساختارها» و تکامل «برنامه‌ها».

گستره‌ی تحول

تمامی دانش‌ها، ساختارها، برنامه‌ها و محصولات (در معنای عام کلمه).

دکترین تحول

حضور در «دنیای آینده» با ویژگی‌هایی کاملاً متفاوت با «دنیای امروز» (به‌ویژه در عرصه دانش‌ها) و نرخ شتاب بیشتر.

۱. شایان ذکر است معدودی از مفاد این تحلیل مفهومی، برگرفته از دیگر سخنان مقام معظم رهبری - مدظله العالی - در مواضع مختلف است که با هدف تکمیل و شفاف‌سازی محتوایی، در این جا مورد استفاده قرار گرفته است.

- ۱- «آینده نگری» و ترسیم «فردای حوزه» با استفاده از الگوهای کارآمد در حوزه‌ی «برنامه ریزی راهبردی».
- ۲- تکمیل حلقه‌ی «مدیریت» با رویکرد «تحول خواهی» و تعریف یا بازتعریف فرآیند «برنامه ریزی راهبردی» در حوزه.
- ۳- تبیین «سیاست‌های نوین و روز آمد»، متناسب با جایگاه حوزه در هر یک از مقاطع فرآیند تحول.
- ۴- اعمال «سازماندهی» پویا و منعطف در عرصه‌ی «نیروی انسانی».
- ۵- ایجاد دگرگونی هدفمند در بخش‌های اصلی «تهذیب، پژوهش، آموزش و تبلیغ».
- ۶- ایجاد دگرگونی هدفمند در بخش‌های پشتیبان «مدیریت، اطلاع رسانی، ارتباطات، اداری - مالی و...».
- ۷- بازتعریف سازوکار ارتباط ارگانیک و تعامل مستمر «حوزه و نظام اسلامی» در تمامی زمینه‌های مورد علاقه و ضروری.
- ۸- نوسازی «نهاد مدیریت حوزه» در دو سطح «عالی» و «عملیاتی».

راهبردها و راهکارهای مدیریت

- ۱- تغییر «محتوای آموزشی» با رویکرد درک عمیق مطالب (و نه فهم ظاهری عبارات) در عین حفظ «مایه‌ی علمی» تراث موجود.
- ۲- اعطای «مدارک مستقل حوزوی» بدون ترویج فرهنگ «مدرک گرایی» در حوزویان.
- ۳- ترسیم «چشم انداز» تحول حوزه و تبیین «سیاست‌های کلان».
- ۴- تأسیس «شورای برنامه ریزی» توانمند و آشنا با الگوهای کارآمد در برنامه ریزی راهبردی.
- ۵- تقویت بخش «آمارگیری» و نظام «ارزشیابی»، به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت تحول در حوزه.
- ۶- برگزاری و تقویت کرسی‌های نظریه پردازی و دیگر ابزارهای ترویج فرهنگ «آزاداندیشی علمی» در حوزه.
- ۷- تشکیل «هیأت‌های علمی» از فضلالی جوان و ارتقای منزلت اجتماعی ایشان در جامعه تخصصی.
- ۸- برگزاری هم اندیشی «مدیران مدارس» جهت تسریع در انتقال تجارب و توسعه همفکری.
- ۹- تأسیس «مؤسسه‌ی آموزشی تبلیغات بین الملل» جهت حضور مؤثرتر مبلغان دینی در عرصه‌ی جهانی.

برنامه‌های مدیریت

فصل سوم

دیدگاه‌های جمعی از فضلاء حوزه

در دیدار مقام معظم رهبری

(آذر ماه ۱۳۸۶)

پیرامون «تحول در بخش‌های مختلف حوزه‌های علمیه»

نیازهای آینده، تخصص گرایی و اصلاح متون درسی

(حجت الاسلام والمسلمین حسینی خراسانی)

با تشکر فراوان از محضر مبارک رهبر فرزانه و عزیز انقلاب. در این فرصت پراهمیت، درباره‌ی حوزه‌های علمیه، که امروز در حوزه‌ی سرافراز و سربلند علمیه قم تجلی یافته است، در دو محور قابلیت‌ها و بنیادهای نظری فقه، که اصل و اساس حوزه است، مطالبی را به اختصار تقدیم می‌کنم.

فقه اسلامی؛ پاسخ‌گوی نیازهای آینده

حوزه‌ی علمیه دارای ذخایر، مفاخر، نیروهای خلاق و توانمند فراوانی است که حضور جوانان پرنشاط، بانگیزه و سرشار از استعدادهای درخشان و بسا دارای نبوغ، در آن قابل توجه است. فضای پرنشاط علمی - پژوهشی حوزه، یادآور حوزه‌ی علمیه عصر امام صادق(ع) است که حسن بن علی و شاء، از اعیان طائفه می‌گوید: «رأیت فی هذا المسجد تسع مائة شیخ کل یقول حدیثی جعفر بن محمد(ع)». این نوید آینده‌ای

بس درخشان است. خدمات حوزه به مکتب، ملت و نظام اسلامی به راستی ستودنی است.

و اما بنیادهای نظری فقه و سیستم فقهی ما، که عهده دار مدیریت زندگی در همه عرصه‌هاست، دارای دو قابلیت انحصاری در دو رتبه‌ی علمی و معلولی است؛ یکی آن که در منابع فقه اسلامی با نگاه مدرسه امام صادق(ع) خلأ قانونی بی‌معناست، چرا که در هر فرض، نصی معتبر وجود دارد. دیگر آن که در سیستم فقهی ما پرسش و استفتای بی‌پاسخ، فرض ندارد. حکم هر پدیده‌ی نوظهور با دلیل اجتهادی یا با اصل و قاعده فقهی قابل پاسخ است.

لازمه‌ی عینیت یافتن این قابلیت‌ها در سطحی که حوزه، پاسخ‌گوی همه نیازها باشد، و به بیان متقن و محکم امام راحل - ره - نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را در دست داشته باشد و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، آماده عکس‌العمل مناسب باشد، داشتن طرح و برنامه‌ی سازمان یافته و کارشناسی شده است. گرچه تلاش و خدمات انجام گرفته و در حال انجام در زمینه‌های مختلف شایان توجه و تقدیر است لکن آن همه برای این همه کافی نیست.

اینک اشاره به دو راهبرد و یک پیشنهاد:

تخصص‌گرایی و اصلاح متون درسی

نخست، جدی گرفتن طرح تخصصی شدن رشته‌ها، با لحاظ همه شرایط از جمله، حوزه فقه با توجه به ملزومات و الزامات آن و دوم، بازبینی، بازسازی و یا جای‌گزینی متون آموزشی با هدایت و حمایت مراجع عظام، اساتید و مدرسان عزیز حوزه - دامت برکاتهم.

بدیهی است که متون فعلی آموزشی به ویژه در سطح عالی و نیز پدیدآورندگان آن، جزو سرمایه‌های عظیم فکری و علمی حوزه محسوب می‌شوند و همواره محل مراجعه و استفاده بوده و خواهند بود ولی اگر این متون موجود را نهایت فکر، پایان کار و غیرقابل عبور بدانیم، خلاف جوهره‌ی همواره متحول و متکامل حوزه است. اگر سلف صالح ما چنین فکر کرده بودند ما امروز مثلاً پس از معالم، قوانین و ریاض و کتاب‌های عمیق‌تر، دقیق‌تر و فنی‌تری مانند رسائل و مکاسب و کفایه نداشتیم. بنابراین راه هم چنان باز است و باید باز باشد.

اختصاص سهم بیشتر به قرآن

اما یک پیشنهاد در باره‌ی قرآن عزیز که همواره در حوزه‌های علمیه حضوری جدی داشته است، «مُقنعه» به عنوان نخستین کتاب فقه موجود شیعه از ابتدا تا انتها مصدر و مزین به آیات قرآن است.

«فقه القرآن» راوندی به راستی دیدنی و خواندنی است. همه فرزندان فقیه پرهیزگاری مثل سیدبن طاووس، در شرایطی که به حد تکلیف نرسیده‌اند حافظ قرآن‌اند.

امروز نیز تفسیر، علوم قرآن، حفظ قرآن، آیات الاحکام و فقه القرآن با همه برکاتش در جریان است و لکن جایگاه بلند قرآن عزیز سهم بیش‌تری از فرصت حوزه را می‌طلبد.

با آرزوی اعتلای همه جانبه حوزه‌های علمیه و سیادت و سربلندی ملت و نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی.

وحدت و تعامل حوزه و دانشگاه

(حجت الاسلام والمسلمین آذر بایجانی)

با کسب اجازه از محضر شریف حضرت عالی و عرض ارادت خالصانه، نکاتی را در موضوع ارتباط حوزه و دانشگاه تقدیم می‌کنم. این بحث دارای ابعاد مختلفی است که فقط به دو محور اساسی آن اشاره می‌کنم.

عملیاتی شدن وحدت حوزه و دانشگاه

محور اول، وحدت حوزه و دانشگاه است. با توجه به جایگاه مهم حوزه و دانشگاه به عنوان مولدان علم و حاملان اصلی فرهنگ جامعه، دو پیشنهاد مشخص وجود دارد:

متأسفانه وحدت حوزه و دانشگاه هنوز متولی جدی ندارد. برای این که این پروژه دنبال شود، پیشنهاد می‌شود وحدت حوزه و دانشگاه از برنامه‌های استراتژیک نظام تلقی گردد و با یک نگاه فرابخشی در ساختار کلان نظام و متناسب با ابعاد مختلف معرفتی، پژوهشی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و عملیاتی شود و نهادهای مربوط، شناسایی و در جهت نیل به این اهداف موظف گردند.

تفکیک قلمرو وحدت و تعامل

دوم این که ما باید قلمرو وحدت را از تعامل تفکیک کنیم. وحدت حوزه و دانشگاه، در وحدت مبانی و غایات که در حقیقت، پیش فرض‌ها و جهت‌گیری علوم را برعهده دارند، بهتر قابل وصول است. حوزه و دانشگاه از جهت مبانی، متعلق به یک فرهنگ‌اند و از جهت غایات نیز برای پیش‌رفت و کمال یک جامعه تلاش می‌کنند. بنابراین، وحدت باید در این بخش متمرکز شود.

اما در سطوح میانی، که بدنه علم را تشکیل می‌دهد، راهبرد علمی، تعامل و گفت‌وگو میان حوزه و دانشگاه است، چون علم در حقیقت، جای کثرت و اختلاف است. نظریه پردازی و جنبش نرم‌افزاری هم، در این قسمت است که قابل تصور است و به‌ویژه تعامل نخبگان حوزه و دانشگاه در این بخش می‌تواند مثمر ثمر شود. این مهم، مستلزم توجه بیش‌تر به فضای آزاداندیشی در محیط‌های علمی است.

راه‌های اصلاح جایگاه علوم انسانی

محور دوم در بحث حوزه و دانشگاه، مقوله علوم انسانی است. برخلاف علوم اسلامی که عمدتاً متولی آن حوزه است و علوم طبیعی که دانشگاه متولی آن است، علوم انسانی، قلمرو مشترک مساعی علمی حوزه و دانشگاه است و برای ارتقای جایگاه علوم انسانی در نظام علمی و مدیریتی کشور اهتمام بیش‌تری لازم است.

پیشنهادهایی که من تقدیم می‌کنم پیشنهادهایی جزئی و در حقیقت، راهبردی است و در اصلاح جایگاه علوم انسانی به ما کمک می‌کند:

۱. به رسمیت شناختن علوم انسانی برای پاسخ‌گویی به مشکلات مربوط به اداره جامعه. ما هنوز علوم انسانی را متولی و متعهد برای رفع مشکلات جامعه نکرده‌ایم.

۲. مطالعات میدانی علمی برای مسأله‌یابی و گره‌گشایی از تنگناهای

اجتماعی به روش علمی حل مسائل.

۳. اتکای مدیریتی و اجرایی کشور بر این مطالعات علمی و میدانی

به صورت عینی. ما معتقدیم که تقاضا و مطالبات، برانگیزاننده عرضه علم است. اگر تقاضا جدی شود، عرضه علم هم به صورت دانایی محور پیش رفت خواهد کرد. در این مسیر، به طور طبیعی به بومی سازی نیاز داریم؛ یعنی در پاسخ‌گویی به مسائل، آخرین یافته‌های علمی را اقتباس کنیم و متناسب با فرهنگ عینی جامعه خود به یافتن راه حل‌ها پردازیم.

متأسفانه در علوم انسانی امروز، به‌ویژه علمی مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد و بعضی از علوم مشابه، حتی پرسش‌هایی که در تحصیلات تکمیلی به عنوان تحقیقات عرضه می‌شود، پرسش‌های جامعه ما نیستند. این است که دانش، کمتر به سمت حل مسائل پیش می‌رود.

۴. آخرین نکته این که تحقق هویت اسلامی، که در سند چشم‌انداز بر آن تأکید شده، بدون بومی سازی علوم انسانی در بافت فرهنگ اسلامی عینیت پیدا نمی‌کند.

پیشنهاد مشخص این است که حوزه، همان‌گونه که متکفل فقه شریف و عظیم است، باید به کلام و اخلاق هم توجه کند. افزون بر این باید علوم انسانی را هم در کانون توجه قرار دهد؛ به این صورت که ما به علوم انسانی، هویت بخشی کنیم که از متن حوزه و معارف اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

راه کار ارتقای تعامل حوزه و نظام اسلامی

(حجت الاسلام والمسلمین الهی خراسانی)

با سلام و تحیت به محضر جناب عالی و فرزندان حاضر
تردید نیست که فضای عطرآگین جمهوری اسلامی برای حوزه‌ها، آزادی و امنیت و برای تحقیقات و تبلیغات دینی، توسعه و پویایی به ارمغان آورده است و هم زمان بر تلاش و خدمت اجتماعی حوزویان، از تعاون و امداد و سازندگی تا جهاد و شهادت و از فرهنگ و هنر تا

مبارزه و سیاست افزوده است و نظام را از پشتوانه نظری و حمایت معنوی و همکاری دانش‌آموختگان آن برخوردار ساخته است اما دستیابی به حداکثر ظرفیت هم‌آهنگی و همکاری میان حوزه و نظام در سطحی فراتر از سطح کنونی، بایسته‌هایی را هم در درون حوزه‌های علمیه و هم در فضای عمومی و حاکمیتی کشور می‌طلبد که به لحاظ محدودیت وقت تنها به بیان پنج بایستگی بسنده می‌کنم:

به رسمیت شناختن هویت مستقل علمی حوزه

حوزه‌های علمیه با این غنای علمی و سنت‌های آموزشی کارآمدش که آرزوی بسیاری از نهادهای آموزشی است و دانش‌آموختگان مؤثرش که از قله‌های رفیع علم و اجتهاد تا دامنه تبلیغ و خدمات دینی را پیموده‌اند، در ذهنیت برخی دستگاه‌ها و مدیران کشور جدی گرفته نمی‌شود. در حالی که از اقشار و اصناف دیگر، ده‌ها گزارش و فیلم مستند در صدا و سیما کشور به نمایش در می‌آید، از معرفی حوزه و روحانیت و رسالت و ظرفیت و توانمندی آن تقریباً خبری نیست!

این چنین است که هنوز بخشی مهم از جامعه، حوزه‌ها را نهادی صرفاً ترویجی، آن هم از نوع کهنه می‌پندارند و از واقعیت موجود حوزه‌ها به عنوان مجموعه‌ای از صدها نهاد آموزشی، پژوهشی و فرهنگی که دانش‌آموختگان آن‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی علم و فرهنگ، حضور گسترده و مؤثر دارند و آثار علمی و تولیدات

فرهنگی و محصولات رسانه‌ای بی‌شماری در قالب‌های متنوع عرضه می‌کنند، کمتر باخبرند. هنوز نمایندگان حوزه و حوزویان به عنوان شخصیت حقوقی در بیش‌تر هسته‌های تصمیم‌سازی علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور غایبند.

در آمار رسمی وضعیت علمی کشور، انجمن‌های علمی و محققان حوزوی در آمار پژوهش‌گران به شمار نمی‌آیند و آثار آن‌ها، که بارها حائز رتبه‌ها و جوایز ملی و بین‌المللی شده‌اند، تنها در صورتی که توسط مراکز دانشگاهی منتشر شوند، در فهرست آثار و مقالات علمی گزارش می‌شوند.

مجتهدان عالی رتبه، مدرسان و محققان ارشد حوزوی برای ثبت پژوهش‌کده یا نشریات علمی - تخصصی، واجد صلاحیت تشخیص داده نمی‌شوند و هنوز مانند چند دهه‌ی قبل، برخی مراکز آموزشی غیرحوزوی، مرجع تأیید علمی نخبگان حوزه‌هایی هستند که با چندین قرن سابقه و کارنامه درخشان، پرورش صدها مجتهد و مفسر و متکلم را عهده دار بوده و هستند.

در چنین شرایطی نمی‌توان افزایش جدی حضور حوزه در عرصه‌های علم و فرهنگ را انتظار داشت و به اقبال وافی داوطلبان و تعداد کافی دانش‌آموختگان حوزه برای عرصه‌های مورد نیاز جامعه و نظام امید بست.

پیشنهاد بازتعریف جایگاه حوزه در برنامه ریزی علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مراکز تصمیم گیری و فرایندی توسط شورایی مرکب از نمایندگان رهبری، قوای سه گانه و حوزه‌های علمیه با کارگروه‌های تخصصی را دارم. هم چنین تدوین طرح‌ها و لوایح لازم توسط دولت و مجلس با مشاوره حوزه‌ها جهت رفع نواقص ضوابط و اصلاح دامنه آمار و تسهیلات و توصیه‌ی جدی به نهادهای اطلاع رسانی و آموزشی عمومی کشور برای معرفی بایسته حوزه را پیشنهاد می‌کنم.

مرجعیت رسمی حوزه‌ها در عرصه معارف اسلامی

دستیابی ایران به توسعه دانایی محور در چشم انداز بیست ساله، مستلزم تخصص گرایی در پیشبرد و نظارت محورهای توسعه است. همان طور که شورای عالی نظام پزشکی، مرجع اعتبار آموزشی، معیار سنجش تخصص و اعتبار مجموعه‌ها و ارزیاب مدعیان پزشکی است و شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرجع فعالیت‌های آموزش عالی و پژوهش‌های تخصصی در رشته‌های علوم انسانی است، آیا در عرصه علوم و معارف اسلامی، حوزه‌های علمیه به عنوان غنی‌ترین مرکز علمی این عرصه مرجع رسمی شمرده می‌شوند؟ آیا برای تأسیس مراکز و رشته‌ها یا تأیید سرفصل‌های علوم و معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش یا تأیید صلاحیت علمی داوطلبان تدریس و پژوهش، از حوزه استفسار و یا مشورت می‌شود؟

پیشنهاد می‌کنم شورای عالی علوم و معارف اسلامی و کمیسیون‌های ذی‌ربط، توسط حوزه‌ها و با تصویب و نظارت مرجعیت تشکیل شود.

اتخاذ راهبردهای عملی برای تعامل

بیش‌تر دستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که از حوزه‌ها مطالبه یاری می‌کنند، عملاً ظرفیت جذب خدمات علمی و فرهنگی حوزه را در ساختار و برنامه خود منظور نکرده‌اند. نتیجه‌ی چنین وضعیتی خلأ در برنامه‌های تربیت نیروی انسانی در عرصه‌های فرهنگ دینی کشور یا تحمیل یک جانبه هزینه‌های سنگین انسانی و مالی به حوزه‌های علمیه، بدون تضمین تأثیر جدی بوده است.

پیشنهاد می‌شود تفاهم‌نامه‌های مشخص میان حوزه‌های علمیه و دستگاه‌های متقاضی دریافت خدمات حوزه تعریف شود و نقش حوزویان در نهادهای وابسته به نظام، توسط کمیته‌های مشترک میان نمایندگان حوزه و دستگاه‌ها تعیین گردد.

تمرکززدایی در ارتباط دستگاه‌های نظام با حوزه

اگر چه در کشور علاوه بر حوزه‌ی علمیه‌ی فاخر و با شکوه قم، چند حوزه‌ی علمیه متمایز دیگر مانند حوزه‌ی علمیه مشهد نیز به رسمیت شناخته شده‌اند، اما عملاً ارتباط دستگاه‌های نظام، بر حوزه‌ی علمیه قم محصور مانده است. در حالی که نوع خدمات مورد انتظار و

جغرافیای دستگاه‌های خدمت‌گیرنده، تفاهم و تعامل با حوزه‌های دیگر را نیز می‌طلبد. وضع فعلی، سبب محدودیت توسعه میدان دیگرحوزه‌ها و انحصار عوامل تحرک و پویایی آن‌ها به فرصت‌های درونی شده است.

پیشنهاد توصیه به شمول‌گرایی دستگاه‌ها در ارتباط با حوزه و افزایش هم‌آهنگی درونی حوزه‌ها برای توزیع بایسته و تعاملات شایسته را دارم.

تدوین نظام نامه جامع حوزه‌های علمیه

با وجود تحولات تحسین‌برانگیز حوزه، به دلیل عدم تدوین نظام جامع و مورد تفاهم همه‌ی حوزه‌های علمیه، هنوز هم عدم توازن در کارکردهای آموزشی، ناهم‌آهنگی در تنظیم فرایندهای آموزشی با نیازهای جامعه و تحمیل وقت و هزینه مالی و انسانی مضاعف به نهادهای حوزوی جهت جبران کاستی‌های مرسوم و پرورش فرهیختگان وجود دارد. پیشنهاد می‌شود دبیرخانه‌ای مستقل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم تشکیل شود که با فراخوان وسیع و مشارکت نخبگان حوزه‌های علمیه کشور این نظام نامه تدوین گردد.

امیدواریم به توصیه و ارشاد حضرت عالی زمینه‌های لازم برای حداکثر تعامل و همکاری متقابل میان حوزه و نظام اسلامی بیش از پیش فراهم آید و شاهد افزایش حضور و تعاون حوزه‌های علمیه در

شکوفایی و تعالی روزافزون جامعه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشیم.

بایستگی‌های تبلیغ دین و منبر

(حجت الاسلام والمسلمین رفیعی)

جهان امروز، جهان تبلیغ و ارتباطات است. تأثیر رویایی اندیشه‌ها و افکار، به مراتب بیش از تأثیر سلاح‌های نظامی است. اگر شلیک یک بمب یا سلاح شیمیایی هزاران نفر را مسموم و نابود می‌کند، یک دروغ یا تبلیغ کاذب، میلیون‌ها اندیشه و فکر را دچار مسمومیت می‌کند.

امام راحل - ره - می‌فرمودند: «سلاح تبلیغات برنده‌تر از سلاح جنگی است». حضرت عالی استحضار دارید که در میان ابزار گسترده تبلیغ، رسانه‌ی دیرینه، سنتی و کهن «منبر» هم‌چنان اصالت، قداست و جایگاه خود را حفظ نموده است. توده مردم، باورها و معارف دینی خود را بیش‌تر از طریق همین رسانه دریافت می‌کنند.

هنر مبلّغ و منبری، کارآمد کردن عمیق‌ترین مباحث دینی و ارائه ساده آن به مخاطبان است. منبر روش‌مند و علمی، بستر مناسبی برای ترویج معروف، نهی از منکر، زدودن شبهه‌ها، مقابله با خرافات، تولید فکر و سرانجام، عرضه صحیح معارف اسلامی است.

به فضل الهی و برکت خون شهدا با گذشت حدود سه دهه از پیروزی انقلاب شاهد رشد چشم‌گیری در این عرصه هستیم. حضور

هزاران نفر از مردم به‌ویژه جوانان در برنامه‌های اعتکاف، دعا‌های ندبه و عرفه، جلسات نیایش، گرایش میلیونی در مراکز زیارتی و مذهبی و شکل‌گیری صدها هیأت و مجلس خانگی، همه بخشی از این تلاش گسترده است.

اما با توجه به تبلیغات گسترده دشمن از طریق ایجاد سایت‌ها و نوشتن کتاب‌ها و کاربرد ابزارهای مختلفی که در مبارزه با دین دارند، هنوز این عرصه نیاز به فعالیت بیش‌تری دارد. بنابراین، با ارج نهادن به تلاش‌های انجام شده توسط دستگاه‌های مختلف، به ذکر پنج نکته و پیشنهاد درباره‌ی تبلیغ و عرصه مغفول عنہ منبر می‌پردازم:

ضرورت هم‌آهنگی بین دستگاه‌های تبلیغاتی

استحضار دارید که مراکز مختلف، اقدام به اعزام و فعالیت تبلیغی می‌نمایند. پیشنهاد می‌شود شورای عالی تبلیغات با محوریت حوزه مقدسه قم و با حضور نمایندگان و متولیان امور فرهنگی کشور و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی تشکیل گردد که در بحث تبلیغات، مصوبات نافذ داشته باشد.

ترسیم سیاست تبلیغی واحد و منسجم در کشور

گاه شاهد پراکندگی و تعارض در امر تبلیغ هستیم تا حدی که موجب سردرگمی مردم می‌شود. گاه اتفاق می‌افتد که دو سخنران یا دو

فیلم یا دو شبکه هم‌زمان یا دو نشریه و یا دو نهاد تبلیغی، سیاستی کاملاً متضاد دارند و مخاطب را با افراط و تفریط دچار تزلزل می‌کنند. گرچه اصلاح این امر در همه مراتب به دلیل تفاوت مبانی، غیرممکن است اما می‌توان در بسیاری جنبه‌ها به وجه مشترکی رسید و آن را به عنوان یک سیاست واحد ابلاغ کرد.

عمق بخشی به فرایند تبلیغ و فعالیت مبلغان

استحضار دارید که در همه مراکز آموزشی و فرهنگی برای تدریس و حضور علمی، حدود و ثغوری وجود دارد. حتی در مدارس ابتدایی حداقل‌هایی برای سطح معلومات مدرسین تعریف می‌شود. در گذشته حوزه‌های علمیه نیز چنین بوده است. اجازه نقل حدیث، اجازه نقل فتوا و گذراندن یک مراحل علمی برای حضور در عرصه منبر و سخنرانی وجود داشته است. متأسفانه امروز عرصه منبر و تبلیغ علی‌رغم نقش آفرینی صدها مبلغ، از این جهت دچار آسیب جدی شده است. معین نبودن حد و مرز حضور در این رسانه موجب شده است گاه مطالب بی‌پایه و تحریک‌آمیز طرح شود، یا نقل غلط روایت و یا برداشت غلط تفسیری پیش آید. حضرت عالی می‌دانید که امروزه در دورافتاده‌ترین نقاط حتی در یک روستای دور افتاده نیز افرادی تحصیل کرده با مدرک دانشگاهی حضور دارند و توقع مطالب ضعیف غیرعلمی و خرافی را ندارند.

در ذیل این ماده پیشنهادهایی را دارم:

الف. سطوح مراتب تبلیغ تعریف شود و برای هر سطحی، حداقلی از معلومات معین گردد. منبری رسانه، منبری دانشگاه، دبیرستان و منبری عمومی مشخص و تعریف شود.

ب. متون درسی ویژه منبر تدوین گردد. گرچه صدها متن قوی و متقن و مجلات تخصصی در کشور منتشر می‌شود اما هنوز ما متن درسی درباره منبر نداریم.

ج. کارگاه‌های ویژه امر تبلیغ متناسب با سطوح مختلف برگزار گردد. امروز صدها جلسه خانگی در کشور وجود دارد و هم مبلغین زن و هم مرد در این جلسات حضور دارند اما سامان‌دهی نشده‌اند. این‌ها را دست کم نگیرید. این‌ها بر روابط خانواده‌ها اثر دارند و خیلی‌ها مطالبی را که از این جلسات فرا می‌گیرند، در زندگی به کار می‌برند. شایسته است مرکزی، این طیف وسیع منابع را سامان دهد.

تعمیم عرصه‌های تبلیغ

ابزار تبلیغ در زمان حاضر، گسترش فراوانی یافته است که منبر یکی از آن‌هاست. آشنایی روحانیان و حوزویان با سایر شیوه‌های تبلیغ، ضروری است. لازم است حوزه‌ها در فن مناظره، فیلم نامه نویسی، سینمای دینی، قصه گوئی، گرافیک، طنز، شعر، خط، داستان نویسی و دیگر ابزارهای تبلیغ حرفی برای گفتن داشته باشند.

شناسایی و تقویت ظرفیت‌های جدید تبلیغی

انحصار تبلیغ در افراد و شخصیت‌های خاص و کنار کشیدن بسیاری از فضلا از سنگر و عظمت و خطابه به دلیل گمنامی یا گاه نامناسب تلقی کردن حضور در این میدان، متأسفانه موجب شده است که بخش تبلیغ دچار افت شود. پیشنهاد می‌شود با پی‌گیری مراکز اعزام مبلغ و متولی امر تبلیغ، فضلا و فرهیختگان حوزوی با حضور جدی در این سنگر، ارتباط با توده مردم را حفظ نموده، و موجب ارتقای جایگاه منبر شوند. هنوز منبرهای مرحوم آقای فلسفی و تأثیراتش در شبهه زدایی و جریان آفرینی در کمک به نهضت از یادمان نرفته است! شنیده‌ایم که در قدیم، علما و بزرگان و بسیاری از شخصیت‌ها حضور فعالی در این عرصه داشته‌اند اما متأسفانه جایگاه این رسانه - که نزدیک‌ترین ارتباط را با توده مردم دارد - به دلایلی که عرض کردم، اُفت پیدا کرده است.

حوزه‌ی ادب و ادب حوزه

(حجت الاسلام والمسلمین حسینی ژرفا)

بسی زدی خم می گر چه دست ما نرسید *** بیار باده که یک خم هنوز سر بسته است

با یاد مبارک بسیج و بسیجیان، گزارشی کوتاه و خواهشی:

گزارشی از پیشینه‌ی ادبیات در حوزه

۱. پیشینه ادبیات تابناک حوزه بر هیچ کس پوشیده نیست. جمعی از فرزندگان حوزه در شمار بهترین ادیبان این سرزمین بوده‌اند و این روشن‌ترین دلیل است که علم دین با ادب و هنر، نه بیگانه که محرم و خویشاوند است.

۲. پس از انقلاب اسلامی، برکات فراوانی در این عرصه به ظهور پیوسته است. اهل علم، بیش‌تر به مطالعه جدی آثار سترگ ادبی و هنری روی آوردند و گروهی نیز به خلق اثر در قالب‌های گوناگون هنری پرداخته‌اند.

این تکاپوها در سه قلمرو سنجیدنی است: یکی از جانب نهادهایی که با خود حوزه پیوند دارند؛ مانند انجمن قلم حوزه، مدرسه اسلامی هنر و دفتر تبلیغات اسلامی و دیگری، مراکزی که در خدمت حوزویان‌اند؛ مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات، خانه هنر صدا و سیما و اداره ارشاد و سوم، همت خودخواسته و درون جوش طلاب، که در شکل مجموعه ادبی و سایت‌ها و وبلاگ‌های ادبی و هنری رو به افزونی است.

۳. امکانات سخت افزاری حوزه در این زمینه رشد بسزایی داشته است. اکنون چندین کتاب‌خانه، فیلم‌خانه و عرضه‌گاه به صورت تخصصی در این میانه، گل چرخ‌دارند و مراکز نامبرده، کلاس‌ها و محافلی معتبر با حضور استادان آرموده برگزار می‌کنند.

۴. ره آورد تکاپوهای هنری حوزه نیز چشم نواز است. برگزاری نه دوره کنگره شعر و ادب حوزه، دستکم دو نسل از طلاب شاعر و ادیب را به کشور معرفی کرده است. از سال پیش نیز با پرپایی نخستین دوره جشنواره هنر آسمانی، انواع آفرینه‌های هنری حوزویان به تماشا نهاده شده است.

۵. به رغم توهم‌ها، سطح فنی آثار حوزویان در قیاس با مجموع آثار هنرمندان کشور پایین نیست گرچه برخی رشته‌ها ممارست مستمر و فراغت خاص می‌طلبد که برای اهل علم کمتر فراهم است.

۶. برگزاری هشت دوره کتاب سال حوزه نشان داده است که حوزویان در قلمرو قلم از توانایی‌های شایانی بهره‌مندند. حتی بارها آثار ایشان در میان گزیده‌های کتاب سال کشوری نیز در جایگاه‌های نخست نشسته است.

و اما خواهش:

پیشنهادهایی برای اهتمام بیش‌تر به ادبیات در حوزه

۱. برای تدریس متن درسی‌ای که اینک در حوزه‌های علمیه در پایه ششم تدریس می‌شود، مدرسان شایسته‌تر و سزاوارتری طی دوره‌های متمرکز تربیت شوند.

۲. فراگستردن مباحث نظری در قلمرو ادب و هنر از ضرورت‌های امروز است. طرح پرسش‌های جدی درباره چستی هنر و کارکرد آن و

نیز دامن زدن به نقدهای مبنایی و معرفتی، مهم‌ترین رسالت حوزه در این عرصه است.

۳. جایگاه کرامت‌مندان هنر باید بیش از این، در حوزه به چشم آید. کسانی که به کارهای غیر رایج اما لازم در حوزه مشغول‌اند، باید بیش از این قدر ببینند و بر صدر نشینند تا هم طالبان جوان بر شوق آیند و هم اهل هنر حوزه روی به اقالیم دیگر نهند.

۴. جشنواره هنر آسمانی نیازمند دبیرخانه‌ای دائم است تا هنرمندان حوزوی، آستانه‌ای استوار و سزاوار برای همدلی و همراهی در مسیر آفرینش‌های هنری بیابند.

۵. خوب است با فراهم آوردن مقدمات - تأکید می‌کنم با فراهم آوردن مقدمات - به سوی رشته تخصصی ادبیات با گرایش تحقیق و تألیف، زیر نظر مدیریت معزز حوزه‌ی علمیه‌ی قم رو بیاوریم زیرا به یقین یکی از رسالت‌های بزرگ اهل تحقیق، ارتباط مکتوب شایسته با مخاطبان امروز است.

۶. چه بهتر که پاره‌ای از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های حوزوی به هنر و مطالعات پیرامونی آن، به‌ویژه در مباحث نظری همچون مکتب هنری قرآن اختصاص یابد.

۷. و اخیر خواهم این که آیا این انتظار روا نیست که بخشی از نیروهای هوش‌مند حوزه، پس از احراز اجتهاد به قدر کفایت در رشته‌های هنری به گونه‌ی تخصصی گام زنند تا نیازهای عظیم وادی

فرهنگ و هنر و ادبیات را که می‌رود به چالش‌هایی در این عرصه بینجامد، به قدر توان پاسخ گویند؟

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس*** که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

اهتمام به پیش رفت حوزه در بخش بین المللی

(حجت الاسلام والمسلمین سَهیل اسعد)

ابتدا خدا را شکر می‌کنم که امروز به برکت انقلاب اسلامی نور اسلام و معارف اهل بیت(ع) رسول خدا (ص)، توسط طلاب کشورهای مختلف از حوزه‌های علمیه، در سراسر جهان منتشر می‌شود. خدا را شکر می‌کنم که در دوران رهبری شما مردم بسیاری از نقاط دنیا کسانی را در میان خود دارند که به بیان حقایق دینی و نشر معارف اسلامی مشغول‌اند.

بنده سهیل اسعد هستم، از آمریکای لاتین، از کشور آرژانتین (ادگاردو روبین). بنابراین، نسبت به برادران ایرانی که در جلسه حضور دارند، از راه بسیار بسیار دورتری آمده‌ام. به علاوه به نمایندگی از طلاب حدود نود کشور جهان در محضرتان هستم. با کسب اجازه در این فرصت نکاتی را تقدیم می‌کنم:

هم آهنگی در تعیین اهداف حوزوی

اول: از دغدغه‌هایی که امروز طلاب بخش بین‌المللی حوزه‌ی علمیه‌ی قم دارند، این است که خواهان التفات مستقیم شخص رهبری در امور مربوط به تعیین خط‌مشی‌های حوزه‌ی علمیه هستند.

دوم: ما خود در ایران و هم در خارج از ایران شاهد بوده‌ایم که متأسفانه سازمان‌ها و نهادهای مختلف مرتبط با حوزه‌ی علمیه، هم آهنگی کامل در تعیین اهداف ندارند. امید است ان شاءالله شاهد این هم آهنگی باشیم و این مشکل در آینده حل شود.

برنامه ریزی برای حضور خواهران طلبه خارجی

سوم: الحمدلله در حوزه‌های مختلف جهان شاهدیم که صدها نفر از خواهران فعال شده‌اند؛ در زمینه‌های مختلف چه در تحقیق و چه در تعلیم و تربیت و چه در تبلیغ رسالت که این در سطح بین‌المللی خیلی مؤثر است. خواهش‌مندیم درباره‌ی حضور خواهران طلبه‌ی خارجی نیز برنامه ریزی انجام پذیرد.

آموزش عربی و انگلیسی

چهارم: با توجه به ضرورتی که در تبلیغ احساس می‌شود، فراگیری کامل دو زبان عربی و انگلیسی در طول دوره‌های آموزش طلاب پیش‌بینی شود. ان شاءالله.

لزوم پیش‌رفت حوزه در بخش بین‌المللی

پنجم: با توجه به علاقه روزافزون مشتاقان فراگیری علوم اسلامی و معارف مکتب اهل بیت(ع) در سطح جهان، امید است در حوزه‌ی علمیه، که ملجأ اصلی نیل به این مقصود است، اشتیاق و همّت و برنامه‌ریزی بهتر و بیش‌تری به انجام رسد. امیدواریم با تدابیر راه‌گشای حضرت عالی شرایط برای پذیرش و استفاده عموم مشتاقان معارف اسلامی فراهم آید.

در مسیر توسعه و پیش‌رفت حوزه در بخش بین‌المللی به نظر می‌رسد برای استفاده کامل از پتانسیل نیروهای تربیت‌شده، برنامه‌ریزی کامل و امکانات و حمایت بایسته‌ای فراهم نیامده است. شایسته است برای حضور دانش‌آموختگان در عرصه‌های جهانی زمینه‌ها و شرایط لازم مهیا شود. امروز ما باید از طرفی عمق لازم برای ورود به مباحث تخصصی را به دست آوریم و از سوی دیگر جامعیتی برای تعامل با دیگران و گفت‌وگو بین ادیان و دفاع از مبانی خود داشته باشیم. ما نیازمندیم که ضمن حفظ اصول و سنت‌های ارزشمند حوزه، روش ارائه و نیز محتوا را با وضعیت فعلی جهان متناسب سازیم تا بتوانیم اندوخته‌های خود را به نحو مطلوب عرضه نماییم.

هم‌اکنون کرسی‌های شیعه‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان، خالی است و یا در اختیار مستشرقین غیرمسلمان قرار دارد و مردم دنیا از طریق این افراد از اسلام و مکتب اهل بیت(ع) اطلاع پیدا

می‌کنند. می‌بایست برای پرکردن این خلأ چاره‌ای اندیشید تا دنیا حقایق و معارف ناب شیعی را بدون تحریف از پیروان همین آیین باز گیرد. پیشنهاد می‌کنم برای افراد نخبه و کسانی که از مناطق خاص و استراتژیک جذب می‌شوند، برنامه ویژه‌ای تدوین و اجرا شود.

موانع و راه‌های تبلیغ دین در خارج از کشور

(حجت الاسلام و المسلمین شمالی)

با تشکر از حضرت عالی که چنین فرصتی را در اختیار این جمع قرار دادید. به اختصار نکاتی را درباره حوزه و مقوله تبلیغ در خارج از کشور به استحضار می‌رسانم:

بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی گام‌های بسیار بلندی در راه تبلیغ دینی و ارتباطات بین‌المللی برداشته شده است. وجود سازمان‌ها و نهادهای مختلفی که بیشتر، پرورش یافتگان حوزه در هدایت و اداره‌ی آن‌ها نقش داشته‌اند، همچون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور، نمایندگی‌های حضرت عالی در خارج از کشور و فارغ‌التحصیلان حوزه - اعم از ایرانی و غیرایرانی، اعم از خواهر و برادر - که تقریباً در جای جای دنیا پراکنده‌اند، همگی نشان‌دهنده‌ی حضور بابرکت حوزویان در عرصه تبلیغ در خارج از کشور هستند.

موانع تبلیغ دین در عرصه بین‌المللی

اما به نظر می‌رسد برای ارتقای کیفی این فعالیت‌ها دو مشکل عمده وجود دارد:

۱. کمبود نیروهای فکری دارای اندیشه و تجربه کار در عرصه بین‌الملل و خلاقیت و در عین حال دارای تفکر برنامه‌ای برای اعزام به خارج از کشور؛

۲. کمبود تولیدات فکری با محتوا و قالب‌های مناسب که پاسخ‌گوی نیازهای خارج از کشور باشد.

افزون بر این دو مشکل، در سازمان‌های فرهنگی - تبلیغی دولتی و نیمه دولتی مشکلات دیگری نیز وجود دارد: اولاً، با تغییر دولت، مسئولان و سیاست‌ها تفاوت و گاه تفاوت ماهوی پیدا می‌کنند. ثانیاً، بوروکراسی اداری در بسیاری از این دستگاه‌ها حضور چشم‌گیر دارد. ثالثاً، وقتی تبلیغات دینی صبغه دولتی پیدا می‌کند، ممکن است برای دولت‌های دیگر حساسیت‌زا شود. رابعاً، در بعضی از دوره‌ها می‌توان شاهد بود که سایر مقوله‌های فرهنگی همچون موسیقی و فیلم بر تبلیغات دینی اولویت پیدا کرده است.

راه فعال‌تر شدن حوزه در بخش بین‌المللی

به نظر می‌رسد با توجه به این نکاتی که به طور اختصار گفته شد، این ظرفیت و در عین حال نیاز تاریخی وجود دارد که حوزه در عرصه

بین الملل نقش فعال‌تری ایفا نماید. اولاً، با دنیا به‌ویژه جوامع اسلامی و شیعی که امروزه در سراسر جهان پراکنده‌اند مرتبط باشد. ثانیاً، تثبیت سیاست‌های تبلیغ تربیت نیروهای کارآمد برای نیازهای گوناگون در عرصه بین الملل را سامان دهد. و ثالثاً، نیروهای تربیت شده را در جای مناسب خود بگمارد.

امروز تبلیغ به‌ویژه در عرصه بین الملل گستره فراوانی دارد. اگر در گذشته، تأسیس و اداره‌ی مراکز اسلامی در چند شهر بزرگ دنیا کفایت می‌کرد، امروز چنین چیزی به‌هیچ وجه کافی نیست. هدایت جوامع اسلامی اعم از شیعه و سنی، اداره کرسی‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی، ارتباط با ارباب دینان و پیروان مذاهب اسلامی، شرکت توأم با ابتکار و برنامه در جلسات گفت‌وگوی ادیان، حضور در رسانه‌ها، هدایت و پشتیبانی محتوایی شبکه‌های مختلف رادیویی - تلویزیونی و سایت‌های اینترنتی اسلامی در سراسر جهان، چاپ کتاب و نشریات به زبان‌های بین المللی و پاسخ‌گویی به سؤالات فکری و فرهنگی و فقهی اقلیت‌های مسلمان در غرب در حوزه‌های تخصصی مانند مسائل پیچیده حقوقی تجارت و پزشکی، از جمله‌ی نیازها و در عین حال فرصت‌هایی هستند که پیش روی حوزه وجود دارند.

با کسب اجازه از محضر مبارکتان دو پیشنهاد را به اختصار مطرح می‌کنم:

پیشنهاد تأسیس معاونت بین الملل حوزه

پیشنهاد اول تأسیس معاونت بین الملل حوزه است. از جمله وظایف این معاونت عبارت خواهد بود از تلاش در جهت معرفی و ارتقای جایگاه حوزه نزد افکار عمومی جهان، شرکت در سازمان‌ها و مجامع بین المللی همچون یونسکو، کنفرانس اسلامی و پارلمان ادیان به عنوان عضو یا ناظر، دعوت و استقبال از اندیشمندان و فرهیختگان بین المللی برای آشنایی با حوزه‌ی علمیه و تبادل آرا با آنان به منظور تقویت جریان دینی در کل جهان و یا دستکم رفع سوءتفاهم‌ها و خوف و هراسی که از بی‌اطلاعی و تبلیغات منفی ایجاد می‌شود و تلاش برای ایجاد هم‌آهنگی بین نهادهایی که در حوزه، کار بین المللی می‌کنند.

پیشنهاد تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی بین المللی

پیشنهاد دوم تأسیس مؤسسه‌ای آموزشی و پژوهشی در حوزه است که به تربیت نیرو برای کارهای بین المللی بپردازد. این مؤسسه باید نهاد حوزوی و غیردولتی باشد و به لحاظ علمی بتواند از مقبولیت داخلی و بین المللی بهره برد و بیش‌تر به عنوان یک مؤسسه علمی و آکادمیک شناخته شود نه به عنوان یک نهاد سیاسی یا طایفه‌ای. با چنین لحاظ، اعتبار و جایگاه دینی باید از مکانت بالایی برخوردار باشد؛ به نوعی که بتواند به نمایندگی از حوزه در مسائل دینی بین المللی اظهار

نظر نماید و دانش آموختگان آن دستکم به زبان عربی و یک زبان اروپایی مسلط باشند.

اگر چنین مؤسسه‌ای در حوزه، تأسیس شود و سالانه تعداد محدودی افراد نخبه، جذب شوند و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کافی صورت گیرد و حوزویانی که تجربه کار علمی و دینی در خارج از کشور دارند، به هدایت و شاگردپروری در این مجموعه بپردازند، ان شاءالله دیری نخواهد پایید که مؤسسه به لحاظ کادر علمی خودکفا خواهد شد، و کارهای پژوهشی و تحقیقاتی قوی مورد نیاز خارج از کشور را ارائه خواهد داد و افرادی قوی و کارآمد برای تصدی کرسی‌های اسلام‌شناسی و وظایف مختلف تبلیغی خارج از کشور تربیت خواهد کرد.

سامان‌دهی فلسفه و عرفان در حوزه‌های علمیه

(حجت الاسلام والمسلمین عابدی)

چند جمله کوتاه درباره وضعیت فلسفه و علوم عقلی در حوزه‌های علمیه عرض می‌کنم:

نگرشی به وضعیت کنونی فلسفه و عرفان حوزه

اولاً، فلسفه و به تبع آن کلام، منطبق و یا عرفان‌پشتوانه عقلی اعتقادات مردم است. شاید مهم‌ترین ویژگی حوزه‌های شیعی در برابر

حوزه‌های دیگر به همین است که در حوزه‌های شیعه عقل‌گرایی از قدیم وجود داشته است؛ از روزگار قبل از شیخ طوسی - ره - تا امروز. این نقطه‌ی قوت، همان است که حضرت مستطاب عالی مکرر فرموده‌اید باید مرجعیت قم در فلسفه اسلامی حفظ شود.

بحمدالله و با عنایات مدیر محترم و معزز حوزه، خدمات بسیار خوبی در حوزه علوم عقلی در حوزه انجام شده است. رشته تخصصی کلام، رشته تخصصی فلسفه، رشته تخصصی کلام مقارن و رشته‌های فلسفه‌های مضاف بحمدالله امروز در حوزه وجود دارد. شاید زمانی در قم حتی یک نشریه علمی پژوهشی وجود نداشت اما الآن بحمدالله مجلات علمی - پژوهشی با سردبیری روحانیون معظم منتشر می‌شود، و هم چنین بحمدالله کتاب‌های فلسفی متعدد و متنوع در قم منتشر می‌شود و بخش چشم‌گیری از پایان‌نامه‌های سطح سه و چهار حوزه به مسائل فلسفی اختصاص می‌یابد.

بحمدالله امروز در قم چنین موقعیتی هست که هم درس فلسفه وجود دارد و هم درس نقد فلسفه. حتی یک ناشر حوزوی می‌تواند هم کتاب فلسفی و هم کتاب ضدفلسفی، هر دو را چاپ کند و از این جهت مایه‌ی مباهات است که «حیة العلم بنقده و ردة». اما علی‌رغم این نقاط قوت و امتیازهایی که در حوزه وجود دارد، کاستی‌هایی نیز وجود دارد.

تأسیس مدرسه علوم عقلی و گسترش درس‌های عرفان

اولاً، در حوزه مقدسه، مدرسه‌ای که مخصوص علوم عقلی باشد وجود ندارد. دیگر این که درس‌های عرفان، عرفان عملی و عرفان نظری نیاز به گسترش بیش‌تری دارند. مسأله دیگر، تهاجمات بسیاری است که امروز علیه مکتب اهل بیت(ع) وجود دارد. صدها و بلکه هزاران کتاب و پایان‌نامه علیه مذهب شیعه نوشته شده است و ضرورت دارد که در این زمینه افرادی مثل میرحامد حسین، مرحوم سید شرف‌الدین و علامه امینی - رضوان الله علیهم - تربیت شوند. من جمله‌ای از شما شنیده‌ام، که برای من بسیار ارزشمند است، شما فرمودید: به شیعیان هندوستان بگویید هر چه وجوهات خرج قبر میرحامد حسین کنند، من قبول دارم؛ از بس که این عالم وارسته به مذهب شیعه خدمت کرده است.

کارآمدی نظام تدریس حوزه

(حجت الاسلام والمسلمین فرحانی)

با تشکر از محضر نورانی حضرت عالی و با کسب اجازه از اساتید و فضلاء و بزرگان حاضر در مجلس سابقه درخشان حوزه‌های علمیه شیعه در عصر غیبت و تربیت علما و برجستگی که هر یک حصون اسلام بوده و در رشد و بالندگی همیشگی شیعی سهمی بسزا داشته‌اند و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی

به رهبری روحانیت شیعه و تثبیت و مدیریت آن توسط علمای طراز اول و راه یافتن نهضت به کشورهای اسلامی به خصوص عراق و لبنان، جایگاه عظیم این مجموعه ارزشمند انسانی را بیش‌تر از گذشته نمایان کرده و توقع همگان از آن را بسی فزون‌تر ساخته است.

ضمن تقدیر و تشکر از تلاش‌های بسیار بابرکتی که برای توسعه تشکیلات و تقویت حوزه‌های علمیه در سطح کشور به عمل آمده، با بیان یک نکته می‌خواهم این جریان ارزشمند را آسیب‌شناسی کنم و به نظر می‌رسد این نکته را باید در محضر علما، شورای عالی محترم حوزه، مراجع عظیم الشان و با عنایات حضرت عالی مطرح کنم که حل آن به یک عزم ملی نیاز دارد.

آسیب‌شناسی نظام حوزه از جهت تدریس

آسیب‌شناسی این مجموعه می‌تواند در زمینه‌های مختلفی طرح شود. بحث بنده در این جا بحث «کارآمدی نظام تدریس حوزه» است. تدریس و تدرّس در سه بخش تبیین، تثبیت و تعمیق باید انجام شود. تبیین، به وسیله کلاس درس، و تثبیت با مباحثه صورت می‌گیرد اما تعمیق، چیزی است که بنده می‌خواهم درباره‌ی آن نکته‌ای را عرض کنم.

متن محوری به جای موضوع محوری

نظام آموزشی ما کتاب محور است؛ موضوع محور نیست. متأسفانه اطلاعات وسیع کتاب‌ها از یک طرف و نبود سیر تاریخی در کتب درسی حوزه از سوی دیگر، مشکلاتی را به وجود آورده است. روزگاری در حوزه برای درس اصول، معالم، قوانین، رسائل و کفایه می‌خواندیم. امروز طلبه‌ی پایه‌های ابتدایی حوزه، با مباحث اصول فقه یا کتاب موجز آشنا می‌شود که از نظر تاریخی، متأخر از کفایه‌اند و مشتمل بر نقد آرای رسائل و کفایه هستند.

حجم وسیعی از اطلاعات در این کتاب‌ها به طلبه القا می‌شود. رها شدن طلبه در این فضا و تثبیت نشدن بعضی از این اطلاعات و نهایتاً تعمیق پیدا نکردن آن‌ها توسط نظام تدریس و تدریس حوزه سبب می‌شود که طلبه جوان و بانشاط حوزه، وقتی وارد درس‌های رسائل و کفایه می‌شود، حالتی از بی‌اعتمادی و سردرگمی پیدا کند.

مسأله دیگری که در نظام آموزشی حوزه داریم، تأکید حداکثری بر فهم متن، و ارجاع ضمیر و حل عبارت است اما فهم بر متن یا به تعبیری که امروزه در نظام‌های آموزشی هست، حل مسأله مستقل از متن، در حوزه کم است. ذهن طلبه در این نظام آموزشی علی‌رغم همه زحمات و تلاش‌های شبانه روزی و پی‌گیری‌های جدی، رشد عمودی پیدا نمی‌کند؛ رشد افقی پیدا می‌کند.

رفع کاستی‌های منطق حوزه

نکته‌ی بعدی درباره وضعیت منطق حوزه است. کتاب بسیار ارزشمند «المنطق»، متن درسی توان‌مندی است اما متأسفانه به تعبیر حضرت آیت الله جوادی، بخش واجب و لازم این کتاب (برهان و...) تدریس نمی‌شود و آن بخش مستحب ارائه می‌شود. از این رو، طلبه انسجام فکری و عمق فهمی پیدا نمی‌کند.

امروز الحمدلله در حوزه چند سالی است که کار فنی و تخصصی، که پیش از این در سطح درس‌های خارج ارائه می‌شد، به پایه‌های رسائل و کفایه، یعنی سطوح عالی هم سرایت کرده است. استدعا دارم این برنامه، به شکل دقیق مطالعه شود، کاستی‌هایش یافته شود و در پایه‌های پایین‌تر، یعنی پایه چهار تا شش نیز توسعه پیدا کند.

ضرورت کاهش دوره تحصیل

مشکل دیگر طولانی بودن دوره تحصیل است که از نگرانی‌های بسیار مهم حضرت عالی است. یکی از علت‌های اساسی نقش کم رنگ حوزه در تولید علم حوزه نیز این است که خروجی‌ها در سن مناسب فارغ التحصیل نمی‌شوند.

پژوهش و فقه پژوهی در حوزه**(حجت الاسلام والمسلمین کاظمی)**

با عرض سلام و ادب و کسب اجازه از محضر حضرت عالی و اساتید و فضیله‌ی حاضر.

فقه به عنوان دانش، عهده دار کشف و تبیین احکام اسلام در حوزه عمل و روابط انسان‌ها و جوامع، از مهم‌ترین شاخه‌های علوم اسلامی است. به فرموده امام راحل - ره - «فقه تئوری کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است و اسلام با فقه و احکام فقهی باقی مانده است». این دانش که از گذشته تا حال، محور اصلی حرکت علمی حوزه‌ها بوده است و بیش‌ترین زمان از عمر تحصیلی یک طلبه را به خود اختصاص می‌دهد، در حال حاضر در چهار سطح فتوایی، نیمه استدلالی، استدلالی و تخصصی در حوزه‌ها آموزش داده می‌شود.

آسیب‌ها و بایسته‌های فقه آموزی و فقه پژوهی

در خصوص فقه آموزی و فقه پژوهی امروز حوزه‌های علمیه و آسیب‌ها و بایسته‌های آن، در همه سطوح، نکاتی شایان عرض وجود دارد: پیش‌رفت حوزه در عرصه فقه پژوهی در قالب تأسیس پژوهش‌کده‌های متعدد و انتشار مجلات تخصصی فقهی، پایان نامه‌ها و رساله‌های پژوهشی ناظر به مسائل روزآمد شایسته تقدیر است. هم‌چنین گام‌هایی که در عرصه ساده سازی و سهولت دستیابی به منابع فقهی، روایی، رجالی و

غیره برداشته شده و کار فقیه را آسان‌تر و مطمئن‌تر ساخته است در خور توجه و ستایش است.

لزوم تحول در فضای پژوهشی حوزه

با این همه، در یک نگاه جامع، پژوهش در نظام تحصیلی حوزه کم رنگ است و طلاب نوعاً با فعالیت‌های پژوهشی و اصول آن در حد لازم آشنا نیستند. عدم لحاظ دروس مربوط به پژوهش و در نظر نگرفتن این مهم در نظام تحصیلی حوزه، موجب ضعف فعالیت‌های پژوهشی حوزویان در قلمرو فقه و اصول نیز شده است.

در این خصوص لازم است تحولی در فضای پژوهشی حوزه پدید آید. الزام به ارائه مقالات تحقیقی، جهت‌دهی پژوهش‌ها در مسیر نیازهای جامعه، حمایت از آثار پژوهشی اساتید و طلاب، امکان استفاده از فرصت مطالعاتی برای اساتید و طلاب ممتاز و دسترسی سهل به بانک‌های اطلاعاتی و کتاب‌خانه‌های تخصصی می‌تواند زمینه‌ی این تحول را فراهم آورد.

تبیین جایگاه فقه و اصول در نظام آموزشی

آخرین نکته این که، نقش و جایگاه فقه و اصول در برابر دانش‌های اسلامی و تأثیر فراگیری خوب فقه و اصول در تعمیق فهم علوم اسلامی دیگر که فراروی طلاب قرار دارد، به خوبی برای آنان تبیین و

تعیین نشده است. این امر موجب فقدان انگیزه برای آموختن عمیق فقه و اصول در مقطع سطح می‌شود. گروه چشم‌گیری از طلاب در مقطع سطح، به طور فزاینده به مؤسسات و مراکز آموزشی و تخصصی، جهت تحصیل هم‌زمان در یک رشته تخصصی دیگر جذب می‌شوند که علاوه بر مشکلات ناشی از عدم تبیین ارتباط و تلازم بین فقه و اصول و رشته‌های تخصصی دیگر، در عمل با دو نظام و مدیریت آموزشی مواجه می‌شوند. این مراکز، برنامه‌های آموزشی دقیق، منظم و الزامی دارند و تعهداتی به بار می‌آورند که با وظایف و تعهدات طلاب درباره فقه و اصول به عنوان دروس عمومی حوزه در مقطع سطح چندان سازگاری ندارند. آنچه در این میان به حاشیه می‌رود و قربانی می‌شود، فقه و اصول است.

نحوه تعامل مؤسسات آموزشی با مدیریت حوزه

پیشنهاد می‌شود جایگاه مؤسسات آموزشی و مراکز رشته‌های تخصصی روشن شود و به خصوص نحوه تعامل آن‌ها با مراکز مدیریتی حوزه مشخص گردد و با محوریت مدیریت حوزه، مجموعه برنامه‌های آموزشی یک طلبه اعم از فقه و اصول و دروس رشته‌های تخصصی در یک نظام درسی منسجم و واحد منظور شود. این گونه نشود که یک دانش‌پژوه حوزه با جذب در یکی از مؤسسات، از دروس ارزشمند و محوری فقه و اصول فاصله بگیرد.

به امید پویایی و اعتلای هر چه بیش‌تر حوزه‌های علمیه

بایسته‌های سامان‌دهی حوزه‌های خواهران

(سرکار خانم بهشتی)

با عرض سلام و تشکر که فرصتی جداگانه در اختیار حوزه‌های علمیه خواهران قرار دادید تا ضمن ابراز ارادت‌های خالصانه به محضر ولایت، مطالبی چند در ارتباط با حوزه‌های بانوان را عرضه نمایم و رهنمودهای حکیمانه آن رهبر فرزانه را به گوش جان بشنویم.

خواهران علاقه‌مند به تحصیل علوم دینی، که در گذشته با مشکلات و موانع فراوان و شرایط بسته‌ی آن روزگار، تنها در سطح محدودی قادر به کسب معارف اسلام بودند، امروز با شور و نشاط وصف‌ناپذیر در مراکز حوزوی گوشه و کنار مملکت اسلامی حضور یافته و سهم مؤثری در حیات فکری اجتماعی جامعه اسلامی پیدا کرده‌اند. توسعه و رونق حوزه‌های خواهران تا آن‌جا پیش رفته است که امروزه پذیرای خیل عظیم طلاب غیرایرانی خواهر در مراکز علوم اسلامی نیز هستیم.

بدیهی است که با توجه به روند روبه رشد اسلام‌خواهی مردم جهان و تلاش بی‌وقفه دشمنان خارجی و داخلی برای از بین بردن دست‌آوردهای عظیم انقلاب اسلامی به خصوص در حوزه‌ی فرهنگی زنان، باید اهتمام ویژه‌ای به تجهیز و آماده‌سازی حوزه‌های علمیه خواهران مبذول گردد. در این رابطه لازم است در صدد تهیه برنامه‌ای با چشم‌انداز ده ساله یا

بیست ساله توسط گروه کارشناسی با حضور خواهران صاحب نظر حوزه باشیم که در آن مجموعه فعالیت‌های حوزوی خواهران، بر اساس اهداف روشن و سیاست‌های جامع و روش‌های کاربردی و متناسب با نیازهای کوتاه مدت و درازمدت درون حوزه‌ای و برون حوزه‌ای لحاظ گردد و به این وسیله از برنامه ریزی‌های سلیقه‌ای و مقطعی در امور آموزشی، پژوهشی، تبلیغی و دیگر فعالیت‌ها مصون بمانیم.

از اموری که به جاست در این برنامه ریزی به آن توجه شود از این قرار است:

شناسایی و طبقه بندی استعدادهای خواهران

در برنامه آموزشی فعلی، تفاوت سطح استعداد خواهران و اختلاف مراکز حوزوی در امکانات آموزشی و پژوهشی چندان لحاظ نشده و برای همه سطوح و همه حوزه‌ها برنامه یک سان تدوین شده است. این در حالی است که با برنامه ریزی خاص برای افراد خوش استعداد، و رشد علمی اخلاقی آنان، موج دین پژوهی با الگو گرفتن از این گروه در جامعه زنان رونق می‌یابد.

ضرورت توجه به تحصیلات تخصصی خواهران

افزایش متقاضیان تحصیلات حوزوی و نیاز مبرم مناطق محروم کشور به مبلغ در سطح عمومی موجب گشته سهم مهمی از امکانات

آموزشی حوزه صرف جذب و پرورش طلاب دوره عمومی شود. از این رو، تحصیلات تکمیلی و تخصصی حوزه‌های خواهران با کمبود امکانات آموزشی و پژوهشی و سایر تسهیلات به خصوص برای طلاب شهرستانی که در قم سکونت ندارند، مواجه است.

مناسب است چند قطب علمی برای حوزه‌های خواهران در سطح کشور در نظر گرفته شود و از جهت امکانات عالی آموزشی- پژوهشی نظیر اساتید کارآمد، پژوهش‌کده و کتاب‌خانه‌ی تخصصی بانوان تجهیز گردد تا بدینوسیله، توسعه و رشد علمی در سطح عالی برای همه استعدادهای حوزوی فراهم آید.

سامان‌دهی و هدف‌مند کردن فعالیت‌های پژوهشی خواهران

در وضعیت کنونی که شاهد ظهور شبهات وارداتی دشمنان اسلام و به خصوص تهاجم تفکرات فمینیستی در عرصه مسائل زنان می‌باشیم، به گونه‌ای که حتی گاه موجب تعارض دیدگاه‌های صاحب نظران حوزه یا دانشگاه در این امور شده است، ضروری است برای تحقیق و پژوهش در حوزه‌ی خواهران، تشکیلاتی ایجاد شود که ضمن تعیین موضوعات کاربردی با توجه به نیازهای جامعه بانوان و بهینه سازی و تکمیل امکانات پژوهشی مراکز حوزوی، زمینه ارتباط صاحب نظران و محققان برجسته را با پژوهش‌کده‌های خواهران فراهم آورد و از تحقیقات موازی جلوگیری نماید.

لزوم تعامل بین مراکز حوزوی فرهنگی و حوزه خواهران

توجه به این واقعیت لازم است که ارتباط جامعه زنان با خواهران مبلغ در زمینه‌های گوناگون علمی - فرهنگی، سخت‌تر و نتیجه بخش‌تر از فعالیت‌های تبلیغی برادران در جمع بانوان است. از این رو لازم است بین مراکز حوزوی فرهنگی و حوزه خواهران، ارتباط و هم‌آهنگی ایجاد شود تا در سایه این ارتباط، اولاً، تربیت مبلغان براساس نیازهای واقعی جامعه بانوان و متناسب با همه سطوح علمی مخاطبان صورت گیرد. ثانیاً، متصدیان امور فرهنگی کشور باید از توانایی‌های خواهران مبلغ آگاه شوند و با اعتماد به کارآمدی آنان زمینه مناسبی برای فعالیت‌های تبلیغی ایشان فراهم آورند.

بی‌تردید بیان تمام محورها برای برنامه ریزی جامع حوزه‌های خواهران در این مجال کوتاه ممکن نیست. لذا ضمن تشکر از بذل عنایت‌های مقام عظمای ولایت به امر حوزه‌های خواهران فرصت را مغتنم می‌شمارم و از سوی خواهران جامعه الزهرا - سلام الله علیها - و سایر حوزه‌ها از حضرت عالی دعوت می‌کنم که قدم رنجه فرمایید و از نزدیک با خواهران در حوزه‌های علمیه دیداری داشته باشید تا از رهنمودهای حکیمانه تان بهره‌مند شوند.

الگوی تعامل حوزه و نظام اسلامی

(حجت الاسلام والمسلمین میرمعزی)

با تشکر و عرض ارادت خدمت حضرت عالی، اساتید و بزرگان موضوع سخن من، کیفیت تعامل حوزه‌های مبارکه علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

محورهای تعامل حوزه و نظام اسلامی

به نظر می‌رسد این تعامل در چهار محور شایان بررسی است: اول، تولید نظریه‌های دینی بنیادی، راهبردی و کاربردی در عرصه‌های مختلف زندگی برای اداره جامعه بر اساس دین. دوم، فرهنگ سازی بر اساس باورها و ارزش‌های دینی از طریق ترویج و تبلیغ دین. سوم، نظارت بر عملکرد نظام. چهارم، مشارکت در اداره‌ی نظام از طریق تربیت نیروهای مورد نیاز نظام.

تعامل حوزه و نظام بر اساس نظریه امام - ره -

در این مجال، نکاتی را درباره‌ی تعامل در محور نخست که مهم‌ترین محورهاست به عرض می‌رسانم.

بر اساس نظریه حضرت امام (ره)، حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه، در تمامی زوایای زندگی بشریت است. از این رو، تعامل در محور نخست، ضرورت ویژه‌ای می‌یابد. این نظریه،

مبنای تأسیس حکومت اسلامی و مورد تأیید قریب به اتفاق مراجع موجود و خود حضرت عالی است. الگوی مطلوب تعامل می‌تواند بر اساس این نظریه به عنوان چشم انداز بیست ساله تدوین شود. تحقق چنین الگویی مستلزم تمهیدات قانونی، سازمانی، مالی و نیروی انسانی متناسب در دو طرف تعامل؛ یعنی حوزه و نظام است.

در یک آسیب شناسی اجمالی، ملاحظه می‌کنیم که رابطه حوزه با نظام، به صورت کامل بر اساس این نظریه تنظیم نشده و تمهیدات آن به نحو کامل فراهم نیامده است. هیچ قانونی وجود ندارد که ارکان نظام را ملزم به مطالبه‌ی همکاری حوزه در تبیین قوانین و سیاست‌ها کند. هیچ نهادی که وظیفه آن ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقق این تعامل باشد وجود ندارد. این امر در تنظیم بودجه کشور نیز مغفول مانده است. در بیش‌تر مدیران نظام، زمینه‌های علمی لازم برای برقراری این تعامل وجود ندارد.

در حوزه نیز نهادی که وظیفه آن ایجاد زمینه‌های لازم برای استنباط نظریه‌های راهبردی و کاربردی و پاسخ‌گویی به نیازهای نظام باشد وجود ندارد.

راه کارهای تحقق الگوی مطلوب تعامل حوزه و نظام

از نظر نیروی متناسب با این هدف، بر اثر اقدام برخی مراجع و بزرگان حوزه و حرکت‌های خودجوش طلاب، اکنون نسلی از روحانیون

ظهور کرده‌اند که دارای صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی در سطوح عالی‌اند.

حدود چهار سال است که بیش‌تر این افراد با پشتیبانی مدیریت محترم حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در قالب بیش از دوازده انجمن علمی با هدف ارتقای دانش در رشته‌هایی مانند اقتصاد، سیاست، مدیریت، روان‌شناسی و تربیت، گرد هم آمده و با امکانات بسیار محدود، مشغول فعالیت شده‌اند. انجمن‌های علمی حوزه با توجه به اهدافی که در اساس نامه آن‌ها آمده است، می‌توانند با استفاده از اعضای خود به تحقق الگوی مطلوب کمک کنند.

با این وجود، تعداد این روحانیون نسبت به نیازها بسیار کم است. از نظر سازمانی، حوزه در نظام علمی کشور از جایگاه رسمی متناسب با شأن و منزلت علمی خود برخوردار نیست. با این شرایط، کسب امتیاز یا مجوز رسمی برای فعالیت‌های علمی حوزوی از وزارت علوم، مستلزم ریختن فعالیت‌های حوزوی در قالب ساختار و سازمان دانشگاهی و رها ساختن نقاط قوتی است که در سیستم آموزشی و پژوهشی حوزه‌ها وجود دارد.

بر این اساس، برای تحقق آن الگوی مطلوب در بلندمدت، تدابیر زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تدوین چشم انداز بیست ساله تعامل نظام و حوزه در عرصه‌های چهارگانه پیش گفته، و تدوین سیاست‌های کلی و برنامه‌های چهارساله حرکت در مسیر چشم انداز.

۲. ایجاد رشته‌های میان رشته‌ای اسلامی در علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه‌ها برای تربیت مدیران و کارشناسان.

۳. ایجاد رشته‌های میان رشته‌ای اسلامی با سبک و سیاق اجتهادی در حوزه، برای تربیت پژوهش‌گرانی که توانایی نظریه پردازی در این زمینه را داشته باشند.

۴. پیشنهاد می‌شود در هر یک از قوای سه گانه و نیز در مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، معاونتی ایجاد گردد که وظیفه آن همکاری جهت تدوین چشم انداز بیست ساله و سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به آن و نیز چاره جویی برای اسلامی‌تر کردن سیاست‌ها و برنامه‌ها در کوتاه مدت باشد.

۵. پیشنهاد می‌شود مدیریت محترم حوزه مبارکه علمیه قم طرحی را برای تأسیس رشته، اعطای مدرک، اعطای مجوز به مجلات و تأسیس انجمن‌های علمی، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد تا از این طریق بتوانند به طور مستقل به این امور اقدام نمایند.

انجمن‌های علمی حوزه می‌توانند در تحقق الگوی مطلوب، نقش بی‌بدیلی داشته باشند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود مراجع معظم، به‌ویژه مقام معظم رهبری و نیز دولت از انجمن‌های علمی پشتیبانی بیشتری

نمایند و با حمایت مادی و معنوی خود موجب بالندگی هر چه بیش‌تر آنان گردند.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین

(حجت الاسلام والمسلمین مظلومی)

رهبر گرامی!

بر کسی پوشیده نیست که امروزه آشنایی با فناوری نوین و به کارگیری رایانه در عرصه‌های مختلف زندگی، ضرورتی گریزناپذیر است. میزان گسترش و بهره‌مندی از رایانه، یکی از شاخصه‌های توسعه کشورها شمرده می‌شود.

استفاده از فناوری برای ابلاغ رسالت فراگیر اسلام

گرچه سال‌ها پیش نخستین حرکت‌های حوزه‌ی علمیه در تولید اطلاعات و نرم افزارهای اسلامی، با حمایت مستقیم و اشراف حضرت عالی آغاز شد و اکنون آن نهال نوپا پس از گذشت نزدیک دو دهه از عمر خود به شجره‌ای تبدیل گشته است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء» و گرچه حرکت‌های فراوانی در زمینه نرم افزارهای محتوایی اسلامی در حوزه‌های علمیه کشور همچون اصفهان و مشهد بنیان نهاده شده و با حمایت مراجع گران‌قدر و نهادهای پژوهشی سامان گرفته‌اند و آموزش ده‌ها هزار نفر از طلاب و فضیله‌ی حوزه‌های علمیه و آشنایی

ایشان با فناوری نوین تجربه‌ای موفق بوده است اما دل شادی به این دستاوردها نباید ما را از چشم دوختن به افق‌های پیش‌رو باز دارد؛ که سرباز عرصه فرهنگ نیز باید به فرمان امیرمؤمنان(ع) چشم به کرانه دشمن نهد که «إِرمِ بِبَصْرِكِ اقْصَى القوم».

مقایسه مسیر طی شده با راه باقی مانده، ما را به تلاش جدی‌تر و تدبیری اندیشمندانه‌تر فرا می‌خواند. اگر نرم افزارها، زبان آشنای مخاطبان امروزی است و شبکه جهانی باید تجلی گاه ابلاغ رسالت فراگیر اسلام باشد، راه درازی در پیش است. این نیاز را اندیشمندان و مبلغان با عمق جان خود دریافته‌اند و کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که از ضرورت این امر غافل باشد اما دست‌یابی به این آرمان باید به عمل راست آید.

پیشنهادهایی در بهره‌گیری از فناوری اطلاعات

از این رو پیشنهادهایی تقدیم می‌گردد:

۱. شبکه جهانی اکنون به بزرگ‌ترین بستر تبادل اطلاعات تبدیل گشته است؛ به گونه‌ای که با بازسازی نسخه‌های الکترونیکی تمام رسانه‌های دیگر، به ابررسانه‌ای فراگیر مبدل شده است. تلویزیون، ماهواره، کتاب و مجلات، حتی اگر در نشر سنتی خود با مشکلی روبه‌رو باشند، به آسانی بر روی شبکه منتشر می‌شوند و این هشدار است برای مسئولان فرهنگی که رصد تغییرات و روند حرکت

اطلاعات در بستر شبکه، وظیفه‌ای حیاتی است و اگر بپذیریم همه رسانه‌های دیگر در این بستر عرضه می‌شوند، اهمیاتی بس بیش‌تر از صدا و سیما را خواهد طلبید.

تعیین اهداف و روش‌ها سیاست‌گذاری و نظارت، محتاج تمرکزی مدیریتی و حاکمیتی است که آن نیز جز با اشراف حضرت عالی و در سطحی فراسازمانی و ملی صورت نخواهد گرفت، زیرا این جریان فرهنگی خود منشأ و زیربنای پیدایش امواج فراوانی در سطح جامعه انسانی است.

۲. نیل به اهداف جمهوری اسلامی تنها در سایه بذل توجه لازم به فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد. توسعه علمی و فرهنگی کشور و تحقق آرمان‌های مذکور در اسناد ملی نیز تنها با گذر از مراحل پیدایش و رشد جامعه اطلاعاتی به دست می‌آید. کسب و حفظ جایگاه علمی درخور ایران در سطح بین‌المللی، وابسته به نهضت نرم‌افزاری است و گام نخست تولید علم، مدیریت، سامان‌دهی و بازیابی اطلاعات است.

۳. فناوری اطلاعات پدیده‌ای نوپاست و پیامدهایی را داشته است که سابقه‌ای تفصیلی در سنت مباحثه دینی نداشته‌اند. نظریه پردازی در مباحث اخلاقی و حقوقی فناوری اطلاعات در کنار استخراج و تبیین دیدگاه‌های اسلامی در تولید، عرضه و برنامه‌ریزی جریان جهانی اطلاعات وظیفه‌ای است که بر عهده پژوهش‌گران حوزه‌های دینی است. فقر پژوهشی موجب شده تا پرسش‌ها و شبهات مفهومی و

مصادیقی این حوزه اکنون با پاسخ‌هایی سلیقه‌ای روبه‌رو باشند. مفاهیمی از قبیل حریم شخصی افراد یا جرایم اینترنتی، نمونه‌هایی مشهود از چنین موضوعاتی است.

۴. تعداد حرکت‌های توان‌مند ولی پراکنده، در عرصه اطلاع‌رسانی اسلامی و کثرت نهادهای فعال در زمینه عرضه الکترونیکی معارف دینی محتاج سامان‌دهی است تا با شناخت وضعیت موجود و تصویر آینده مطلوب، راه کار مناسب و خط مشی جامع فعالیت‌ها تدوین گردد و فعالیت‌های موازی به پوشش خلأها سوق داده شوند و به هدف هم‌افزایی تلاش‌ها نزدیک‌تر گردیم.

۵. اطلاع‌رسانی معارف اسلامی نخستین رسالت نهادهای رایانه‌ای حوزه است. این مهم با تولید کتاب‌خانه‌های الکترونیکی در رشته‌های گوناگون علمی آغاز شد و هم‌اکنون بسیاری از منابع اسلامی را می‌توان در قالب نسخه‌های الکترونیکی جستجو نمود.

تولید فرهنگ‌های موضوعی، یعنی تسهیل دستیابی محققان به مفاهیم موجود در متون و منابع، که بحمدالله آن نیز در برخی مؤسسات تحقیقی صورت گرفته و حتی مقدمات علمی آن در قالب ابزارهایی همچون اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی تدوین شده است ولی گسترش فعالیت‌های فعلی، آموزش این شیوه‌ها به محققان و نهادهای تحقیقاتی، تهیه بسترهای فنی پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظری و کاربردی و تلاش برای رسیدن به روش‌های فنی تحلیل معنایی که گاه

با عناوینی همچون داده‌کاوی از آن یاد می‌شود، گام‌های بعدی در این مسیر طولانی است که باید پیموده شود. امیدواریم با عنایت حضرت عالی و الطافتان گام‌های بلند بعدی در این عرصه برداشته شود.

حوزه، طلاب جوان و مدارس علمیه

(حجت الاسلام والمسلمین نطافت)

با کسب اجازه، درباره طلاب جوان و مدارس علمیه نکاتی را به عرض می‌رسانم.

مستحضرید که بقای حرکت خروشان انقلاب اسلامی ما به توان و نوع عملکرد خواص جامعه بستگی دارد. علما و فضلا، که سرآمد طبقه خواص هستند، در این میدان وظایف سنگینی دارند. تربیت این عالمان کار بزرگی است که زیربنای آن در پایه‌های اولیه طلبگی بنا می‌گردد. لذا مدارس علمیه و برنامه‌ریزان با هدف بسترسازی برای تربیت عالمان مدافع فرهنگ تشیع، نقشی خطیر به عهده دارند.

در این مسیر، طلاب جوان علی‌رغم دلسوزی‌ها و زحمات مسئولین، کاستی‌ها و مشکلات جدی دارند.

راه‌های تربیت طلاب هدف‌مند و کارآمد

امروزه ما به طلابی هدف‌مند، امیدوار، بانشاط، دردمند، باتقوا، آشنا با قرآن و حدیث، زمان‌شناس، کارآمد و توان‌مند در عرصه قلم و بیان نیازمندیم. برای تربیت چنین طلابی چه باید کرد؟

۱. تقویت انگیزه و ایجاد شور و نشاط و تبیین چشم‌انداز طلبگی و جایگاه طلبه، تمهید ابزار و آداب کار و حل مشکلات فرارو و آموزش روش برخورد با مشکلات در یک برنامه پیش‌حوزوی.

۲. داشتن نگاه پدران از سوی مدیران به طلاب.

۳. توجه جدی به معنویت و تهذیب از طریق ایجاد ساختارهای

مناسب در مدیریت حوزه.

۴. بخش آموزش نیز باید دغدغه‌های اخلاقی و تربیتی داشته باشد.

اساتید حوزه باید الگوی اخلاق باشند و انگیزه تربیتی داشته باشند تا طلاب را به تحرک وادارند.

۵. اعزام اساتید اخلاق به صورت حساب شده.

۶. توجه جدی به محوریت قرآن و حدیث به ویژه نهج البلاغه،

به گونه‌ای که در طول دوره شش‌ساله‌ی سطح یک، طلاب با قرآن و احادیث و ادعیه در قالب کلاس و مباحثه مأنوس شوند. باید توجه داشت که تا وقتی طلاب با منابع اصلی آشنا نشوند، مطالعه آثار بزرگان به تنهایی ثمربخش نخواهد بود.

۷. جمع‌تدریجی بین غنای علمی و فعالیت‌های اجتماعی لازم به دو طریق:

الف. حضور در جمع‌های دانش‌آموزی و دانشجویی با برنامه ریزی کامل و احتیاط لازم؛

ب. حضور جوانان در مدارس علمیه با تشکیل حوزه پاره‌وقت.

انس و تأثیرگذاری طلاب بر جوانان، نشاط و اعتماد به نفس طلاب، تقویت بنیه علمی تدریس، افزایش مهارت‌های ارتباطی، شناسایی جوانان مستعد برای حوزه، آشنایی با مشکلات، نیازها و شبهات و در نتیجه افزایش انگیزه مطالعه و تحقیق، نتایجی است که می‌توان از این راه به دست آورد.

۸. از کارهای دیگر که باید انجام شود ایجاد و حفظ نشاط جسمی و روحی از طریق ارتباط با رجال و دیدار با اسوه‌ها به ویژه دیدار طلاب جوان با حضرت عالی است.

بازدید از مؤسسات و مراکز پژوهشی، ایجاد فضای معنوی به صورت متعادل از طریق انس با صحیفه‌ی سجادیه و سایر ادعیه و شرکت در اعتکاف، منتقل کردن طلاب و برنامه‌های مدرسه به مکان‌های خوش آب و هوا، به خصوص در تابستان، توجه به ورزش با احداث اردوگاه تفریحی ورزشی ویژه مدارس علمیه از جمله کارهایی است که لازم است.

۹. ایجاد و حفظ روحیه حق‌طلبی، نقادی و آزادمنشی فکری از طریق برگزاری کلاس‌های روش نقد، آداب نقد و تشویق طلاب ناقد.

۱۰. توجه به دو عنصر گویندگی و نویسندگی از طریق کارگاه‌های نویسندگی و خطابه و مطالعه متون ادبی قدیم چون گلستان و بوستان و ادبیات معاصر.

۱۱. ایجاد و حفظ روحیه تحقیق و به کارگیری طلاب به صورت جمعی در امر تحقیقات.

البته برای اجرای این پیشنهادها باید دست کم در چند عرصه عمده؛ یعنی برنامه ریزی، پذیرش مدیران و فضاهای آموزشی، تحولات جدی به وجود آید.

تحولات لازم در عرصه برنامه ریزی

تحولات لازم در عرصه برنامه ریزی از این قرار است:

الف. لزوم هدف گذاری روشن در برنامه‌ها؛

ب. تدوین طرح جامع آموزشی - تربیتی متناسب با نیازهای جدید برای پرورش نیروهای کارآمد، عالم، باتقوا و انقلابی. آنچه اکنون انجام می‌شود برنامه‌هایی پراکنده است؛ گرچه مفیدند ولی ناکافی و خارج از یک طرح جامع‌اند. به عنوان نمونه هم اکنون برنامه، مواد درسی و حتی امتحانات طلاب دارای مدرک سیکل، دیپلم و بالاتر از دیپلم با هم یکسان است.

ج. ایجاد تحرک در برنامه‌ریزان و تصویب کنندگان طرح‌ها و برنامه‌ها. باید توجه داشت اشتغالات متعدد و مسئولیت‌های متفاوت،

دور بودن برخی از برنامه ریزان و تصمیم سازان از متن حوزه علی‌رغم دلسوزی و خلوص ایشان، عدم تغییر مسئولان تصمیم گیرنده، که باعث رکود و یک نواختی در فضای تصمیم گیری شده است، تصمیم‌سازی‌های کند و دیر هنگام و غیرمنسجم و ... مشکلاتی است که نیاز به تحول را جدی می‌نماید.

البته بعضی از مدارس به صورت خودجوش طرح‌هایی اجرا کرده‌اند و توفیقاتی داشته‌اند. نقد و ارزیابی و تکمیل این طرح‌ها و ارائه آن برای تمامی مدارس، ضروری به نظر می‌رسد.

تحولات لازم در عرصه پذیرش طلاب

ضرورت تحولات لازم در عرصه پذیرش طلاب و استقبال کم جوانان کماً و کیفاً علی‌رغم نیاز شدید، از مشکلات عرصه پذیرش است. این امر باعث شده که از ناچاری و نبود نیروی کافی، به حداقل‌ها اکتفا شود. در شهرستان‌ها که فیلتر جدی وجود ندارد، عدم طراحی یک سیستم کارآمد برای جذب، معضلات دیگری را به وجود می‌آورد.

افت سطح علمی حوزه، ریزش فراوان و اتلاف امکانات و بودجه، نبود طرح جامع برای کشف و جذب جوانان مستعد، عدم معرفی حوزه به جامعه خصوصاً به نسل جوان، کم توجهی جامعه به اهمیت حوزه و معارف دینی و توجه عمومی به علوم روز، از آسیب‌های عام در این زمینه‌اند. اگر امروز جوانی بخواهد طلبه بشود، خانواده ممکن است

مخالفت کند. حتی معلم‌های مذهبی مخالفت می‌کنند؛ یعنی ما دین و حوزه را عملاً کوچک می‌شماریم.

بنابراین برای تحول در عرصه‌ی پذیرش باید به این نکات توجه داشت:

۱. معرفی حوزه در قالب برنامه‌های متناسب با شأن حوزه در رسانه‌ها و مجامع عمومی؛ مانند نماز جمعه، حضور طلاب موفق و فضیله‌ای مشهور در دبیرستان‌ها و معرفی صحیح حوزه در مناسبت‌های مختلف مثل هفته مشاغل و برگزاری طرح‌های معرفتی توسط مدارس علمیه برای نوجوانان و جوانان تا از میان آنان افراد مستعد برای حوزه انتخاب شوند. هم چنین لازم است در عرصه مدیران، تحولاتی صورت پذیرد؛ مانند حذف مدیران ناکارآمد و استفاده از مدیران خلاق، پرکار، دلسوز و فارغ از مشغله که هم به نشاط و سرزندگی و اقتضای جوانی طلاب توجه کرده و هم دارای برنامه جامع، هدف‌مند، به روز، متعادل و غیرسلیقه‌ای باشند.

۲. حمایت ویژه از مدیران موفق و رفع تنگناهای مالی مدارس.

۳. ارتقای جایگاه و شأن مدیریت مدرسه. برای گرایش فضیله‌ای توانمند به این عرصه که این عرصه را کوچک می‌شمارند از طریق دیدار مدیران مدارس حوزه‌ی علمیه کشور با حضرت عالی، توصیه حضرت عالی به نمایندگان خود برای ارتباط با مدیران و حمایت از آنان، برگزاری اجلاس سراسری مدیران و تعاملات فکری و کاری بین مدیران و تبادل تجربیات و تحولات لازم در فضاها و آموزشی.

۴. چاره‌جویی برای رفع پراکندگی مکانی مدارس. این پراکندگی باعث افت شور و نشاط علمی شده است، وقت اساتید و طلاب در رفت و آمد تضييع و از احاطه‌ی مدیریت حوزه بر مدارس کاسته شده است. از طرفی زمینه کمک و همیاری طلاب تضعیف شده، در نتیجه فرصت‌ها و امکانات به دلیل عدم امکان اجرای طرح‌های مشترک از میان رفته است. البته بعضی استدلال می‌کنند که مدرسه‌ی علمیه تأثیر معنوی در محیط دارد؛ غافل از آن که مدرسه در آن مکان دور با مشکلاتی چون بی‌برنامگی و نبود استاد، تأثیر عمده‌ای نخواهد داشت و گاهی اوقات تأثیر منفی نیز دارد.

۵. ایجاد کتابخانه‌های قفسه باز در مدارس با موضوعات و کتب لازم برای طلاب، متناسب با نیازهای امروز.

۶. تأسیس مدارس با استفاده از ظرفیت زمین‌های اطراف حرم مطهر با ساختمان‌هایی متناسب با نیازهای گوناگون آموزشی، تربیتی، رفاهی، ورزشی و نجات طلاب جوان از ساختمان‌های فرسوده و دلگیر و نشاط سوز.

۷. جلوگیری از ساخت و ساز مدارس جدید بدون انطباق بر نیازهای آموزشی و تربیتی. متأسفانه بعضی از ساختمان‌های جدید به هتل آپارتمان شبیه‌ترند تا مدرسه‌ی علمیه.

در پایان تأکید می‌کنم که حل مشکلات حوزه، تأثیر فراوانی در حل مشکلات کشور دارد.

متأسفانه به نظر می‌رسد هنوز به این باور نرسیده‌ایم و یا غفلت کرده‌ایم که تربیت طلاب فاضل با تقوا و کارآمد، نقشی بی‌بدیل در اصلاح امور دارد. به نظر من دست کم در بخش فرهنگی تا مشکلات حوزه حل نشود، مشکلات کشور حل نخواهد شد.

تهدیدها و راه کارهای نهضت نرم افزاری

(حجت الاسلام والمسلمین واعظی)

بنده نکاتی را در مقوله پژوهش و تولید علم در حوزه عرض می‌کنم. روشن است که حوزه‌ی امروز با گذشته به کلی متفاوت است. افزون بر تلاش‌های علمی که از گذشته در ساحت‌های سنتی حوزه مانند: فقه، اصول، فلسفه و تفسیر رواج دارد، افق‌های جدیدی گشوده شده و بحث نهضت تولید علم در چند سال اخیر به لطف جناب عالی و همت عزیزانی در حوزه رسوخ پیدا کرده و بحمدالله امروز نسلی به وجود آمده که به خوبی و تا حد قابل قبولی با دیگر حوزه‌های معرفتی آشنایی‌هایی پیدا کرده‌اند. این امر نوید می‌دهد که ان شاءالله اگر این تلاش‌ها مستمر شود برکاتش را در آینده شاهد خواهیم بود.

تهدیدهای نهضت نرم افزاری

من ترجیح می‌دهم راجع به نگرانی‌ها و تهدیدهای این مقوله سخن بگویم.

در مقوله تولید علم و آزاداندیشی یک نگرانی که وجود دارد که هنوز به نظر می‌رسد فضای ما با فضای مطلوب در مقوله آزاداندیشی قدری فاصله دارد. هنوز در اقشاری از حوزه، تحمل افکار نو مقداری پایین است.

از آفات دیگر در این زمینه، ساده‌انگاری، سطحی‌نگری و اشباع کاذب است، گاه اندک آشنایی با مقولات بیرونی، این احساس را به وجود می‌آورد که گویی شخص بر این مباحث مسلط شده است در حالی که هم چنان که در تسلط بر علوم حوزوی نیاز به تحقیقات فراوان و صرف عمر و بذل عنایت دارد، اگر بخواهیم در علوم بین رشته‌ای و علوم انسانی نیز بر اساس مشی دینی تولید کنیم با نگاه نسبت به آفاق فکری دیگر نباید دچار ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری شویم.

به نظر من نقد نظریه‌های دیگر و نظریات رقیب در عین حال که قدم بلندی در راه تولید علم و نظریه پردازی است، نباید باعث خلط میان نقد نظریه‌های رقیب و تولید علم و نظریه پردازی شود. باید افق کار را خیلی طولانی‌تر، وسیع‌تر و مهم‌تر قلمداد کنیم.

مشکل دیگری که بنده مشاهده می‌کنم، خطر بوروکراسی و اصالت یافتن تشکیلات اداری و عریض و طویل شدن بافت مدیریتی پژوهش‌کده‌ها، پژوهش‌گاه‌ها و مراکز و مؤسسات حوزوی است.

در برخی موارد مشاهده می‌شود آن بهایی که باید به محقق، به حمل شایع داده شود، وجود ندارد. در عوض، به مدیران، مسئولین،

ساختمان و امور این چنینی بسیار بها داده می‌شود و این خطری است که باعث می‌شود خود تشکیلات اصالت پیدا کند.

مشکل دیگر این است که رشد و گسترش کمی مراکز به لحاظ موضوع، متناسب با ظرفیت علمی محققان و نیروی انسانی موجود نیست. استراتژی کلان، بر مقوله توسعه مراکز و تأسیس مراکز پژوهشی حاکم نیست.

توسعه متناسب با نیازسنجی و بر اساس درک این که در چه حوزه‌هایی ظرفیت کافی و نیروی انسانی کافی برای پژوهش داریم باید انجام پذیرد تا مراکز بر اساس آن بسط یابند. از این رو شاهد موازی کاری هستیم و مراکز با قلت محقق روبه رویند. گاه مراکزی با بودجه و امکانات خوب وارد عرصه‌ای می‌شوند در حالی که پژوهش‌گر آموزش دیده مسلط در آن حوزه، بسیار کم داریم. این امر موجب چند مشغله شدن محققان و مدیران می‌شود. تولید علم وقتی امکان دارد که محقق در یک حوزه خاص با فراغت و با حمایت بتواند کار خود را انجام بدهد و دغدغه دیگری نداشته باشد.

مسئله دیگر این که علی‌رغم موفقیت و پیش رفت در نظام آموزشی حوزه، ما احتیاج داریم که آموزش‌های سطح عالی حوزه را به حوزه‌های تخصصی بکشانیم.

وقتی آموزش فلسفی حوزه عمدتاً معطوف بر هستی‌شناسی امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص است، چه طور انتظار داریم دانش آموخته

فلسفه وارد حوزه حکمت عملی، حوزه فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی سیاسی و حوزه‌های دیگر شود؟ ما آموزش‌ها را به حوزه نظری سمت و سو می‌دهیم ولی از زمینه سازی برای حکمت عملی غافلیم.

سطح چهار حوزه بیش از این که هست باید تخصصی شود؛ مثلاً در فلسفه‌های مضاف، فقه پزشکی، فقه جزا، فقه مسائل زنان، فقه مسائل خانواده و... نیز فعال شود.

راه کارهای برای پیش برد نهضت نرم افزاری

اینک به اختصار چند راه کار را بیان می‌کنم:

۱. تأسیس بانک اطلاعات، لازم است تا آخرین دستاوردها و نظریه‌ها در هر حوزه معرفتی طبقه بندی شود. باید اطلاعات کافی داشته باشیم از آنچه در بازار علم و در فضای اندیشه گذشته است. بانک اطلاعات به کسانی که می‌خواهند پایان نامه‌های سطوح عالی حوزه را بنویسند نیز کمک می‌کند.

۲. ثبت نوآوری‌ها و نظریه‌ها در یک مرجع ذی‌صلاح، این امر کمک می‌کند که گام‌های بعدی در جهت به بحث و نقد گذاشتن نظریه‌ها و افکار نو حاصل شود.

۳. پیشنهاد آخر این که اگر ما بخواهیم علوم انسانی اسلامی داشته باشیم، باید در حوزه‌های جدید بینارشته‌ای قدم‌هایی استوار برداریم. ما احتیاج داریم که طلاب را با ماهیت علوم جدید - چه در حوزه علوم

طبیعی و چه در حوزه علوم انسانی - آشنا کنیم و در قدم بعدی درک روشنی از مفهوم تولید دینی عرضه کنیم.

اگر دوستان با این مباحث آشنا باشند می‌بینند که حتی بین صاحب نظران، درک مشترک و روشنی از ساز و کار، درون مایه و محتوای علم دینی وجود ندارد.

این مقولات باید به بحث گذاشته شود، در سطوح پایین حوزه به بحث درآید و به تعبیر دیگر، بایستی بنیان نظری لازم و متناسب در جهت تکمیل علوم انسانی بومی به درستی تمهید گردد. این امر سامان نمی‌پذیرد مگر با علم شناسی فلسفی؛ یعنی درک فلسفی و تأمل فلسفی نسبت به ماهیت علم و علوم موجود در سطوحی از حوزه تدریس شود تا طلاب با درک عمیق این اوضاع، گام‌های بعدی را در ظرف تولید علم انسانی بومی بردارند.

ضرورت نظام آموزشی پژوهش‌گرا

(حجت الاسلام والمسلمین زاده‌وش)

نکاتی را به اختصار خدمت مستطاب عالی عرض می‌کنم. بعضی از

این نکات را عزیزان گفتند.

تأکید بر تدوین متون درسی

یکی از آن‌ها تأکید بر بازنگری و تدوین متون درسی حوزه است که علی‌رغم تأکیدات گذشته جناب عالی و سایر بزرگان و مراجع معظم، هنوز اصلاحات و تغییرات لازم در متون آموزشی و درسی حوزه صورت نپذیرفته است.

بعضی از متون گذشته ما مشحون از آیات قرآن کریم است و مصدر به آیات است ولی امروز این چنین نیست و متأسفانه همانند متون اصلی، قرآن و حدیث جایگاه محوری در درس‌های ما ندارند.

ضرورت انجام پژوهش در ضمن تحصیل

درس‌های ما به گونه‌ای است که پس از گذشت حدود یک دهه از تحصیل متراکم و حجیم در حوزه‌های علمیه باید تردید کرد که آیا خروجی‌های این یک دهه تحصیل، می‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبان خود به خصوص در عرصه‌های جدید باشند؟ تأکید حضرت عالی، بر تشکیل سازمانی کارآمد و شتاب یافتن این اقدام مؤثر خواهد بود.

در خصوص تقویت پژوهش در حوزه، پاسخ حضرت عالی به نامه جمعی از پژوهش‌گران حوزه، نقطه عطف مهمی در نهضت نرم‌افزاری و تولید علم بود اما این حرکت عمدتاً در حاشیه حوزه قرار دارد و در

متن اصلی حوزه هنوز ساختار منظم و یک اقدام جدی برای دمیدن روح پژوهش صورت نگرفته است.

شاید مستحضر باشید که بعد از گذشت ده سال از تحصیلات حوزوی، یک طلبه موظف است برای گرفتن مدارج علمی سطح سه، پایان‌نامه‌ای بنویسد ولی در طول این ده سال هیچ تکلیفی برای پژوهش به شکل رسمی در حوزه وجود ندارد.

پیشنهاد این است که هر طلبه برای ارتقا به پایه‌ای بالاتر، موظف و مکلف به ارائه تحقیق و پژوهش باشد.

توجه به مقوله هنر در حوزه

بعضی از عزیزان مقوله هنر را مطرح کردند. وجود ذوق‌های سرشار هنری در میان طلاب جوان و مهم‌تر از آن عنایت اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه به مقوله هنر در کنار اعتنای جدی و مستمر حضرت عالی به این موضوع مهم، اقتضا می‌نمود که حرکت مبارکی از سوی نهادهای حوزوی و تبلیغی برای تبیین مفاهیم و سمت بخشی به هنر و هنرمندان در ساحت معارف اسلامی صورت گیرد. تاکنون متأسفانه شاهد اقدام شایسته‌ای در این زمینه نبوده‌ایم. در صورت صلاح دید تأکید بفرمایید هم حوزه به مباحث نظری هنر پردازد و هم دستگاه‌هایی مثل دفتر تبلیغات اسلامی ساز و کار پیوند هنر و حوزه را فراهم کنند.

درباره‌ی تأکید بر فراگیری زبان‌های خارجی که بعضی عزیزان هم فرمودند، باید گفت با این که روحانیان کاروان‌های حج عمره از پرتلاش‌ترین و تأثیرگذارترین اقشار مبلغان هستند لکن ضعف قدرت سخن‌گویی به زبان‌های سایر مسلمانان به ویژه مکالمه رایج عربی، به آن‌ها اجازه برقراری ارتباط با سایر مسلمانان و انتقال مهر و عطوفت شیعی و آموزه‌های مکتب اهل بیت(ع) و ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی را نمی‌دهد.

البته فعالیت‌هایی در این زمینه در برخی حوزه‌ها انجام شده ولی اهتمام بیشتری را می‌طلبد. تا کی باید نظام‌های مسلط فرهنگی به هجمه همه‌جانبه و تسخیر زوایای زندگی جوامع بشری در کشورهای اسلامی ادامه دهند و فریاد سالار مسلمانان، رهبر بیدار و آگاه، دغدغه در ذهن‌ها ایجاد نکند؟!

همکاری حوزه و وزارت آموزش و پرورش

رسمیت بخشی و نهادینه کردن همکاری‌های حوزه و آموزش و پرورش، نکته دیگر است. اگر چه هم اکنون برای این همکاری، دفتری ایجاد شده است ولی معمولاً سیاست دولت‌ها تأثیرگذار است و باید کوشش بیشتری برای همکاری این دو نهاد بزرگ صورت بگیرد.

حضور در صحنه بین‌المللی و مقابله با عقاید باطل

هرروز صدها کانال تلویزیونی ماهواره‌ای و ده‌ها هزار قلم به مزد در سطح جهان، هویت مسلمانان را نشانه رفته‌اند و ما هنوز عُشری از این شیخون نابرابر را پاسخ نداده‌ایم تا چه رسد که از موضع انفعالی به موضع تهاجمی نیز برسیم!

سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی دینی و متولی تبیین آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) حضوری جهان‌پسند، تأثیرگذار و همه‌جانبه در فضای بین‌المللی ندارند.

با توجه به این که امسال سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است، از عواملی که به انسجام اسلامی خدشه وارد می‌کند و باعث تحریکات مذهبی می‌گردد، دخالت‌های بی‌رویه و سرمایه‌گذاری برخی از کشورها برای ترویج عقاید باطل و بی‌اساس سلفی‌گری و وهابیت در مناطق مرزی جمهوری اسلامی است. این تحركات نه مورد پسند هموطنان سنی‌مذهب است و نه قابل تحمل برای ملت بزرگ و ولایتی ایران. فرقه‌های ضالّه‌ی دیگری نیز که معبدشان اسرائیل و منبع درآمدشان آمریکا است، در ترویج عقاید باطل خود، با گستاخی و جسوری بیش‌تری در این زمینه فعال‌اند. به نظر می‌رسد این حرکت بیش‌تر سیاسی است و نیاز به قطع سرنخ‌ها دارد.

چند سال گذشته، جمعی از علمای طراز اول حوزه‌ی علمیه اصفهان از حضرت عالی درخواست نمودند که کارشناسان دین، حضوری

تأثیرگذار در سلامت هنر هفتم داشته باشند. بحمدالله در صدا و سیما تا اندازه‌ای به این مهم پرداخته‌اند.

تعمیم این همکاری در فیلم‌های سینمایی و رسمیت بخشی به حضور کارشناسان دینی در عرصه سینما به سلامت بیش‌تر این نوع فیلم‌ها خواهد انجامید.

از عنایت و اعتنای جدی حضرت عالی و حوصله‌ای که به خرج دادید، سپاس گزارم.

ضرورت تدوین طرح جامع حوزه‌های علمیه

(حجت الاسلام والمسلمین نظری)

از همه مشکلات و معضلات و مسائل حوزه علمیه در ابعاد گوناگون آن گفته شد و پیشنهادها داده شد. پیشنهاد حقیر که البته از حدود دو سال پیش هم در مجمع نمایندگان طلاب و فضیله‌ای حوزه علمیه قم [پیشنهاد دادیم، از کمیسیون طرح و برنامه، برای جمع‌بندی همه این معضلات و مشکلات، این است که طرح اساس نامه جامع حوزه علمیه با ابعاد متعدد آن و جزیره‌های جداگانه‌ای که الآن هست و مرتبط به همدیگر نیستند، إلاً اسماً نظیر این همه مؤسسه و پژوهش‌کده و مسائل متعددی که در حوزه علمیه است. یک معاونت آموزش داریم در حوزه علمیه، یک معاونت تبلیغ داریم که از معاونت آموزش گسترده‌تر شد. از بدو گزینش تا فرستادن به تبلیغ را اجرا می‌کنند و

متون آموزشی اما خوب، زیر مجموعه حوزه هم هستند. بخش شهرستان هم به همین کیفیت. اگر طرح جامع حوزه علمیه، اساس نامه جامع حوزه علمیه؛ در رأس آن مراجع عظام تقلید و جامعه محترم مدرسین و همه حوزه‌ها با هم وظیفه‌شان دیده بشود. در ذیلش، وظیفه مجمع نمایندگان طلاب - که حضرت عالی فرمودید: من معتقدم باید در جمیع سطوح تصمیم‌گیری حوزه دخالت داشته باشد - اگر چه شأنی الآن جز مشورت ندارد. این پیشنهاد حقیر بود، ضمن این که به عنوان مجمع نمایندگان در محضر حضرت عالی آمادگی خودمان را برای این که، این پیشنهادات را آن بخشش که مربوط به حوزه است تبدیل به طرح و برنامه کنیم و ارائه بدهیم، از همین جا البته اگر شأنی بالاتر از مشورت برای ما دیده بشود. آماده هستیم که این پیشنهادها را تبدیل به طرح و برنامه و قانون، ارائه نماییم.

نمودار جامع تحلیل مفهومی^۱

برگرفته از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری - مدظله العالی -

پیرامون «تحول و بالندگی در حوزه علمیه»

ضرورت تحول در حوزه

ابعاد ضرورت

- ۱- «تحول» طبیعت و سنت آفرینش الهی و امری اجتناب ناپذیر
- ۲- «انزوا یا مرگ»، نتیجه‌ی تن ندادن به تحول و بالندگی
- ۳- نقش تحول در ایجاد «بالندگی»، و نقش بالندگی در ایجاد «ثبات و پیشرفت اجتماعی» و جلوگیری از هرج و مرج
- ۴- لزوم آمادگی برای حضور در «دنیای آینده» و پاسخگویی به مسائل ملی و فراملی
- ۵- آماده‌تر شدن بستر تحول، به ویژه به خاطر ظهور نسل جدیدی از نخبگان حوزه و صاحب نظران در دانش دینی در زمان کنونی

۱. این نمودار، علاوه بر تجمیع دو تحلیل (مربوط به دو سخنرانی مقام معظم رهبری در آذر ۱۳۷۴ و آذر ۱۳۸۶ در قم و تهران) به برخی دیگر از رهنمودهای ارزشمند معظم له در ارتباط با موضوع «بالندگی» و «تحول» در دیگر سخنرانی‌ها (به ویژه در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های سمنان در آبان ۱۳۸۵) نیز اشاره دارد.

سطوح ضرورت

- | | |
|---------------------|--------------------------|
| ۱. معنوی و عاطفی | |
| ۲. فرهنگی و اعتقادی | |
| ۳. علمی و فناوری | ۱- تحول در سطح «ملی» |
| ۴. اقتصادی | ۲- تحول در سطح «جهانی» ← |
| ۵. اجتماعی | ۳- تحول در سطح «تاریخی» |
| ۶. مدیریتی | |

ماهیت تحول در حوزه

مبانی نظری مدیریت تحول

- ۱- حتمی بودن «تحولات» در «انسان، سازمان و جامعه»
- ۲- «مدیریت پذیر» بودن تحول و امکان هدایت و توسعه‌ی آن
- ۳- حاکمیت جهت «حق و باطل» (صحیح و غلط) بر فرآیند تحول
- ۴- تفاوت ماهوی «رکود» با «ثبات» و «تحول» با «هرج و مرج»
- ۵- «اراده‌ی انسانی»، اساس تحول در سطوح مختلف
- ۶- ابتدای «مدیریت تحول» بر «تئوری‌های کارآمد» و «واقعیت‌های عینی»
- ۷- حفظ ارزش‌ها، ریشه‌ها و اصالت‌های «دینی و ملی» در فرآیند دشوار تحول

تعریف تحول

به روز شدن «ساختارها»، تکامل «برنامه‌ها» و افق‌گشایی در «دانش‌ها»

گستره‌ی تحول

تمامی دانش‌ها، ساختارها، برنامه‌ها و محصولات علمی و عینی

دکترین تحول

حضور در «دنیای آینده» با ویژگی‌هایی کاملاً متفاوت با «دنیای امروز» (به ویژه در عرصه‌ی دانشی) از طریق افزایش نرخ شتاب و تغییر "نگاه" اما با حفظ "جهت الهی"

وضعیت کنونی حوزه در سه سطح

- ۱- سطح حفظ (نگاهداری از میراث گذشتگان و تحویل آن به آیندگان) ← حوزه‌ی کنونی در این سطح، موفق عمل کرده است
- ۲- سطح ترمیم (عمق بخشی و جایگزین کردن افکار و مفاهیم نو به جای مفاهیم مندرس و منسوخ) ← حوزه‌ی کنونی در این سطح، پیشرفت‌های کمی و کیفی داشته است
- ۳- سطح بالندگی (گشودن آفاق نو در کلیه‌ی علوم دینی با هدف زنده نگاهداشتن حوزه) ← حوزه‌ی کنونی در این سطح و برخلاف حوزه‌ی دیروز، از زمانه‌ی خود جلوتر نیست

دکترین (Doctrine): نظام فکری و اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم (مانند مدیریت) و یا در میان پیروان یک آیین یا یک نظریه‌ی کلی، مورد تصدیق باشد.

رسالت اصلی حوزه

پشتیبانی نرم‌افزاری از نظام اسلامی و تأمین عقبه‌ی تئوریک آن با جهت‌گیری کامل الهی، از طریق تلاش سخت و مستمر در خروج از حفظ و ترمیم، ورود هدفمند در افق «تحول» و مآلاً «بالنده کردن» تمامی زیرساخت‌ها و روساخت‌ها، متناسب با سطح مطالبات و نیازهای جامعه هدف

سملوح بالندگی در «دانش‌ها»

- ۱- مبانی علمی: مانند فلسفه (محض و مضاف) و روش‌شناسی (متدولوژی)
- ۲- روش‌های علمی: مانند روش‌های تبلیغی، آموزشی، پژوهشی و ...
- ۳- دانش‌های تخصصی: مانند اخلاق، کلام، فقه، اصول (و کلیه‌ی علوم عقلی و نقلی)

رسالت یا مأموریت (Mission): فلسفه‌ی وجودی، ماهیت و گستره‌ی یک موضوع یا سازمان (مانند حوزه) است که بیانگر وظیفه‌ی کلی و شامل و احیاناً وجه‌متمیزه‌ی آن با پدیده‌های هم‌عرض و مشابه (مانند دانشگاه) می‌باشد.

عرصه‌های بالندگی در «ساختارها»

- ۱- پژوهش (در سطح بنیادی، کارکردی و تجربی)
- ۲- آموزش (در سطح عمومی و تخصصی)
- ۳- تبلیغ (در سطح ملی و فراملی)
- ۴- مدیریت (در سطح کلان و خرد)
- ۵- برنامه ریزی (در سطح راهبردی و عملیاتی)
- ۶- منابع (در عرصه‌ی انسانی و سخت افزاری)
- ۷- اطلاع رسانی (در عرصه‌ی فرهنگ سازی و انگیزه بخشی)
- ۸- نشر (در عرصه‌ی مکتوب و رایانه‌ای)

ارکان بالندگی در «منابع»

- ۱- نیروی انسانی: توسعه‌ی کمی و کیفی «نیروی انسانی» در ابعاد «روحی، فکری و رفتاری» و توزیع مناسب و سازماندهی آنها در عرصه‌های اجتماعی
- ۲- نرم افزار: گسترش کمی و کیفی «محتوایی»، از طریق تولید یا بازتولید دانش‌های مورد نیاز در سطوح «بنیادی و غیر بنیادی»
- ۳- سخت افزار: رشد کمی و کیفی «منابع مالی و سرمایه‌ای و امکانات» اما مستقل از دولت‌ها

منابع سازمانی: در یک تقسیم بندی عبارت است از منابع انسانی (شامل مدیران، کارشناسان و عوامل اجرایی)، نرم افزار (شامل روش‌ها، فرآیندها، الگوها، ساختارها، قوانین، استانداردها، دانش‌ها و ...) و سخت افزار (شامل منابع مالی، فضای فیزیکی، امکانات، آثار و ...).

چگونگی تحول در حوزه

ضعف‌ها و تهدیدها

- ۱- فقدان بستر پرورشی موزون «نیروی انسانی» در تمامی ابعاد، غفلت از استعدادهای شکوفا و توزیع نامناسب ایشان در داخل و خارج کشور
- ۲- کمبود «محتوایی علوم» در عرصه‌های «بنیادی و کاربردی» به ویژه عدم گسترش «فقه» (و سایر علوم) به عرصه‌های «نوظهور اجتماعی»
- ۳- کاستی در عرصه‌ی «آموزش» و انتقال دانش‌های «تخصصی و عمومی»، به دلیل ناکارآمدی «روش‌ها» و نامناسب بودن بسترهای موجود
- ۴- فقدان زمینه‌ی لازم در دو عرصه‌ی «تبلیغ» (داخلی و خارجی) و «نشر»، به عنوان بخش‌های ترویج مفاهیم تخصصی و معارف عمومی به مخاطبان
- ۵- ضعف در فضای نقد، تحمل عقاید مخالف و آزاد اندیشی و سنگینی فضای تکفیر ورمی علمی
- ۶- فقدان سامانه‌ی توانمند در فرآیند «سیاستگذاری، برنامه ریزی، سرپرستی، نظارت و ارزشیابی» در سطح کلان
- ۷- هجوم بی‌امان دشمن در قالب ناتوی فرهنگی و جهانی سازی در تمامی ابعاد اجتماعی

قوت‌ها و فرصت‌ها

- ۱- وجود مایه‌ی دین در نهاد حوزه، به عنوان مانع جدی در میراثی و نابودی آن
- ۲- وجود ظرفیت بالقوه بلکه بالفعل در حوزه برای پاسخگویی به بخشی از مطالبات و نیازها و توسعه‌ی کمی و کیفی آن در سال‌های اخیر در این راستا
- ۳- وجود شخصیت‌های ممتاز و تحول‌گر در هر دوره‌ی تاریخی از تکامل حوزه و نقش آنها در وارد کردن حوزه‌ها به عرصه‌های نوین زندگی و بالندگی
- ۴- وجود نسل جوان و فضایی تربیت یافته‌ی انقلابی در دهه‌های اخیر برای انجام کارهای بزرگ در حوزه‌ی دانش دین
- ۵- وجود اعتماد مردم به حوزه، به عنوان نهاد شناخت دین و ترویج دینداری در جامعه
- ۶- وجود بستر لازم برای پشتیبانی همه جانبه‌ی نظام اسلامی (به عنوان حکومتی قدردان، معتقد و متکی به حوزه) از حوزه و تنها نبودن آن در عرصه‌ی ترویج دین، برخلاف گذشته

قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها (SWOT): یکی از مهم‌ترین روش‌ها در بررسی محیط داخلی و خارجی یک سازمان یا نهاد است که برنامه ریزان راهبردی را از طریق شناخت این وجوه چهارگانه، در تدوین راهبردها و برنامه‌ها یاری می‌رساند.

چالش‌های فرارو

- ۱- عقب ماندن حوزه از زمان خویش و مقتضیات اجتماعی، به صورت واماندن در دو مرحله‌ی «حفظ» و «ترمیم» و وانهادن امر «بالندگی» و مآلاً غفلت از رسالت «تاریخی» خود در زمان حاضر
- ۲- ضعف «تحول خواهی هدفمند»، مبتنی بر «آینده نگری» و بنیان گذاری حوزه‌ی نوین در قم، مشهد، اصفهان و ... در دهه‌های آینده و مآلاً غفلت از رسالت «ملی» خود در زمان حاضر
- ۳- ضعف «پاسخگویی سامان مند» به مطالبات انبوه سایر کشورها، به خاطر ضعف عقبه‌ی تئوریک و فقدان مدیریت و سامانه‌ی توانمند در این خصوص و مآلاً غفلت از رسالت «جهانی» خود در زمان حاضر

چالش (Challenge): برآیند حاصل از جمع بندی وجوه چهارگانه (به ویژه نقاط ضعف داخلی و نقاط تهدید خارج از سازمان) است و بیانگر این واقعیت که سازمان برای رفع آن‌ها نیازمند ظرفیت سازی و ارتقا ساختار می‌باشد.

سیاست‌های کلی

- ۱- تلاش در جهت ترسیم «حال» و «فردای» حوزه، با تکیه بر ریشه‌ها و شیوه‌های ارزشمند در میراث گذشتگان
- ۲- بسترسازی برای خروج از «مرداب تحجر» و «گرداب تجدد»، با توسعه‌ی اندیشه‌ی «جنبش علمی» و فرهنگ سازی در این خصوص
- ۳- تقویت جریان اعتمادساز بین «حوزه و نظام اسلامی» برای ایجاد بستر لازم جهت شناسائی و پاسخگوئی شایسته‌تر به مطالبات حکومتی
- ۴- تقویت پیوند تاریخی بین «حوزه و بدنه‌ی جامعه» برای ایجاد بستر لازم جهت شناسائی و پاسخگوئی شایسته‌تر به مطالبات اجتماعی
- ۵- تعادل سازی و اولویت گذاری هدفمند بین مطالبات ملی و فراملی، با تکیه بر مقدمات و رفع موانع واقعی در داخل و خارج
- ۶- مشارکت سازی عمیق و همه جانبه بر اساس الگوهای کارآمد برای شناسائی، جمع‌بندی و هدایت ظرفیت‌های پراکنده و موازی اما همسو و پراکنده در درون و برون حوزه
- ۷- تکیه بر ظرفیت‌های فکری جوان، صاحب فضل و پرنشاط حوزه به عنوان مخاطبان مستقل و ذی‌نقش
- ۸- تلاش در جهت استقلال حوزه‌های علمیه و حفظ سیادت و تحرک آن در همه‌ی زمان‌ها
- ۹- باز طراحی ساختارهای «اصلی» و «پشتیبان» حوزه و هماهنگ سازی بین آنها متناسب با اقتضائات زمان

سیاست‌های کلی (Policies): مجموعه راه‌ها و خط مشی‌های اساسی و دیرپا مبتنی بر واقع‌گرایی و جامع‌نگری است که یک سازمان را در نیل به اهداف عالی خود یاری می‌رساند و راهنمای عمل مدیران می‌باشد.

راهبردها و الزامات

- ۱- پذیرش «کاستی‌ها و آسیب‌های حوزه» به عنوان اولین گام در فرآیند تحول و بالندگی
- ۲- تحریک «اراده‌ها» و تقویت «انگیزه و نشاط فکری» در حوزه (به ویژه در میان قشر جوان و فاضل) برای بیدار کردن روح تلاش فردی و جمعی
- ۳- تقویت «سازماندهی و مدیریت» در دو سطح «اداری» (با فرآیند معمولی برای امور جاری) و «جهادی» (با جهت‌گیری انقلابی برای ایجاد تحولات اساسی)
- ۴- تبیین «سیاست‌های نوین و روزآمد»، متناسب با جایگاه حوزه در هر یک از مقاطع فرآیند تحول
- ۵- تکمیل حلقه‌ی «مدیریت» با رویکرد «تحول خواهی» و تعریف یا بازتعریف فرآیند «برنامه ریزی راهبردی» در حوزه به ویژه با استفاده از دانش مدرن برنامه ریزی و آینده نگاری
- ۶- اعمال «سازماندهی پویا و منعطف» در عرصه‌ی «نیروی انسانی»
- ۷- ایجاد دگرگونی هدفمند در بخش‌های اصلی «تهذیب، پژوهش، آموزش و تبلیغ»
- ۸- ایجاد دگرگونی هدفمند در بخش‌های پشتیبانی «مدیریت، اطلاع رسانی، ارتباطات، اداری - مالی و ...»
- ۹- بازنگری در عرصه‌ی تولید مفاهیم نو در سطوح «بنیادی و کاربردی» در بخش پژوهش، متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی

راهبردها (Strategies): مفاهیمی است برای ترجمه‌ی سیاست‌های نظری به برنامه‌های عملیاتی، و ابزاری عملی برای رسیدن به اهداف بلند مدت و تنظیم محیط بیرون و درون سازمان با نگرش تأثیر بر محیط خارجی و تحول در درون.

- ۱۰- ایجاد فضای باز و تخصصی در عرصه‌ی علوم عقلی و نقلی و تقویت روح «آزاداندیشی» و نهادینه کردن آن
- ۱۱- تغییر «شیوه‌ها، ابزارها و محتواهای آموزشی» (به ویژه کتب درسی) و روی آوردن به ساده سازی متدیک در عین عمق بخشی تئوریک
- ۱۲- «کاربردی کردن» تمامی دانش دینی - به ویژه فقه و اصول - در دوره‌ی خارج
- ۱۳- اجتناب از دولتی کردن حوزه‌ها به عنوان یک نهاد علمی - فرهنگی برای تحرک بخشی به آن در موضع گیری‌های اجتماعی
- ۱۴- بازتعریف سازوکار ارتباط ارگانیک و تعامل مستمر «حوزه و نظام اسلامی» در تمامی زمینه‌های مورد علاقه و ضروری به ویژه در عرصه‌های «نوظهور اجتماعی»
- ۱۵- ساماندهی «تبلیغ دین» در عرصه‌ی «داخلی و خارجی»، متناسب با نیازها، مطالبات و شرائط متغیر اجتماعی

برنامه‌ها و اقدامات

- ۱- ترسیم «چشم انداز» تحول حوزه و تبیین «سیاست‌های کلان»
- ۲- نوسازی «نهاد مدیریت حوزه» در دو سطح «عالی» و «عملیاتی»
- ۳- تأسیس «شورای برنامه ریزی» توانمند و آشنا با الگوهای کارآمد برنامه ریزی راهبردی
- ۴- تقویت بخش «آمارگیری» و نظام «ارزشیابی» از فرآیند مدیریت تحول حوزه
- ۵- «تفکیک سطح علمی» حوزویان بر اساس «اهداف» تعریف شده و «نیازهای جامعه‌ی هدف» در تمامی شئون و عرصه‌ها و معطل نگذاشتن طلاب در دروس نامأنوس با علاقه و استعداد ایشان
- ۶- برگزاری همایش‌ها و کارگروه‌های علمی - کارشناسی برای بررسی تخصصی «موضوعات» و شناسائی «آسیب‌ها، راهکارها و برنامه‌های تحول حوزه»
- ۷- تغییر سیاست‌های پیشین در ساماندهی «مقاطع مقدماتی و سطح» و تقلیل آنها به ۵ سال برای ورود در دوره‌ی «خارج»
- ۸- تأسیس «رشته‌های مستقل علمی» در دانش‌های اصلی مانند کلام
- ۹- برگزاری هم اندیشی «مدیران مدارس» جهت تسریع در انتقال تجارب و توسعه همفکری
- ۱۰- تغییر «محتوای آموزشی» با رویکرد فهم عمیق مطلب (نه فهم سطحی عبارت) و حفظ «مایه‌ی علمی»

برنامه‌ها (Programs): تدابیر کاملاً عملیاتی همراه با زمان بندی، بودجه، نیروی انسانی و جهت‌گذاری مشخص و با هدف تعیین بخشیدن به آرمان‌ها و اهداف ترسیم شده‌ی سازمان در عرصه‌ی عینی.

نمایه اعلام

ابن ادريس.....	۳۵	الف
ابن سعيد.....	۸۵	آخوند (خراسانی)..... ۶۰, ۳۸
ابن هشام.....	۶۴	آرژانتین..... ۱۳۳
اتحاد ملی.....	۱۷۶	آزاداندیشی..... ۱۶۹, ۱۱۷, ۹۹
اجازه.....	۱۲۷	آسیا..... ۴۵
اجتهاد.....	۱۲۰	آفریقا..... ۴۵
اخباری‌ها.....	۱۰۰	آقا سیدابوالحسن..... ۵۸
اخلاق.....	۴۱	آل بابویه..... ۳۰
اخلاق مادی.....	۴۱	آل محمد(ص)..... ۷۲
ادگاردو رویین.....	۱۳۳	آمارگیری..... ۹۹, ۹۸, ۷۱
اروپا.....	۴۵	آمریکای لاتین..... ۱۳۳
استادی (آیت الله).....	۶۲	آیات الاحکام..... ۱۱۶
اسلام شناسی.....	۱۴۰, ۱۳۸	ابزارهای تبلیغ..... ۱۲۸

- ۱۱- اعطای «مدارک مستقل حوزوی» بدون ترویج فرهنگ «مدرک گرایی» در حوزویان
- ۱۲- تشکیل «هیأت های علمی» از فضالای جوان و ارتقای منزلت اجتماعی ایشان در جامعه تخصصی
- ۱۳- آموزش اجباری «زبان های بیگانه» به عنوان «دروس اجباری» حوزه
- ۱۴- تأسیس «مؤسسه ی آموزشی تبلیغات بین الملل» جهت حضور مؤثرتر مبلغان دینی در عرصه ی جهانی
- ۱۵- برگزاری و تقویت کرسی های نظریه پردازی و دیگر ابزارهای ترویج فرهنگ «آزاداندیشی علمی» در حوزه

مخاطبان و جامعه ی هدف

- ۱- علمای بزرگ و متنفذان حوزه به عنوان اولین رده از مخاطبان
- ۲- فضالای جوان به عنوان مخاطبان مستقل و ذی نقش
- ۳- مدیران ارشد به عنوان عوامل مهم در سرپرستی، هدایت و نظارت
- ۴- نخبگان فکری و فرهنگی جامعه، حوزه و دانشگاه، به عنوان مدیران و مؤثران در مدیریت تحول
- ۵- دولت، به عنوان پشتیبان، معتقد و متکی به حوزه
- ۶- دستگاه های فرهنگی، وزارت علوم و ...، به عنوان یکی از ظرفیت های تعاملی هدف در نگاه کلان تحول

اسلام ناب محمدی(ص)..... ۱۷۶
 اشعریین ۳۰
 اصطلاح نامه های علوم اسلامی
 ۱۶۰
 اصفهان ۱۵۷, ۸۸, ۸۳, ۳۱
 اصول فقه ۱۴۴
 اقتصاد ۱۵۵, ۱۱۹
 اقلیت های مسلمان ۱۳۸
 الجایتوی خدابنده ۴۳
 المنطق ۱۴۵, ۸۴
 النّقص ۴۲, ۳۹
 الهیات بالمعنی الاخص ۱۷۰
 امام (خمینی) ۵۸, ۶۰, ۸۴, ۱۰۰,
 ۱۰۱, ۱۱۴, ۱۵۳
 امام صادق(ع) ۱۱۴, ۱۱۳
 امر به معروف ۴۸
 امواج صوتی ۵۷
 امیرمؤمنان(ع) ۱۵۸
 امینی (آیت الله) ۵۸
 انجمن تخصصی ۹۵

انجمن علمی اقتصاد ۹۵
 انجمن علمی تاریخ ۹۵
 انجمن علمی تخصصی ۹۵
 انجمن علمی رجال ۹۵
 انجمن علمی روان شناسی .. ۹۵
 انجمن قلم حوزه ۱۳۰
 انجمن های علمی ۱۲۱, ۱۵۵, ۱۵۶
 انسجام اسلامی ۱۷۶
 انقلاب اسلامی . ۸۴, ۱۳۶, ۱۴۲
 اهل بیت(ع) ۱۷۵, ۱۳۳, ۳۹
 اهل سنت ۴۰
 ایتام آل محمد(ص) ۵۳
 ب
 بانک ۴۷
 بانک های اطلاعاتی ۱۴۷
 بحر العلوم ۸۶
 برنامه های استراتژیک ۱۱۷
 بروجردی (آیت الله) .. ۳۲, ۵۰, ۵۸
 برهان ۱۴۵

بغداد ۳۸
 بلخ ۳۸
 بورسیه ۷۰
 بیولوژی ۵۶
 پ
 پارلمان ادیان ۱۳۹
 پزشکی ۱۳۸
 پژوهش کده ۱۵۱
 پیوندها ۴۸
 ت
 تاریخ ۵۶
 تبلیغ .. ۵۷, ۷۰, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹
 تبلیغات ۱۲۶, ۱۲۵, ۵۶
 تبلیغات بین المللی ۱۰۴
 تحصیلات تکمیلی ... ۱۱۹, ۱۵۱
 تحفه ی اثنی عشریه ۴۰, ۳۹
 تحول ۸۹
 تحول مدیریت ۹۴
 تربیت ۱۵۵
 تصویری ۵۷
 تفکرات فمینیستی ۱۵۱
 تورم ۴۷
 توس ۳۸
 تولید علم ۱۵۹
 تولید علم و آزاداندیشی ۱۶۹
 تهرانی (آقا میرزا جواد) ۱۰۱
 ج
 جامع السعادت ۴۱
 جامعه الزهرا ۱۵۲
 جامعه شناسی ۱۱۹
 جامعه ی مدرسین ۱۷۸, ۱۰۲
 جرایم اینترنتی ۱۶۰
 جشنواره هنر آسمانی .. ۱۳۱, ۱۳۲
 جعفر بن محمد(ع) ۱۱۳
 جنبش نرم افزاری ۱۱۷
 جوادی (آیت الله) ۱۴۵
 جهاد ۴۸

چ

- چشم انداز..... ۹۴
چشم انداز بیست ساله ۹۶، ۱۵۴، ۱۵۶
چشم انداز ده ساله..... ۱۴۹

ح

- حائری (آیت الله حاج آقا مرتضی)
..... ۵۸
حائری (حاج شیخ عبدالکریم)
..... ۸۶، ۳۲
حدود..... ۴۸
حدیث..... ۳۱
حریم شخصی افراد..... ۱۶۰
حسن بن علی و شأء..... ۱۱۳
حضرت بقیه الله..... ۷۲
حضرت جواد..... ۳۰
حضرت عسکری..... ۳۰
حفظ قرآن..... ۱۱۶
حقوق..... ۴۱، ۴۲
حقوق جزا..... ۴۲

خ

- حقوق مدنی..... ۴۲
حقوقی تجارت..... ۱۳۸
حقیقت و مجاز..... ۶۸
حکمت عملی..... ۱۷۱
حلب..... ۳۱
حلّه..... ۳۱
حوزه «شیخ مفید»..... ۳۱
حوزه نجف..... ۳۱، ۳۲، ۸۶
حوزه و دانشگاه..... ۱۱۷
حوزه هنری سازمان تبلیغات
..... ۱۳۰
حوزه‌های علمیه..... ۱۵۷
حوزه‌ی اصفهان..... ۹۶، ۱۷۶
حوزه‌ی بغداد..... ۳۱
حوزه‌ی علمیه مشهد..... ۹۶، ۱۲۳
حوزه‌ی علمیه‌ی حلّه..... ۸۵، ۸۶
حوزه‌ی قم..... ۸۶، ۸۸، ۹۶
خانه هنر صدا و سیما..... ۱۳۰

ر

- خراسان..... ۳۱
خلاف..... ۴۰
خواجه نصیر طوسی..... ۸۵
خوبی (آیت الله)..... ۵۸
د
داستان نویسی..... ۱۲۸
دانشگاه‌ها..... ۷۰
درس اصول..... ۱۴۴
درس خارج..... ۶۱، ۶۶
درس فلسفه..... ۱۴۱
درس نقد فلسفه..... ۱۴۱
درهم..... ۴۷
دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۰، ۱۷۴
دلیل اجتهادی..... ۱۱۴
دوران قمین..... ۳۰
دولت اسلامی..... ۵۹، ۱۰۴
دیات..... ۴۷، ۴۸، ۶۳
دین شناسی..... ۴۲، ۵۲
دینار..... ۴۷
ز
زبان علمی..... ۹۴
زکات..... ۴۷

ژ	سیدبحرالعلوم.....	۵۰
ژانویه.....	سیدبن طاووس.....	۱۱۶
س	سیدمرتضی.....	۳۱
سازمان‌دهی.....	سینمای دینی.....	۱۲۸
سایت‌ها.....	ش	۱۳۰, ۱۲۶
سایت‌های اینترنتی اسلامی.....	شامات.....	۱۳۸
سلاطین صفویه.....	شبهات مفهومی.....	۳۱
سلطنت صفویه.....	شبهه «ابن کمونه».....	۳۱
سمرقندیین.....	شرح لمعه.....	۳۱
سمینار.....	شورای برنامه ریزی.....	۷۲, ۷۱
سنت.....	شورای عالی.....	۴۹
سند چشم انداز.....	شورای عالی نظام پزشکی.....	۱۱۹
سیاست.....	شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۱۵۵
سیاست گذاری.....	شورای عالی حوزه.....	۹۵
سیاست گذاری و نظارت.....	شورای عالی علوم و معارف اسلامی.....	۱۵۹
سید حامد حسین.....	۳۹
سید شرف الدین.....	شورای عالی مدیریت.....	۱۴۲
سید مرتضای رازی.....	شهید اول.....	۳۹
سیدالشهدا (س).....	شهید صدر.....	۱۰۰

صلوات.....	شیخ انصاری ..	۹۳, ۶۰, ۵۱, ۵۰
ط	شیخ طوسی.....	۳۱, ۳۵, ۳۹, ۴۰
طرابلس.....	۱۴۱, ۴۹
طهارت.....	شیخ عیاشی.....	۳۰
ع	شیخ کشی.....	۳۱
عارف.....	شیخ مفید.....	۳۸
عبادات.....	شیعه شناسی.....	۱۳۸, ۱۳۵
عبدالجلیل رازی قزوینی.....	شیوه‌ی آموزش.....	۹۰
عبقات.....	شیوه‌ی پژوهش.....	۹۰
عرفان.....	ص
عرفان عملی.....	صاحب جامع الشرایع.....	۸۶
عرفان نظری.....	صاحب جواهر.....	۵۰, ۳۲
علامه.....	صاحب حدائق.....	۱۰۰
علامه امینی.....	صاحب ریاض.....	۱۰۰, ۵۰
علامه حلی.....	صاحب قوانین.....	۵۰
علم اصول.....	صاحب معالم.....	۶۵
علم دین.....	صحابه.....	۳۰
علم شناسی فلسفی.....	صحیفه‌ی سجادیه.....	۱۶۳
علم کلام.....	صفویه.....	۳۱

علوم انسانی ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۲, ۱۷۲
علوم انسانی اسلامی ۱۷۱
علوم طبیعی ۱۱۸
علوم عقلی ۶۲, ۸۴, ۱۴۲
علوم قرآن ۱۱۶
عملیات بانکی ۴۷
غ
غرب ۴۱, ۴۲
ف
فتوا ۱۲۷
فخرالمحققین ۴۰
فرصت مطالعاتی ۱۴۷
فرهنگ‌های موضوعی ۱۶۰
فصول ۳۴, ۶۶, ۹۲
فقاہت. ۳۱, ۳۵, ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۶۹
فقه ۶۸, ۴۱
فقه آموزی ۱۴۶
فقه القرآن ۱۱۶
فقه پژوهی ۱۴۶

ق

فلسفه ۴۱, ۴۲, ۸۴
فلسفه‌های مضاف ۱۴۱
فلسفه‌ی اخلاق ۴۱, ۱۷۱
فلسفه‌ی حکمت متعالیه ... ۱۰۰
فلسفه‌ی دین ۴۲, ۵۲
فلسفه‌ی سیاسی ۱۷۱
فلسفی (حجة الاسلام) ۱۲۹
فناوری ۸۸
فناوری اطلاعات ۸۸, ۱۵۹
فهرست ۳۹
فهرست رجالی ۳۹
فیلسوف ۹۹
فیلم خانه ۱۳۰
فیلم نامه نویسی ۱۲۸
ق
قاعده فقهی ۱۱۴
قرض ۴۷
قرض ربوی ۴۷
قریب الاجتهاد ۷۰

قزوینی (آقا شیخ مجتبی) .. ۱۰۰	کفایه ۳۷, ۶۱, ۹۲, ۱۱۵, ۱۴۴, ۱۴۵
قضا ۴۸	کلام ۴۱, ۴۲, ۶۸, ۸۴
قضاوت ۴۸	کلام جدید ۴۲
قضیه پول ۴۷	کلیسا ۵۶
قمین ۳۰	کمیسون طرح و برنامه ۱۷۷
قوانین . ۳۴, ۶۶, ۹۲, ۱۱۵, ۱۴۴	کنفرانس اسلامی ۱۳۹
ک	کنگره آمریکا ۴۲
کارآمدی نظام تدریس حوزه... ۱۴۳	کنگره شعر و ادب حوزه... ۱۳۱
کاشف الغطا (شیخ جعفر) ۵۰, ۸۶	کوفه ۳۰
کامپیوتر ۴۲	گ
کتاب «فصول» ۳۴	گیاه شناسی ۵۶
کتاب اخلاق ۴۲	م
کتاب خانه ۱۳۰	مؤلفان ۳۱
کتاب رجال ۳۹	مؤمن (آیت الله) ۶۲
کتاب‌خانه‌های تخصصی... ۱۴۷	مباحث حقوقی ۴۲
کربلا ۳۲	مباحث کلامی ۵۲
کرسی‌های آزاداندیشی ۹۹	مباحث نظری هنر ۱۷۴
کریسمس ۵۶	مبسوط ۳۹, ۴۰
کشیش ۵۶	مبلغ ۱۰۶

متکلم	۱۲۱, ۶۹
متکلمان	۵۲
متون آموزشی	۱۷۳
متون درسی	۱۷۳
مجتهد. ۴۴, ۴۹, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۱۲۱	
مجتهد متجزی	۷۰
مجتهد واقعی	۱۵۳
مجمع بررسی مباحث تازه فقهی	۶۲
مجمع جهانی اهل بیت (ع) .. ۱۳۶	
مجمع نمایندگان طلاب ... ۱۷۸	
محدثان	۳۱, ۳۰
محقق	۵۰, ۴۹
محقق اردبیلی	۴۸
محقق حلّی	۸۵, ۳۵
محقق خراسانی	۳۷
محقق داماد (آیت الله)	۵۸
محقق کرکی	۵۰
محمد بن زکریای رازی	۳۹
محیط‌های علمی	۱۱۷
مدرسه اسلامی هنر	۱۳۰
مدرک	۹۱
مدرک زدگی	۹۱
مدرک گرابی	۹۱
مدرک مستقل حوزه‌ای	۹۱
مدیریت	۱۵۵
مدیریت آموزشی	۱۴۸
مدینه	۳۰
مذهب شیعه	۱۴۲
مراجع معظم	۱۷۳, ۱۵۶
مروارید (آیت الله)	۱۰۱
مسائل حکومتی	۴۸
مسأله پول	۴۷
مسیحیت	۵۶
مشرب عرفانی	۱۰۰
مشرب فقهاتی	۱۰۰
مشرب فلسفی	۱۰۰
مشرب ملاصدرا	۱۰۰
مشکینی (آیت الله)	۳۷
مشهد	۱۵۷, ۸۸, ۸۳

مصدیقی	۱۶۰
مضاربه	۴۷
مطالعات علمی	۱۱۸
مطالعات میدانی	۱۱۸
مطبوعات	۵۷
مطول	۶۵
معالم	۱۴۴, ۱۱۵, ۹۲, ۶۵
معانی حروف	۶۸
معاونت بین الملل حوزه ... ۱۳۹	
معراج السعادة	۴۱
مغنی	۶۵, ۶۴
مفسر	۱۲۱
مُقتنعه	۱۱۵
مکاسب	۱۱۵, ۹۳, ۶۶, ۶۱
مکتب اهل بیت (ع) .. ۱۴۲, ۱۳۵, ۳۹	
مکتب ملاصدرا	۱۰۰
مکتب هنری قرآن	۱۳۲
منبر	۱۲۹, ۱۲۸, ۱۲۷, ۱۲۵, ۱۰۶
منبری	۷۰
میرحامد حسین	۱۴۲
میرزای نائینی	۶۰
ن	
نبوت خاصه	۵۳
نبوت عامه	۵۳
نجف	۵۸, ۳۱
نسخه‌های الکترونیکی	۱۵۸
نصاحیین	۳۱
نظام آموزشی	۱۴۴
نظام اسلامی	۱۰۴
نظام نامه	۹۴
نظریه پردازی	۱۱۷
نقل حدیث	۱۲۷
نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه	
علمیه قم	۱۷۷
نهاد مدیریت حوزه	۹۷
نهضت آزادفکری و آزاداندیشی .. ۱۰۱	
نهضت نرم افزاری و تولید علم	
..... ۱۷۳, ۱۵۹	
نهی از منکر	۴۸

ه	۳۸	نیشابور.....
هرات.....	۳۸	
هستی شناسی.....	۱۷۰	و
هنر و حوزه.....	۱۷۴	وبلاگ‌های ادبی و هنری .. ۱۳۰
هیأت علمی.....	۱۰۲	وجود صانع..... ۵۳
ی		وحید بهبهانی ۳۲, ۵۰, ۸۶, ۱۰۰
یحیی ابن سعید حلّی.....	۸۶	ودیعہ..... ۴۷
یونسکو.....	۱۳۹	ودیعہ گذاری..... ۴۷